

پوهنتون کابل

پوهنځی شرعیات

مرکز پروگرام ماستری شریعت وقانون

کتاب درسی پروگرام ماستری

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (1: البقرة: 269).

قاعة البحث

(روش تحقیق و رهنمای عملی آن)

تالیف: پوهاند محمدابراهیم ابراهیمی

کابل، 1391 هـ ش

مشخصات کتاب:
نام کتاب: قاعة البحث (روش تحقیق و رهنمای عملی آن)
نام مولف: پوهاند محمد ابراهیم ابراهیمی
طرح جلد و برگ آرایی: توسط مولف
ناشر:
تیراژ:
نوبت طبع: اول، 1392 هـ ش
موسسه تمویل کننده:


بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

عنوان | **صفحه**

مقدمه:

الحمد لله رب العلمين والعاقبة للمتقين و الصلوة و السلام على من بُعث بالدليل الذى فيه شفاء لكل عليل، و على آله و اصحابه الذين هم مقدمات الدين و حجج الهداية و اليقين.

اما بعد فقد قال الله تعالى فى محكم كتابه:

{ فَلَوْلاَ نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ }(1: التوبة، 122).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (1: الحجرات، 6).

طبق بند های مختلف ماده 48 قانون موسسات تحصیلات عالی مصوب 1368/5/27 اعضای کادر علمی این موسسات در جنب تکمیل شرایط ترفیع به رتبه علمی پوهنمل، پوهندوی، پوهنوال و پوهاند مکلف به تحریر آثار علمی- تحقیقی در ساحات مربوطه شان نیز میباشند (8: ماده 48). محصلان دوره های ماستری و دکتورا نیز مکلف به تحریر پایان نامه های علمی- تحقیقی هستند، آنها درتحقیق و تحریر رساله های خود بعضاً از روش های متفاوت اجرای تحقیق، تحریر و نگارش کار گرفته و سلیقه های کاری جداگانه ای را بکار میبرند، شاید در بعض اوقات یک محقق محترم با تحمل مشقات فراوان یک کارعلمی- تحقیقی با ارزشی را اجراء و تحریر مینماید ولی نسبت اینکه مقدمه اثر به شکل معیاری آن تحریر نیافته و یا در قسمت پیشینه تاریخی موضوع تحقیق وضاحت بیشتر وجود نداشته و هدف تحقیق و نیازی به همچو یک تحقیق روشن نشده و یا اینکه آثار مرتبه و دریافت های بکر و جدید تحقیق با وضاحت کامل نشان داده نشده است کار ارزیابی آن پروژه واثر در شورا های علمی، کمیته های ترفیعات وبوردهای ماستری و دکتورای این موسسات به مشکل جدی روبرومیشود که موجودیت این مشکلات تحریر اثر فعلی را بیشتر موجه میسازد.

در تهیه این اثر به کتب گرانبهای استادان پوهنتون لبنان هر یک دکتور إمیل یعقوب تحت عنوان « کیف تکتب بحثا او منهجیة البحث » و دکتور مهدی فضل الله تحت عنوان « اصول کتابة البحث و قواعد التحقیق » و هم کتاب معروف دکتور احمد شلبی تحت عنوان « کیف تکتب بحثا او رسالة » مراجعه صورت گرفته و هم از مقاله یک محقق معروف ایرانی دکتر کمالی استفاده بعمل آمده چنانچه « رهنمای عملی فراهم سازی طرح تحقیق » تهیه شده توسط سه تن از محققان ایرانی بنامهای دکتر عزت الله نادری، دکتر مریم سیف نراقی و فرنگیس شاهپوریان نیز در برخی موارد، زیر توجه بوده و مورد استفاده قرار گرفته است.

علاوه از آن بنده بیشتر از 20 سال میشود افتخار عضویت شورای علمی پوهنځی شرعیات و کمیته ترفیعات علمی پوهنتون کابل را با خود دارم وزمانی عضو بورد ماستری پوهنتون کابل بوده وفعلا هم عضویت بورد ماستری و مسئولیت مرکز پروگرام ماستری شریعت و قانون پوهنحی شرعیات آن پوهنتون را دارا میباشم و این همه نهادهای علمی ارتباط تنگاتنگ با مسائل علمی– تحقیقی دارند وهم بنده بیشتر از 16 کتاب علمی- تحقیقی و درسی و بیشتر از 60 مقاله علمی– تحقیقی نشر شده داشته و در جریان دوره خدمت29 ساله ام در پوهنتون کابل آثار تحقیقی بیشتر از 200 تن از استادان ومحققان پوهنتونهای کشور، اکادمی علوم افغانستان واستادان دارالمعلمینهای کشور بطور رسمی جهت ارزیابی به اینجانب ارجاع گردیده وبنده آنها را مطالعه و بررسی نموده و در مورد بطور رسمی ابراز نظر کرده ام، بنا براین کم و بیش تجاربی که درمورد اجرای یک کار وپروژه تحقیقی وتحریر گزارش تحقیق داشته ام خواستم در مورد **روش تحقیق و رهنمای عملی آن** مطالب مختصری را برای تدریس مضمون قاعة البحث پروگرام ماستری پوهنحی شرعیات ترتیب و بدسترس محصلان ماستری، استادان و محققان جوان کشور قرار دهم.

****

اثر علمی وانواع آن:

قبل از اینکه به شرح و توضیح روش تحقیق و رهنمای عملی آن بپردازیم مفید خواهد بود تا در مورد اثر علمی و انواع آن معلومات ضروری را ذیلا ارائه و جایگاه اثر**علمی – تحقیقی** را در بین آثار علمی بخوبی و آسانی دریابیم:

در پوهنتونها، اکادمیهای علوم و سایر نهاد های علمی و تحقیقی علاوه از اجرای وظائف دیگر، آثارعلمی گرانبهایی نیز ایجاد و تحریر می گردد.

تعریف اثر علمی :

اثرعلمی عبارت است از نتیجه یک فعالیت نظری و یا عملی که توسط یک عالم در یکی از ساحات علمی حاصل و تحریر می گردد. اثر علمی انواع زیادی دارد، درین انواع، رساله ماستری که یک اثر علمی- تحقیقی گفته می شود نیز شامل است، ما در ذیل برخی انواع اثر علمی را ذکر و بعد شروط عمومی و خصوصی انها را مختصرا بیان میداریم:

- اثر علمی- تحقیقی
- پروژه علمی- تحقیقی
- اثر بکر (اطروحه)
- تالیف
- تدوین
- کتاب درسی
- کتاب ممد درسی
- لکچر نوت
- رهنمای تعلیمی
- رهنمای علمی
- قاموس لغات

- قاموس اصطلاحات دایرة المعارفی

- دایرة المعارف (انسایکلوپید یا)

- نقد

- شرح

- تلخیص

- ترجمه

- نشریه موقوت

- نشریه غیر موقوت

- کتاب شناسی (ببلیوگرافی) مراجعوی

- کتاب شناسی (ببلیوگرافی) تشریحی

- متن انتقادی (تحقیق مخطوطات)

شروط عمومی یک اثر علمی:

برای همه آثار علمی توافر شروط ذیل ضروری است، شاید صرف در برخی اندکی از آثار تعدادی از این شروط حتمی نباشد.

1- داشتن عنوان کوتاه، مشخص، قابل فهم، جالب، عاری از اختصارات و علائم.

2- مقدمه معیاری که اثر را معرفی، اهداف آنرا بیان، وجود مشکل و روش حل آنرا نشان دهد. و ذکر سایر مطالب ضروری نظر به خصوصیت هر اثر علمی درآن حتمی است.

3- بیان مطالب اساسی اثرو تسلط کامل ایجاد کننده ان در ساحه مربوطه اثر.

4- داشتن نتیجه گیری معیاری ازموضوعات مطروطه (برخی آثارعلمی نتیجه گیری ندارد).

5- ذکر فهرست مآخذ معتبر در اخیر اثرعلمی و ترتیب آن به شکل معیاری.

6- ذکر فهرست مطالب، فهرست جداول، فهرست تصاویر و... در ابتدای اثرعلمی با تشخیص صفحات مربوطه (صرف در برخی آثار علمی خصوصا که دارای عناوین کمتر باشد ذکر فهرست مطالب وسائر فهارس ضروری نمیباشد).

7- در متن آثارعلمی کوشش بعمل می آید تا برای ساختن جملات از کلمات مناسبی که معانی مطلوب را افاده کند استفاده صورت گیرد و هم برای ساختن فقره ها و پاراگرافها از جملات کوتاه، قابل فهم، ساده وروان کار گرفته شود وهم در ترتیب پاراگرافهای یک عنوان دقت بعمل آید.

8- در صورت موجودیت کلمات واصطلاحات مطلوب در زبان اثر علمی از استعمال کلمات و اصطلاحات خارجی جلوگیری صورت گیرد.

9- مطالب و موضوعات اثرعلمی به یک ترتیب منطقی- علمی تنظیم گردد.

10- علائم وقف، اصول ترقیم و تنقیط در آن بطور معیاری در نظر گرفته شود.

11- اصطلاحات علمی و یا جدید با آوردن معادل عربی، لاتین و یا انگلیسی آن توضیح گردد.

12- اثر علمی قبل از تقدیم آن به مراجع ارزیابی کننده و نشراتی باربار بدقت مرور شده و تمام اغلاط املائی، انشائی و تایپی در آن کاملا رفع گردد، در پاورقی ذیل از کتاب: «کیف تکتب بحثا او رسالة» تالیف دکتور احمد شیلبی برخی مطالب را درمورد شروط عمومی یک ا ثر علمی نقل مینماییم: [1].

---

[1]. ... ولهذا فمعنى الأسلوب الجميل في الرسائل هو أن يعرف الطالب جيدا :
- كيف تختار الكلمات.
- كيف تنظم الكلمات في جمل.
- كيف تتكون من الجمل العبارات والمقالات.
وفيما يلي بعض ما ذكره الباحثون ؛ ليساعد الطلاب في إيضاح هذه النقاط الثلاث :
الكلمات :
يجب أن يكون معجم الطالب في اللغة التي يكتب بها واسعا... . وتستعمل الكلمات المعاصرة الواضحة ، لا الكلمات القديمة ، ولا الكلمات حديثة الظهور ، هذا في الأسلوب العادي ، أما في ظروف خاصة كأن يكون الطالب يكتب مثلا عن شاعر قديم أو شاعر حديث مجدد فلا مانع من اقتباس بعض الألفاظ التي استعملها الشاعر على ألا تكوننابية مبهمة... .
ولا تستعمل الكلمات أو العبارات الأجنبية إلا إذا كانت كلمات أو عبارات اصطلاحية "Technical Terms " وفيما

عدا ذلك فتجنبها لازم في الرسائل.

الجمل :

تكتب الجملة بأقل ما يمكن من الألفاظ ، وكلما استطعت أن تضع معنى في ثمانية كلمات فلا تضعه في عشرة.

ويسبق المبتدأ الخبر ، أو الخبر المبتدأ ، ويتقدم الفعل على الاسم أو يتقدم الاسم على الفعل ؛ تبعا لأهميته أولا ، وثانيا للتطابق بين الجملة التي أنت بصدد كتابتها ، وما سبقها من جمل.

ويتحاشى الطالب الفواصل الطويلة بقدر الإمكان بين الفعل والفاعل وبين المبتدأ والخبر ، بحيث يكون من السهل على القارئ أو السامع أن يدرك الارتباط بين شطري الجملة أو بين الكلمة ومعلقاتها.

والجمل القصيرة تفضل الجمل الطويلة بوجه عام.

ومن مظاهر الأسلوب الجميل كذلك البساطة ، فالتعقيد يقلل من قيمة الرسالة ، ثم الإيجاز بحيث يحس القارئ أنه يجد جديدا كلما قرأ ، فإذا اتضحت الفكرة التي يشرحها الطالب ، فليتوقف عن أن يضيف سطرًا واحدا إليها ، وينتقل بالقارئ إلى فكرة أخرى.

ومن المستحسن كلما انتهى الطالب من كتابة فصل ما ، أن يقرأ بصوت مرتفع ؛ ليزاوج بين الجمل ، وليطمئن إلى انسجام العبارات ، وحسن جرسها ورنينها.

وكل ما من شأنه أن يؤثر تأثيرا قويا في قيمة الرسالة ، والأسلوب بهذا المعنى يجب أن يلاحظ فيه الاعتبارات الآتية :

على الطالب ألا يكثر من إيراد براهين على مبادئ مسلم بها أو يمكن التسليم بها بسهولةوعلي الطالب أن يتحاشى المبالغات. ويتحاشى الطالب كذلك الأسلوب التهكمي وعبارات السخرية ، فليس في الرسائل مجال لمثل هذا اللون من التعبير. ويتجنب بقدر الإمكان كل ما سيفتح عليه بابا للخلاف وحذار أن يجادل الطالب حبا في الجدل ، فذلك أبعد ما يكون عن الروح العلمية التي ترمي -كما قلنا- إلى تبيانالحقيقة ، وعلى هذا إذا رأى أن الضرورة تقتضي مناقشة آراء الآخرين فليناقشها دون تهيب ودون مجاملة ، ولكن بأدب جم ، وعدل بعيد عن الهوى.

الضمائر :

أكثر الذين كتبوا في موضوع هذا الكتاب " كيف تكتب رسالة " ، وتعرضوا للكلام عن ضمير المتكلم ، ينصحون أن يتجنب الباحث ذكر هذا الضمير بكل أنواعه ، سواء في ذلك ضمائر الرفع وضمائر النصب والجر ، منفصلة أو متصلة ، بارزة أو مستترة ، للفرد أو للجماعة ، وعلى هذا لا يقول : أنا ، ونحن ، وأرى ، ونرى ، وقد انتهيت في هذا الموضوع إلى... ورأيي ، ونحو ذلك... .

وينصح هؤلاء الكتاب الباحث أيضا ألا يكثر من استعمال الأساليب الآتية :

ويرى الكاتب ، والمؤلف لا يوافق.. والباحث يميل.. أما التعبيرات التي يجب أن تغلب على الأسلوب فهي مثل : ويبدو أنه... ويظهر مما سبق ذكره ، ويتضح من ذلك ، والمادة المعروفة عن هذا الموضوعتبرز.

هذا ما ذكره الكتاب الإنجليز الذين تعرضوا للكلام عن ضمير المتكلم والمخاطب ، وهذا هو ما يتبعه الإنجليز في أسلوبهم ، وما ينبغي أن يتبعه الذين يكتبون رسائلهمبالإنجليزية كطلاب الطب والعلوم بالجامعات المصرية ، وقد اتبعت ذلك إلى حد كبير في رسالتي التي كتبتها بالإنجليزية وحصلت بها على الدكتوراه من جامعة كمبردج ، ولكني عندما بدأت أترجم هذه الرسالة للغة العربية ، وجدت أنه لا غنى عن استعمال الضمائر في بعض الأحايين ، ثم تناقشت مع بعض الأساتذة في ذلك ، فاتفقنا على أن أسلوب اللغة العربية لا يتنافى مع هذه الضمائر على ألا يكثر استعمالها ، وعلى أن تخلو من مظهر الفخر والاعتداد بالنفس.

وعلى هذا ينصح الذين يكتبون رسائلهم باللغة العربية ألا يكثروا من استعمال ضمير المتكلم والمخاطب ، وأن يلاحظوا -إذا استعملوا ضمير المتكلم- التواضع والأدب الجم ، فالحديث عن النفس غير محبوب غالبا للقارئ والسامع ، ويتحاشى الطالب عبارات مثل : إن الأبحاث التي قمت بها تجعلني اعتقد... ولا أوافق هذا الكاتب على ، لأني استطعت الحصول على مادة... وغير ذلك من الأساليب التي فيها مظاهر الإعجاب ، وعلى الطالب أن يكون ماهرا في إبراز ما يريد بأسلوب سمح هادئ وأن يستعمل الأساليب التي سبقت الإشارة إليها مثل : ويبدو أنه.. ويتضح مما تجمع من مادة.

الفقرات :

الفقرة وحدة قائمة بذاتها لا تحتاج إلى عنوان ، وهي تكون مع غيرها من الواحدات " فصلا " مستقلا له عنوان ، ومن مجموعة الفصول يتكون " الباب " .

والفقرة مجموعة من الجمل بينها اتصال وثيق لإبراز معنى واحد أو لشرح حقيقة واحدة ، وينبغي أن يلاحظ أن للفقرة

استقلالا يمكن معه أن يطلق عليه أنها " بحث قصير " أو " بحث داخل بحث " ولهذا يجب أن تستوفى عناصر الاستقلال ، وأن تؤدي إلى نتيجة واضحة ، وأن تكون حول فكرة واحدة.
وللفقرة طول متوسط فلا ينبغي أن تكون طويلة جدا ولا قصيرة جدا ، وإن كان قصرها مقبولا عن طولها.
وترتيب الفقرة ينبغي أن يكون متسلسلا ومنطقيا ،تنبني كل جملة على ما قبلها وتمهد لما بعدها لإيضاح الفكرة التي يراد إبرازها.
وينبغي كذلك ملاحظة الصلة التي بين كل فقرة وأخرى بأن تحوى كل فقرة نوعا من الارتباط بالفقرة السابقة ؛ إذ إن جميع الفقرات في الفصل تخدمه وتوضحه.
ومن حيث إن كل فقرة وحدة قائمة بذاتها ، فينبغي أن يبرز ذلك للعين فضلا عن بروزه للعقل ، ومعنى ذلك أن تظهر الفقرة مستقلة على الورق ، فيبدأ الكاتب سطرا جديدا لكل فقرة ، ويترك فراغا عند بدء ذلك السطر ، ويضع نقطة عند انتهاء الفقرة ، ويترك بين كل فقرتين فراغ أوسع قليلا من الفراغ المتروك بين السطرين في الفقرة الواحدة ، وذلك حتى تظهر الفقرة مستقلة بنفسها تمام الاستقلال ، وهو ما اتبعناه في هذا الكتاب.
الألقاب :
إذا أشار الباحث في رسالته إلى شخص ما ، فالقاعدة العامة أن يذكر اسمه بدون ذكر لقبه أو الوظيفة التي يشغلها ، فيقول : ويرى ابن الأثير ، ويميل طه حسين ، ويؤيد جولد زيهر رأيه... وهكذا ، أما استعمال دكتور ، أستاذعميد ، وزير ، وغيرها من الألقاب والوظائف فليس استعمالا صحيحا في الرسائل.
ولكن هناك بعض حالات يكون ذكر الألقاب والوظائف فيها ضروريا ، وذلك في حالة ما إذا كان للقب أو الوظيفة صلة خاصة بالفكرة التي يتحدث عنها الكاتب ، وحينئذ يذكر اللقب أو تذكر الوظيفة دون أن يكون القصد تكريم الشخص بل الإيضاح ودعم الرأي ، مثال ذلك أن تتحدث عن " الباشا " أو " الولي " في تاريخ الدول العربية تحت سلطة العثمانيين ، فإن ذلك اللقب وهذه الوظيفة يشيران إلى النفوذ والظلم والاستبداد ، وكأن تقول -في حديثك عن الشيعة- إن من رأي فلان زعيم الإسماعيلية في الهند أو زعيم الشيعة في النجف.. فإن لهذه المكانة أهمية خاصة في دعم الآراء الإسماعيلية الشيعية ، ولهذا إذا تحدثت عن الوالي حديثا بعيدا عن وظيفته كأن كنت تتحدث عنه كأديب أو مؤرخ مثلا ، فإنك تذكر اسمه دون أن تضيف له لقب " الباشا " أو وظيفة " الوالي " وكذلك الحال في زعيم الإسماعيلية أو الشيعة إذا تحدثت عنه في غير ما يتصل بهذا المنصب.
ويجب أن يكون مفهوما أن حذف الألقاب ليس معناه عدم التقدير ، فالتقدير شيء وهذه الألقاب شيء آخر.. هذا ويستثنى ثلاثة مواضع تذكر فيها الألقاب أو الوظائف وهي :
1- عند ذكر مصادر الرسالة فإن اسم المؤلف يذكر مع ألقابه.
2- في التقدير والاعتراف : إذ تذكر الألقاب مع أسماء من تفضلوا بالمساعدة وتقديم العون للكاتب ، كما تذكر الوظائف كأن تقول : فلان مدير مكتبة الجامعة يستحق كل تقدير وشكر لما قدم من تسهيلات.
3- أن يكون الشخص الذي تناقش رأيه أو تقتبس منه شخصا غير مشهور في محيط المادة التي تدرسها ، فلا مانع حينئذ أن تقدمه للقارئ كأن تقول فلان أستاذ الأدب العربي القديم أو نحو ذلك ؛ ليشاركك القارئ رأيك أنه يستحق أن تقتبس منه أو تناقشه ، ولكن هذا التعريف يجب أن يكون في الحاشية لا في صلب البحث ، وعلى هذا فالباحث في الدراسات الإسلامية يمكنه أن يذكر الأسماء الآتية ألقاب ودون أن يعرف بأصحابها :
رتيشارد كوك-بروان-جولد زيهر-آدم متز-فيليب حتى-جب-أحمد أمين-طه حسين.
تلك هي القاعدة العامة كما صورتها المراجع الإنجيليزية وكما يفعل الإنجليز ، غير أن ذلك لا يبدو مقبولا على هذا النحو في أساليبنا العربية وتقاليدنا الشرقية ، فلعله من غير المستساغ أن نقول : ويرى حسن إبراهيم بدون أن نقول : الدكتور ، ولهذا أميل إلى أن الطالب العربي ينبغي أن يذكر اللقب العلمي ، أما الألقاب الأخرى مثل : السيد ، الوزير ، العميد ، وما شابهها فليس في الرسالة مجال لها ، كما ينبغي للطالب العربي أن يبتعد كل البعد عن ذكر عبارات كالعبارات الآتية :
أستاذنا الكبير ، العالم الجليل ، العلامة ، فأمثال ذلك يجب أن تخلو الرسالة منه.
وعلى كل حال فكلما استطعت -في الأبحاث العلمية- أن تذكر الاسم بدون الألقاب كلما كان ذلك أكرم لصاحب الاسم وأرفع لقدره.

علاوه از شرایط عمومی که در هر اثر علمی باید رعایت شود، آثار علمی دارای شروط خصوصی ذیل نیزمیباشند که در ذیل به اختصار بیان می گردد.

1- اثر علمی- تحقیقی:

اثر علمی- تحقیقی عبارت از آن اثریست که مطابق اصول و روشهای معیاری تحریر یافته و در یک ساحه خاص علمی نتایج و در یافتهای جدیدی را در سطح ملی و یا بین المللی بدست دهد .

مقدمهء اثر علمی- تحقیقی باید دارای اوصاف ذیل باشد:

- طرح موضوع بصورت واضح با بیان ضرورت و هدف تحقیق .
- مشخص ساختن ساحه و حدود تحقیق نظربه ایجاب رشته .
- توضیح مواد و روش تحقیق با ذکر اجمالی از محتوای اثر در صورت لزوم.

متن اثردر رشته های مربوطه مطابق روشهای معمول و معیاری با داشتن جدولها، ارقام، احصایه ها، گرافها و نقشه ها در صورت لزوم تهیه میگردد.

ازکارتحقیق با تعیین ساحه استفاده علمی یا عملی یا هردوی آن، نتیجه گیری علمی صورت میگیرد.

ضمایم مربوطه در اخیر اثر در صورت لزوم علاوه میگردد .

فهرست اصطلاحات علمی در اخیر اثر در صورت لزوم به حیث ضمیمه خالی ازمفیدیت نیست.

یک اثر علمی- تحقیقی انعکاس دهنده نتایج و دریافتهای جدید و بکر در یک ساحه علمی است که با اسلوب قبول شده و معیاری نگارش یافته باشد. شرط های اساسی یک تحقیق علمی، جدید بودن موضوع و تحریر معیاری آن میباشد ولی این شرط ها بعضاً در بین محققین عرصه های علوم طبیعی و علوم بشر ی و اجتماعی مورد جر و بحث قرار میگیرد .

تعدادی به این باوراند که در ساحات مربوط به برخی علوم اجتماعی شاید در بعض موارد ادعای جدید بودن موضوع تحقیق یک ادعای محض باشد و در مورد تحریر معیاری آن هم عین مشکل میتواند بعضاً وجود داشته باشد چه در روش کار یک تحقیق شرط است که همواره با تعقیب عین آن روش عین آن نتیجه بدست داده شود و این شرط در ساحات علوم طبیعی مصادیق زیادی دارد .

2- پروژه علمی- تحقیقی:

دارای عین شرایط اثر علمی- تحقیقی بوده صرف با این تفاوت که پروژه علمی- تحقیقی دارای وسعت بیشتری بوده ایجاب همکاری محققین زیادتر، وقت و مصارف بیشتری را می نماید.

3- اثر بکر (اطروحه):

اثر بکر یک ایجاد نو در یکی از ساحات علمی است که قبلا در سطح ملی و بین المللی ایجاد نشده باشد و اگر قبلا ایجاد شده باشد به شرطی به عنوان اثر بکر پذیرفته میشود که نظریه های جدید باطرق تحقیق معاصر در آن بکار گرفته شده باشد، و یا نتایج قبلی بطور مدلل در آن رد و یا تضعیف گردیده باشد و یاهم نتایج تحقیقات قبلی در آن تکمیل شده و یافته جدیدی برآن علاوه شده باشد.

4- تالیف:

اصطلاح تالیف اکثرا به تالیف یک کتاب درسی اطلاق میشود که رعایت شروط خصوصی کتاب درسی که بعدا توضیح میگردد در آن حتمی میباشد.

5- تدوین:

تدوین در حقیقت جمع آوری، ترتیب، تصنیف و تنظیم موضوعات و مطالبی است که از آثار علمی دیگران، دایرة المعارفها، بانکهای معلومات و غیره مراجع گرفته میشود و علاوه از رعایت شروط عمومی یک اثر علمی در آن، مراعات ترتیب علمی و منطقی مطالب آن نیز امر ضروری میباشد.

6- کتاب درسی:

- مطابق مفردات قبلا منظور شده یک نهاد تعلیمی و یا تحصیلی تهیه گردد.

- در کتب درسی تحصیلات عالی شرط است تا کتاب درسی لااقل برای یک سمستر در مضمون مربوطه کفایت کند. مولف آن سابقه تدریس لااقل یک سمستر در مضمون مربوطه را داشته باشد. مولف آن دارای رتبه علمی پوهاند، پوهنوال، پوهندوی و یا پوهنملی دارای درجه دوکتورا در رشته مربوطه و یا نزدیک به آن رشته بوده و برای نشر قبول شده باشد. درکتاب درسی برای هر ساعت کریدت (50 دقیقه) بدون محاسبه ضمائم، 80-120 صفحه معیاری (250 کلمه چهار حرفی که در آن هر علامه ترقیم نیز بحیث یک حرف محاسبه میشود) درنظرگرفته میشود، یعنی برای هرساعت کریدت، 5-8 صفحه معیاری تحریر میگردد. در صورت لزوم دید دارای ضمائمی باشد که بعد از فهرست مآخذ فصل اخیر جابجا شده باشد، مانند ضمیمه فهرست آیات قرآنی، فهرست احادیث نبوی(ص)، فهرست اصطلاحات علمی، فهرست اماکن، فهرست اعلام، فهرست جداول، فهرست گرافها، فهرست نقشه ها و غیره.

کتاب درسی به فصول مختلف مطابق ترتیب علمی- منطقی تقسیم شده و هر فصل دارای یک مقدمه و دروس متعدد است، در هر درس بعد از معرفی عنوان درس ذکر نکات اساسی و یا اهداف درس و یاهم طرح سوالات خالی از مفیدیت نیست، در اخیر هر درس و یا لااقل در اخیر هر فصل موجودیت تمرینها و سوالات مختلف امر ضروری بوده که هر سه بعد آموزش فعال (انتقال دانش، مهارتها، طرز تلقی و تطبیق عملی آن در امور زندگی) را بخوبی ارزیابی کرده بتواند. دراخیر هر فصل قبل از تمرینها و سوالات خلاصه مطالب فصل و نتیجه گیری آن ذکر و بعد از تمرینها و سوالات، فهرست مآخذ بطور معیاری که درمتن مطالب فصل نشان داده شده باشد آورده میشود. کتاب درسی در اخیر خود کدام نتیجه گیری خاصی نداشته و فهرست مجموعی مآخذ نیز در اخیر کتاب تکرارا ذکر نمیشود.

7- کتاب ممد درسی:

یک اثر علمی است که در تدریس یک و یا چند مضمون، مفید واقع شده و با کتاب درسی از لحاظ محتوی مشابهت داشته باشد، در تهیه آن بعد از تصویت مراجع ذیصلاح تمام شروط عمومی یک اثر علمی رعایت میگردد.

8- لکچر نوت درسی:

در تهیه لکچر نوت درسی کوشش بعمل می آید تا اکثر شروط یک کتاب درسی درآن رعایت گردد. برای تحریر آن داشتن رتبه علمی بالاتر حتمی نبوده و شرط نیست قابلیت نشر آن از طرف مراجع ذیصلاح تصویب شده باشد.

9- رهنمای تعلیمی:

رهنمای تعلیمی عبارت از مواد و وسایل درسی است که در امر حصول آسان و بهتر معلومات میتودیکی به متعلمین، محصلین و استادان کمک کند، مانند رهنمای تدریس یک کتاب درسی، رهنمای لابراتوار، رهنمای کار ساحوی و غیره که شامل معلومات و رهنمائی های کافی در ساحات مربوطه میباشد.

10- رهنمای علمی:

بمنظور همکاری با اعضای کادر علمی پوهنتونها، اعضای اکادمیهای علوم و سایر نهاد های علمی- تحقیقی تهیه میگردد، این رهنما دست اندرکاران امور علمی- تحقیقی را در پیشبرد کار پروژه های علمی–تحقیقی، تهیه آثار اصلی ترفیعات علمی، تحقیق و تحریر رساله های ماستری و دکتورا و تهیه سایر آثار علمی کمک مینماید.

11- قاموس لغات:

اثری است که در ان لغات یک زبان به صورت یک زبانی، دو زبانی و چند زبانی معنی شده باشد. ترتیب الفبایی همان زبان در آن رعایت گردیده ازعلائم فونیتیک و چگونگی فشار بالای حروف و هجاها در آن استفاده شده باشد. ریشه کلمه، شکل صرفی کلمه، معانی اصلی، مجازی و اصطلاحی کلمه درآن بیان گردیده و از علائم اختصاری، سمبولها، شکلها و

تصاویر استفاده بعمل آمده باشد. کلمات مستورد درآن تشخیص و هم کلمات مشترک، مترادف و متضاد درآن نشانی شده باشد.

12- قاموس اصطلاحات دایرة المعارفی:

دراین نوع قاموس بجای لغات و کلمات، اصطلاحات، مقولات و مفاهیم مربوط به یک یا چند ساحه علمی تعریف و توضیح میگردد.

ترتیت الفبایی و تناسب اصطلاح با ساحه علمی خاص درآن رعایت شده، سیر و تحول تاریخی اصطلاحات مختصرا بیان می گردد. مآخذ درصورت لزوم دید در متن قاموس گنجانیده میشود.

13- دایرة المعارف (انسایکلوپیدیا):

در دایرة المعارف به عوض ذکر معانی لغات و توضیح مختصراصطلاحات، شرح مفصل اصطلاحات، دست آورد های بشری در طول تاریخ و معرفی شخصیتهای معروف صورت میگیرد. ترتیب الفبایی مطالب در آن رعایت شده و در صورت ضرورت از گرافها، نقشه ها، تصاویر، جداول وسایر نمودارهای ضروری نیز استفاده بعمل می آید.

14- نقد:

دراین اثر، یک اثر قبلا ایجاد شده بصورت دقیق و علمی بررسی و ارزیابی میشود، محاسن و معایب آن از لحاظ شکل و محتوی بیان میگردد.

تحلیل موضوعات بصورت همه جانبه، عینی و بدون تعصب درآن صورت میگیرد.

15- شرح:

دراین نوع اثر، متن یک کتاب مختصر که مطالب آن در اثر اختصار و موجودیت تعقیدات لفظی و معنوی به آسانی قابل فهم برای خواننده نباشد بطور دقیق توضیح و بیان میشود.

کلمات و جملات متن مختصر دربین قوسین قرارگرفته و یا زیر آن خط کشیده شده و یاهم به خط درشت (بولد) نوشته میشود، این امکان هم وجود دارد که شرح یک متن مختصر خود

ایجاب یک شرح دیگری کند واین کاردرمتون قدیم عربی درساحات مختلف علمی به کثرت دیده میشود.

16- تلخیص:

این اثر وقتی ایجاد میشود که در یک ساحه علمی یک اثر مشرح و ارزشمندی وجود داشته و بعضا حاوی مطالب فرعی، زاید و کم اهمیت نیز باشد و عالمی بخواهد مطالب اساسی و ضروری آنرا با اختصار بنویسد، اما درین اثر شرط است که مفکوره های اصلی و محتوی اساسی کتاب مشرح در آن حفظ گردد.

17- ترجمه:

با اینکه ترجمه در جمع آثار علمی به شمار نیمرود و صرف وسیله ای است برای استفاده اهل یک زبان از مطالب سودمند یک اثر علمی که توسط یک محقق، دانشمند و نویسنده زبان دیگر ایجاد و اجرا شده است، پس کار مترجم که وسیله این استفاده قرار گرفته نیز قابل قدر میباشد. برای صحت کار یک مترجم توافر شروط زیر در ترجمه وی ضروری دانسته میشود:

1. کتاب دارای اهمیت خاص علمی بوده و برای جامعه همزبان مترجم مفید ثابت گردد.
2. مترجم کسی باشد که به هر دو زبان یعنی زبان کتاب و زبان ترجمه تسلط داشته باشد.
3. مترجم در مطالب اثر تصرف نکند و امانت داری علمی را مد نظر داشته باشد، او میتواند نظریات و ملاحظات خود در مورد مطالب اثر را در پاورقیهای صفحات تذکر دهد و در بین قوسین کلمه مترجم را بنویسد.
4. مطالب کتاب مورد ترجمه در حوزه تخصص مترجم قرار داشته و یا مترجم در آن ساحه مطالعه و تجربه کافی داشته باشد.
5. مترجم نباید مطالب کتاب را به شکل تحت اللفظی ترجمه کند بلکه از شیوه مفهومی ترجمه استفاده نماید.

6. اگر معادل کلمات و اصطلاحات در زبان ترجمه وجود داشته باشد مترجم از استعمال کلمات بیگانه قطعا اجتناب کند.
7. مترجم تحت عنوان « مقدمه مترجم» نکات لازمه و روشهای کاربردی خاص خود را توضیح دهد.
8. مترجم فوتوکاپی صفحه اول کتاب مورد ترجمه را بعد از صفحه عنوان کتاب ترجمه شده قرار دهد.

18- نشریه موقوت:
اثریکه دریک دوره معین زمانی مانند روز، هفته، ماه و سال نشر گردد، مثل روزنامه، هفته نامه، جریده، بولتن، مجله و سالنامه که طبق پالیسی نشراتی خاص و تحت نظر هیات تحریر با صلاحیت به طبع میرسند.

19- نشریه غیر موقوت:
اثریکه دراوقات غیر معین نشر میگردد، مانند نشریه های فوق العاده، جریده های رسمی و غیره.

20- کتاب شناسی (ببلیوگرافی) مراجعوی:
درین نوع اثر کتب ونسخه های علمی به شکل معیاری فهرست میگردد و در آن به شرح محتویات آن کتب و نسخه ها پرداخته نمیشود.

21- کتاب شناسی (ببلیوگرافی) تشریحی:
دراین نوع اثر علاوه از فهرست کردن کتب و نسخه های علمی به شکل معیاری به شرح و توضیح مختصر مطالب آن کتب و نسخه های نیز پرداخته میشود(12: 3- 18).

22- متن انتقادی (تحقیق مخطوطات):
چنانچه همه میدانیم قبل از ایجاد ماشین چاپ، آثار علمی به اشکال نسخه های خطی آن در کتابخانه ها نگهداری میشدند و از نسخه اصلی مولف نسخه های خطی دیگری توسط نویسندگان تحریرشده تا اینکه زمینه طبع آثار علمی به شکل امروزی آن مساعد گردید، و در هر زبان به همت محققین مخطوطات، آثار خطی و قلمی که از میراثهای علمی و فرهنگی

گرانبهای هرملت بحساب میرود، تحقیق و تنقیح شده و طبع گردیدند. کارتحقیق مخطوطات هنوز هم در برخی کشورهای جهان ادامه دارد و با تاسف فروان این کار در کشور عزیز ما افغانستان رواجی چندان نداشته و کتب خطی ارزشمند نویسندگان این مرز و بوم یا از بین رفته و یا به بیرون از کشور قاچاق گردیده است.

هر نسخه اصلی مولف و نسخه های خطی برداشته شده از آن بدون شک عاری از اغلاط مختلف نبوده و ایجاب آنرا میکند تا قبل از چاپ به تصحیح و تحقیق آن پرداخته شود. برای تصحیح و تحقیق مخطوطات شروط خصوصی و طی مراحل ذیل در نظر گرفته میشود:

1- جمع آوری نسخه ها: شرط است که مخطوطه مورد تحقیق دارای نسخه های خطی بیشتر باشد، مخطوطه ای دارای یک نسخه، تحقیق نمیگردد صرف در برخی مواردیکه نسخه خطی دارای اهمیت زیاد بوده و نیازمندی به آن بیشتر باشد و نسخه های دیگر آن هم وجود نداشته باشد. نسخه های خطی یک اثر از طریق فهرستهای نسخه های خطی، آرشیفهای فرهنگی، کتابخانه های عامه، کتابخانه های خصوصی، قری و قصبات پیدا و جمع آوری شده میتواند.

2- ترتیب نسخه ها: با اعتبار ترین نسخه یک اثر علمی نسخه ای است که با دست مولف آن نوشته شده باشد که در عربی آنرا بنام (المخطوطة الأم) یاد می کنند. نسخه درجه دوم از لحاظ اعتبار نسخه ای است که مولف آنرا خود قرائت کرده و یا در حضور او قرائت شده باشد و اگر این نسخه ها پیدا نشوند نسخه های آتی الذکر بالترتیب مدار اعتبار دانسته میشوند:

الف- نسخه ایکه از نسخه مولف نقل شده و یا با آن تطبیق گردیده باشد.

ب- نسخه ایکه در عصر مولف نوشته شده باشد.

ج- نسخه هاییکه بعد از عصر مولف نوشته شده باشند، و نسخه نزدیکتربه عصر مولف نسبت به نسخه های بعدی دارای اعتبار بیشتر است.

اگر مولف از یک اثر خود نسخه های زیادی را نوشته باشد به نسخه اخیر وی اعتبار بیشترداده میشود. تمام نسخه های جمع آوری شده با ارقام3،2،1... علامه گزاری میشود.

3- تحقیق: هدف از تحقیق مخطوطات ارائه و طبع نسخه صحیح آن بوده که توسط مولفش وضع گردیده است، لذا توجه به امور ذیل در زمینه ضروری میباشد:

الف- حصول اطمینان ازصحت کتاب واسم آن و هم حصول اطمینان از صحت نسبت آن کتاب به مولفش.

ب- تشخیص نسخه اصلی.

ج- تطبیق و مقابله نسخه اصلی با نسخه های دیگر و ارائه اختلاف مطالب و روایات بین نسخه ها، در پاورقی اثر تحقیق شده جدید.

د- در صورت موجودیت یک مطلب اضافی در یکی از نسخه ها، محقق آنرا در اثر خود علاوه کرده و در پاورقی به آن اشاره میکند. و اگر کدام کلمه ویا حرف سهوا از مولف بازمانده باشد محقق اجازه دارد آنرا در بین قوسین علاوه کند.

هـ - اگر در نسخه اصلی برخی هوامش از نسخه های دیگر گرفته شده باشد محقق به آن اعتبار داده و در پاورقی به آن اشاره میکند.

و- عناوین ابواب، فصول و پاراگرافهای که از سوی مولف در نظر گرفته شده بدون تغییر با خط درشت نوشته میشود، و اگر تقسیم و تصنیف موضوعات از سوی مولف صورت نگرفته بود در صورت لزوم دید محقق میتواند به تقسیم و تصنیف مطالب کتاب بپردازد ولی این عناوین خود را در بین قوسین جابجا میکند.

4- در نظر گرفتن پا ورقی: در پاورقیها علاوه از ذکر امور گذشته، ارقام آیات و سوره های قرآنی، مصادر احادث نبوی صلی الله علیه وسلم، شرح حال مختصر اشخاص، شرح کلمات و اصطلاحات مشکل و خطاهای مولف جابجا میشود.

5- تنظیم فهرستها و ضمایم: مانند تنظیم فهرست آیات قرانی، فهرست احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم، فهرست مصادر تحقیق، فهرست اعلام، فهرست ابیات شعری و غیره.

6- موجودیت مقدمه: خوبست محقق مقدمه تحقیق مخطوطه را در ختم کار خود بنویسد. مقدمه این اثر شامل موضوعات ذیل میباشد:

آلف- شرح حال مختصر مولف مخطوطه باذکر مآخذی که در شرح حال وی از آن استفاده شده است.

ب- ذکر موضوع کتاب و مآخذی که درین کتاب از آن استفاده بعمل آمده است، ذکر مطالب جدید یکه بر آن علاوه شده و هم ذکر اهمیت مطالب مخطوطه.

ج- معرفی مخطوطه ایکه مورد اعتبار بیشتر محقق بوده باذکرناسخ، تاریخ نسخ، عدد صفحات، عدد تقریبی سطرهای هر صفحه و حواشی آن. ذکر نسخه هاییکه مقارنه و تطبیق با آنها صورت گرفته با ذکر تاریخ نوشتن و محلات نگهداری هرکدام آنها.

حالا جوابات پرسشهای ذیل را با پنسل بنویسید:

1. یک اثر علمی چگونه تعریف میشود؟ چند مثال آنرا ذکر کنید.

2. اطروحه چگونه یک اثر علمی است؟ و بنویسید که آیا با اثر علمی_تحقیقی تفاوت دارد و یا خیر؟

3. شرائط اجرای تحقیق مخطوطات را با اختصار بیان دارید.

4. فرق بین آثار علمی ذیل را مختصرا وضاحت دهید:

- تدوین- کتاب ممد درسی- رهنمای تعلیمی - رهنمای علمی- دایرة المعارف (انسایکلوپیدیا- نقد- تلخیص- نشریه موقوت- کتاب شناسی (ببلیوگرافی) مراجعوی- کتاب شناسی (ببلیوگرافی) تشریحی.

معانی لغوی و اصطلاحی تحقیق:

تحقیق از لحاظ معنای لغوی:

معنای لغوی تحقیق درست و راست گردانیدن، جستجو و یافتن حقیقت است. کلمه تحقیق از ماده « حق » گرفته شده وحق به معنای مطابقت خبر با واقع ونفس الامر میباشد، اگر تحقیق را در هر موردی بکار ببریم هدف از آن کشف یک حقیقت مجهول و راه رسیدن به جواب دقیق یک مسئله بوجود آمده است. درکلمه تحقیق توجیهات متفاوت ممکن است مانند یافتن

اعتقاد صحيح با استفاده از استدلال نقلی، عقلي و منطقي، بررسي و جستجو دربارهء خصوصيات و سوابق يك فرد، وتحقيق علمي، همان موضوعي كه در اين مباحث ميخواهيم دربارهء آن توضيحات نسبتا مفصلی داشته باشيم. در ذيل مطالب مربوط به معانی کلمه تحقيق را از سايت تبيان با كمی تصرف نقل ميکنيم:

« آيا ميدانيم با وجود يكسان بودن معني لغوي كلمه، علت اين اختلاف وتوجيهات متفاوت چيست؟ اين اختلاف معني از آنجا ناشي ميشود كه بسياري از كلمات، علاوه بر معناي لغوي، معناي اصطلاحي نيز دارند. منظور از معناي اصطلاحي، معنايي است كه با به كار رفتن كلمه در مباحث مربوط به يك علم و يا در محيط خاصی، بر اثر قرارداد و يا كاربرد فراوان، براي يك كلمه پيدا ميشود و از آن پس، هر گاه آن كلمه در آن رشتهء علمي و يا محيط خاص به كار رود، معناي جديد، مورد نظر خواهد بود؛ نه معناي لغوي. البته معمولا ميان معناي اصطلاحي و معناي لغوي، نوعي ارتباط وجود دارد وبرخی اوقات معنای لغوی کاملا در نظر گرفته نشده ومتروک ميگردد.

درست است که از نظر لغوی هر تلاش و گرد آوری معلومات را ميتوان تحقيق ناميد اما منظور ما از كلمهء تحقيق در اين مباحث چيست؟ آيا ميتوان هرگونه تلاش براي پاسخ گويي به پرسشها و مجهولات را « تحقيق علمي » ناميد؟ و آيا ميتوان به هر كسي كه اطلاعاتي را جمعآوري ميكند و يا پرسشي را پاسخ ميدهد، محقق گفت؟ به عبارت ديگر، تعريف اصطلاحي تحقيق، وقتي در رابطه با مباحث علمي مطرح ميشود چيست؟

اكنون با توجه به تعريفي كه از تحقيق ارائه كردهايم، از ميان امور زير، مواردي كه طبق تعريف شما تحقيق به حساب ميآيند را نشانی کنيم:

1. ميخواهيم علل كاهش ميزان بارندگي در سالهاي اخير را بررسي كنيم.
2. بايد فهرستي از كليهء نسخههاي خطي قرآن مجيد در همهء كتابخانه هاي جهان را تهيه كنيم.

3. شرکت برق منطقه، میخواهد کلیهء گروپهای معابر عمومي شهر را با گروپهای کم مصرف گرنتی دار تعویض کند. براي اين كار بايد آمار دقيقي از تعداد آنها تهيه شود.
4. اين كتاب، داراي متن سنگين و مشكل است. خوب است متن آن را تصحيح و آمادهء استفاد عموم كنيم. براي اين منظور، بايد آن را با نسخه هاي خطي تطبيق داده و معني كليهء لغات مشكل را در پاورقیهای كتاب توضيح دهيم.
5. اگر چه برخی از علمای حدیث، این حدیث را صحيح دانسته اند؛ ولي قوی و ضعيف بودن آن، مورد ترديد است. بايد راويان آن را شناسايي و وضعيت آنها را بررسي و تخريج معیاری حديث را انجام دهيم.
6. ميخواهيم مجموعه مبسوطی فراهم آوريم و در آن، كليه شاعران افغانستان و آثار و سبكهاي ادبي آنها را معرفي كنيم.

همان گونه که متوجه شدید، همهء موارد فوق را نميتوان تحقيق علمي دانست. اگر چه همهء آنها از نظر لغوي تحقيق شمرده ميشوند، ولي بسته به تعريفي كه از تحقيق اصطلاحي داشته باشيم، برخي از آنها را نميتوانيم تحقيق علمي بدانيم. بنا بر اين، لازم است تعريف دقیقی را از تحقيق ارائه كنيم تا در قضاوتهاي خود در اين رابطه دچار اشتباه نشويم.

تحقیق از لحاظ معنای اصطلاحی:

تحقیق به روش علمی را در اصطلاح مجموعه مقررات و قواعدی دانسته اند که چگونگی جستجو برای یافتن حقایق مربوط به یک موضوع را نشان میدهد. در جایی دیگر، آن را حقیقت پژوهی نامیده اند و گروهی از دانشمندان اینگونه تحقیق را عمل منظم که در نتیجه آن پاسخ هائی برای سوالات مندرج در موضوع تحقیق بدست خواهد آمد تعریف کرده اند.

درهرصورت مشخص است که وجه اشتراک در همه این تعاریف جستجوی حقیقت است و حقیقت یک پدیده ذهنی است که با واقعیت (یعنی وجود عینی) مطابقت دارد. (هرچند ممکن است این امر در علوم تجربی صحیح باشد لیکن در علوم نظری چنین نیست) به هرحال ما نیز در روش تحقیقی که بحث خواهیم کرد بدنبال یافتن حقیقت خواهیم بود.
بسياري از ما گمان ميكنيم كه هر گونه فعاليت و تلاش علمي را ميتوان تحقيق ناميد. فعاليت هايي از قبيل:
تأليف، تصحيح متون، ترجمه، تفسيرمسائل، شرح، احياي نسخه ها، آزمايش __و بسياري فعاليتهاي ديگر كه با وجود ارزشمند و مفيد بودن، همگي جزء مقدمات و يا بخشهايي از يك تحقيق ميباشند و هيچ يك از آنها را نميتوان تحقيق ناميد. براي روشن شدن معني دقيق تحقيق، خوب است تفاوت دو اصطلاح ذيل را مورد توجه قرار دهيم:

فرق ميان سوال و مسئله:

اگر به پرسشها و ابهاماتي كه براي خودمان و يا ديگران مطرح ميشوند دقت كنيم، مي توانيم آنها را به دو دستهء كلي تقسيم نماييم. تفاوت اصلي اين دو گروه، در اين است كه برخي از پرسشهاي ما به خاطر نافهمی و بياطلاعي به وجود مي آيند يعني چون چيزي دربارهء يك موضوع نميدانيم، آن را ميپرسيم تا در آن باره اطلاع كسب كنيم. اين گونه پرسشها را اصطلاحا « **سؤال** » (question) مينامیم. اما برخي از پرسشها هستند كه بر اثر دانايي واطلاعات قبلي ما ايجاد ميشوند، به عبارت ديگر، تا وقتي دربارهء يك موضوع چيزي نميدانيم و يا اصلا به آن موضوع توجه نداريم، پرسشي هم در رابطه با آن به ذهنمان نميرسد؛ ولي همين كه كليهء اطلاعات موجود دربارهء آن مطلب را به دست آورديم، تازه در تحليلها و مقايسه ها و كشف ارتباطات مربوط به آن موضوع، پرسشهاي جديدي براي ما مطرح ميشود. اگر بتوانيم پاسخ اين پرسشها را با پرسيدن از ديگران و يا مطالعه و استفاده از منابع، به دست آوريم، معلوم ميشود كه اين پرسشها نيز بر اثر نافهمی ما و يا

نقص در اطلاعات ما ايجاد شده و در واقع، ما « سؤال » داشته ايم. اما اگر پاسخ پرسشهاي جديد ما، نزد هيچ كس و در هيچ جا وجود نداشته باشد، ما با دغدغه ومشكلي مواجه ميشويم كه خودمان بايد به دنبال حل آن باشيم. اين گونه پرسشها را اصطلاحا **« مسأله »** (problem) ميگوييم.

به عنوان مثال، تا زماني كه كسي به افتادن اشياء به سمت پايين توجه نميكرد، هيچ پرسشي نيز در اين رابطه مطرح نبود. اما (آن گونه كه مشهور است) وقتي نيوتن به اين موضوع توجه كرد، و اطلاعات جامع خود را در كنار آن قرار داد، اين پرسش براي او مطرح شد كه چرا يك سيب وقتي از درخت جدا ميشود، به جاي حركت به سمت پايين، به سمت ديگر حركت نميكند؟ اينجا بود كه يك « مسأله » براي او مطرح شد. مسأله اي كه پاسخ آن را كسي نميدانست و او در هيچ كتاب و منبعي نميتوانست راه حل و پاسخ آن را بيابد. دقيقا در چنين جايي است كه تحقيق و پژوهش، نقش خود را پيدا ميكند.

امروز اگر همان پرسش براي ما مطرح شود، نميتوانيم آن را يك مسأله بدانيم. چون پاسخ آن قبلا داده شده است و براي اطلاع از اين پاسخ، ما نيازمند مطالعه، جمع آوري اطلاعات و يا آموزش ميباشيم. در حالي كه اگر پاسخ پرسش ما در مصادر و مراجع موجود نباشد، بايد براي رسيدن به پاسخ، تحقيق كنيم.

با توجه به نكاتي كه گفته شد، هم تفاوت سؤال و مسأله را دانستيم و هم با تعريف و خصوصيت يك تحقيق علمي آشنا شديم.

مطالب فوق را ميتوانيم اين گونه جمعبندي كنيم:

سؤال:

- بر اثر نافهمی و ندانستن ايجاد ميشود.
- پاسخ گويي به آن با رجوع به افراد و يا منابع امكان پذير است.
- مجهولي است كه فرد، پاسخ آن را نميداند.

مسأله:

- بر اثر دانستن كليه اطلاعات موجود در يك زمينه ايجاد ميشود.
- براي يافتن پاسخ آن، مراجعه به افراد و يا منابع ديگر، سودي ندارد.
- مجهولي است كه جامعهء علمي به آن نپرداخته است و پاسخ آن را نميداند.

اكنون كه با تفاوت سؤال و مسأله آشنا شديم، ميتوانيم به تعريف خود از تحقيق، نزديكتر شويم. اولين و مهمترين نكته اي كه در تعريف تحقيق مطرح ميباشد، اين نكته است كه شرط اساسي شكلگيري و آغاز يك تحقيق، مطرح شدن مسأله است يعني هرگز با داشتن سؤال، نميتوان تحقيقي را آغاز كرد چرا كه فرآيند پاسخ گويي به سؤالها، نوعي آموزش است؛ در حالي كه بررسی و تحقيق، پاسخ گويي به مسأله هاست.
نكتهء ديگري كه از مطالب قبلي به دست مي آوريم، همراه بودن تحقيق با نوآوري است چرا كه همان گونه كه قبلا گفتيم، مسأله وقتي مطرح ميشود كه با موضوع و پرسشي كاملا جديد مواجه باشيم. اگر شرط شكلگيري تحقيق، مسأله است و شرط مسأله نيز، نو بودن موضوع آن است، پس طبيعتا، هميشه تحقيق با نوآوري و پاسخ به پرسشهاي جديد همراه است. همين نكته است كه اهميت و نقش پژوهش را تا حدودي مشخص ميكند. همراه بودن تحقيق با نوآوري، موجب ميشود كه كاروان علم و دانش، بر اثر تحقيقات علمي حركت و پيشرفت داشته باشد.
بنا بر اين، ميتوانيم در تعريف اصطلاحي تحقيق بگوييم:

تحقيق، کوششی <u>روشمند</u> برای پاسخ گويی به <u>مسأله های علمی</u> است که منجر به <u>نوآوری</u> و پيشرفت علم ميشود» (7).

حالا به سوالات ذيل با پنسل جواب بنويسيد.

1. از ميان فعاليتهاي علمي كه در متن بالا مطرح كرديم، مواردي كه به عنوان تحقيق انتخاب كرده و علامت زده ايد را ذكر كنيد و علت انتخاب خود را توضيح دهيد.

2. چهار مورد مسأله علمي را كه به ذهنتان ميرسد، ذكر كنيد.

3. برخي ديگر، تحقيق را اين گونه تعريف كردهاند:
تحقیق عبارت است ازجمع آوری وتفسیر روشمند اطلاعات در حوزهء خاص كه به نوآوري مي انجامد.

به نظر شما، تفاوت اين تعريف، با تعريفي كه در متن گفتيم چيست؟ و چرا اين قيود به آن اضافه شده است؟ .

موضوع تحقیق:

در علم منطق صوری انسان را به « حیوان ناطق » یعنی زنده جان متفکر وتحلیلگر تعریف میکنند، چنانچه بعدها او را به « حیوان ابزارساز»، « حیوان دیندار » و « حیوان اجتماعی » و غیره نیز تعریف نموده اند، از این همه تعریفات انسان چنین معلوم میشود که او در طول تاریخ زنده گی خود یک موجود متفکر، جستجوگر و تحلیل گر بوده است. او همواره قضایا و مسائل مطروحه زنده گی خود را عمیقا فکر کرده، برای شناخت دقیق آنها تلاش نموده، به تجزیه و ترکیب آنها پرداخته، علل ایجاد آنها را تشخیص کرده و نتایج نهایی مرتب بر آنها را حدس زده است. انسان در طول تاریخ به بسیار خوبی توانسته در بین حوادث و پدیده های مختلف جهان طبیعی و جهان انسانی، روابط وعلائق اساسی را در یابد و حتمیت علیت و سببیت را در بین آنها جستجو کند، پس گفته میتوانیم که انسان یک موجود جستجوگر و محقق بوده و به اساس همین توانایی است که او در طول تاریخ به پیشرفتهای

چشمگیری دست یافته است. وضع فعلی انسان هم همینطور است با این تفاوت که انسان فعلی با روشها و طریقه های دقیق تری با مسائل و قضایای جهان طبیعی و انسانی بر خورد میکند، او هر زمانیکه به مشکلی مواجه شود فورا در جستجوی علل ایجاد مشکل بر می آید و راه های حل آنرا تشخیص و به حل آن اقدام میکند.

موضوعات و مسائل زیادی در طبیعت و جهان انسانی وجود دارند که تا هنوز شناخته نشده، روابط ذات البینی آنها مشخص نگردیده و به نفع انسان مورد استفاده قرار نگرفته اند، پس بر محققین است تا درعرصه های مختلف طبیعت و حیات اجتماعی مشکلات و مسائل مورد بحث و تحقیق را تشخیص و به مطالعه و بررسی معیاری و روشمند آنها بپردازند، برای تشخیص موضوع تحقیق، ما باید به مشکلاتیکه عملا با آنها رو برو هستیم دقت کنیم و معلوم نماییم کدام مشکل حق اولیت دارد تا در حلش اقدام صورت گیرد، همین احساس وجود مشکل است که ما را به بررسی و تحقیق خود فرا میخواند، ما تا حال شاید با مشکلات و مسائل گوناگونی مواجه شده باشیم ولی آنها را با طریقه درست و روش معیاری مورد برسی قرار نداده باشیم واز همین جا است که موضوع تحقیق به روش علمی مطرع بحث قرار میگیرد که محقق ابتداء باید مسأله تحقیق را تشخیص و بعد با روش علمی به تحلیل آن بپردازد، پس موضوع تحقیق مجموعه آن شرائطی است که عملا بیرون از ذهن انسان وجود دارد و برای محقق سوالاتی را به وجود می آورد تا بعد از بررسی جوابات آن سوالات را با یک محاسبه و سنجش دقیق ارائه دهد. محقق زمانیکه این مجموعه شرائط را در برابر خود ملاحظه کرد در حقیقت موضوع تحقیق خود را یافت، پس او باید طرح عملی بررسی و تحقیق آن شرائط را بریزد و طبق موازین و اصول تحقیق آن طرح را عیار ساز. با اینکه موضوع تحقیق سوالاتی را به ذهن محقق ایجاد کرده ولی خوب است موضوع به شکل یک جمله مفیده و بیانیه کامل و واضح بیان شود و در انتخاب کلمات آن جمله مفیده از دقت زیاد کار گرفته شده و منظور محقق را بخوبی برساند.

در پهلوی انتخاب موضوع تحقیق این هم ضروری است تا محقق موضوع را دقیقا توصیف و توضیح کرده و از معلومات مرتبط به آن یاد آوری نماید، و اینکه این شرایط و یا مشکلات چگونه به وجود آمده و موجودیت آنها چه تاثیرات سوء را بجا میگذارد؟ و برای حل آنها با چه شیوه ای اقدام صورت گرفته و از تحقیق آنها چه نتایجی توقع برده میشود؟ توضیح کند.
و هم خوبست بطور خلاصه به این کلمات سوالیه نیز پاسخ داده شود: که؟، چه وقت؟، کجا؟، چگونه؟، چی؟، چرا؟.
یعنی از طرف محقق روشن شود که این موضوع تحقیق را چه کسی و یا چه کسانی به بررسی و تحقیق میگیرد؟ و این تحقیق در چه زمانی و در چقدر وقت انجام میگردد؟ ودر کدام محل صورت میگیرد؟ به چه شیوه و روشی اجراء میشود؟ چه چیز مورد تحقیق و بررسی قرار دارد؟ و چرا این تحقیق و بررسی صورت میگیرد؟
و هم از طرف محقق، متغیرهای مختلف دخیل در موضوع تحقیق وضاحت داده میشود، راجع به متغیرها (عوامل) و انواع آن بعدا بحث صورت میگیرد.
حالا شما که یکی از موضوعات را برای بحث و تحقیق خود انتخاب نموده اید آنرا در زیر با پنسل بنویسید و توضیحات مرتبط به موضوع تحقیق را نیز ارائه کنید.

عنوان موضوع تحقیق شما:

- شخص، حادثه و یا جمعیت مورد تحقیق تانرا معین کنید.

- متغیرها یا علل و معلولات دخیل در موضوع را روی حدس و احتمال لیست کنید:

- از نظر شما کدام متغیرها وعوامل روی کدام مسأله و معلول تاثیر گذار است؟ توضیح دهید.

- محل اجرای تحقیق تانرا مشخص کنید.

- تحقیق تان در کدام سال، ماه وهفته صورت میگیرد؟

- در ذیل به توضیح و توصیف واقعی موضوع تحقیق تان با ذکر ارزش و اهمیت آن بپردازید.

برخی مشخصات محقق:

برای هر محقق و بحث کننده لازم است تا مشخصات ذیل را در وجود خود داشته باشد:

1. علاقمندی محقق: برای هر محقق لازم است تا موضوعی که میخواهد راجع به آن بحث و جستجو کند باید به آن محبت و علاقمندی داشته باشد، اگر خلاف

علاقمندی وی چیزی بر وی جهت تحقیق تحمیل شود یقینا در انجام دادن آن توفیقی چندانی نخواهد داشت.

2. برای محقق در جنب علاقمندی به موضوع تحقیقش لازم است تا شکیبایی و حوصله مندی را در اجرای کار تحقیقی خود نیز داشته باشد، آنانیکه در انجام دادن کارهای مشکل از خود شکیبایی و حوصله مندی نشان میدهند بطور قطع در آن کامیاب میشوند: حوصله مندی در جستجوی مراجع و منابع مورد ضرورت، حوصله مندی در تبویب و قالب بندی درست رساله و گزارش تحقیقش، حوصله مندی در اجرا و کتابت گزارش تحقیقش، حوصله مندی در رعایت اصول ترقیم و رفع تمام اغلاط تایپی در رساله اش، حوصله مندی در إعمال رهنماییها و ملاحظات استاد رهنما و مشرفش.
3. داشتن معلومات وسیع: در پهلوی دو مشخصه فوق موجودیت معلومات وسیع برای محقق در ساحه کار تحقیقی اش و تسلط بر زبانهایی که مراجع اساسی موضوع تحقیقش در آن زبانها وجود دارد، نیز امر ضروری دانسته میشود.
4. شک دستوری: برای محقق لازم است تا موضوعات را نباید به عجله و بدون دقت علمی بپذیرد بلکه در قبول و رد موضوعات زود تصمیم نگیرد بلکه تا جایی شک علمی و دستوری را پیشه کند و ازین طریق به یقین راه یابد، اما نباید فراموش کرد که مبالغه در شک گرایی نیز مضر است.
5. بیطرفی: برای محقق لازم است تا در تحلیل و بررسی موضوعات تحقیقش از بیطرفی کامل کار گیرد و نظر به تمایلات شخصی به اینسو و آنسو کشانیده نشود.

علاوه از مشخصات فوق الذکر برای یک محقق خوب، ضروری است تا در بررسی موضوعات از هر نوع تعصب کناره گیری کند، انصاف و میانه روی را پیشه کند، از افراط و تفریط بپرهیزد، کسی را مورد تحقیر و توهین قرار ندهد،

نظریات محققین دیگر را که خلاف نظرش جلوه مینماید به یک شیوه علمی و مودبانه رد کند، در اظهار نظریات علمی خود جرأت داشته باشد، در صورت استفاده از نظریات دیگران امانت داری را ملحوظ نظر خود داشته باشد.

انتخاب موضوع بحث:

انتخاب موضوع بحث چنانچه به همه معلوم است یک کار مشکل بوده که باید در آن دقت تام بکار گرفته شود. تمایل و علاقه داشتن محقق به موضوع یکی از ضروریات انتخاب موضوع است، اگر در انتخاب موضوع علاقه محقق مد نظر نباشد کار تحقیق و بررسی موضوع به مشکلات خاصی مواجه خواهد شد. جدید بودن موضوع هم یک امر مهم است که باید از سوی محقق و نهاد تحقیقی در نظر گرفته شود، شاید پیدا کردن موضوع جدید برای یک محقق کار مشکل باشد و او نتواند تشخیص کند که آیا موضوع مورد نظر در سطح کشورش مورد تحقیق قرار گرفته و یا خیر؟ و حالت آن در سطح منطقه و جهان چگونه است؟ اما باز هم تلاش خاص وی درین زمینه خالی از مفیدیت نیست.

در وقت انتخاب موضوع باید دقت شود که آیا این موضوع اهمیت آنرا دارد که روی آن کار صورت گیرد، تحقیق این موضوع چه مشکلی از مشکلات جامعه انسانی را حل خواهد نمود، کدام گره را باز خواهد کرد؟ و یا کدام زمینه ها را برای تحقیقات آینده محققین فراهم خواهد ساخت؟

مناسب اینست تا محقق و باحث یک موضوع کوچک و دارای ساحه محدود را برای خود انتخاب کند، در موضوع وسیع و عام حق آن بخوبی اداء نمیشود و کار باحث به روی عمومیات و کلیات میچرخد و چیزی جدیدی بدست نمیدهد اما موضوع جزئی بیشتر قابلیت ا

نکشاف داشته و یافته های جدیدی از آن متصور است و نتائج بکری بدنبال دارد.

موجودیت مراجع در مورد موضوع تحت بحث به زبانهاییکه باحث به آنها آشنایی دارد نیز حایز اهمیت است. ملحوظ نظر داشتن رابطه موضوع با وقت و فرصت محقق، هزینه مصرف اجرای تحقیق، مصارف سفر نیز باید مطمح نظر باحث باشد. دکتور احمد شیلبی در کتاب ارزشمند خود: «کیف تکتب بحثا او رسالة» درین مورد مینویسد: « وجب علیه قبل تسجیله والتقید به أن یسأل نفسه الأسئلة الآتیة:

1 -هل يستحق هذا الموضوع ما سيبذل فيه من جهد ؟

2 - أمن الممكن كتابة رسالة عن هذا الموضوع ؟

3 - أفي طاقتي أنا أن أقوم بهذا العمل ؟

4 - هل أحب هذا الموضوع وأميل إليه ؟

فإذا كانت الإجابة بالنفي في أي من هذه الأسئلة ، فليحاول موضوعا آخر دون أن يضيع وقته ونشاطه في دراسة لن تكتمل له فيها عناصر النجاح.

با وجود اینکه تحقیق و تحریر گزارش آن برای نیل به ترفیعات علمی، درجه های تحصیلی ماستری و دکتورا و سائر فعالیتهای اکادمیک کار مستقلانه یک محقق است که باید آنرا به تنهایی انجام دهد اما شده میتواند یک محقق یک قسمت و محقق دیگر قسمت دیگر یک موضوع مهم را برای خود انتخاب کند وتحت اشراف یک استاد آنها را به پایه اکمال برسانند، و هم شده متواند یک محقق یک گوشه ای از یک موضوع مهم را برای دستیابی به درجه ماستری و گوشه دیگر آن موضوع را برای نیل به درجه دکتورا تحت تحقیق و بررسی همه جانبه خود قرار دهد و با این تلاشهای پی‌در پی در یک ساحه علمی، کار با ارزشی را به سر برساند و قدم های تخصصی متینی

را در آن زمینه بردارد(امیل یعقوب،1986). درین مورد مشوره با استاد رهنما از اهمیت خاصی برخوردار است، استاد رهنما کسی است که از سوی پوهنحی و یا دیپارتمنت مربوطه تعیین میگردد ودر مورد تعیین موضوع، اشراف رساله ماستری و دکتورا وچگونگی دفاع از آن هر نظر علمی او پذیرفته میشود، چنانچه دکتور احمد شیلبی در کتاب ارزشمند خود: «کیف تکتب بحثا او رسالة» درین مورد مینویسد: « والأستاذ المشرف تختاره الكلية أو المعهد الذي يتبعه الطالب ، ومن الحق أن نقول إن العلاقة تبدأ بين الطالب والأستاذ قبل أن يعين الأستاذ للإشراف ؛ فالعمل الذي تقوم به الكلية أو المعهد هو في الواقع تقرير لشيء حاصل.

وتدلني تجاربي بجامعات إنجلترا على أن زمام الأمر متروك -إلى حد كبير- إلى الأستاذ المشرف ، فهو الذي يقابل الطالب ، ويقرر مستواه ومدى صلاحته ، وتقريره مقبول دائما ، ومن أمثلة ذلك أن أحد الطلاب بجامعة لندن قدم أوراقه فقرر الأستاذ أن صلاحيته لتحضير رسالة الماجستير تتوقف على نجاحه في امتحان مؤهل حدده له ، ثم غير الأستاذ رأيه في الطالب بعد بضعة شهور أثبت الطالب خلالها كفاءته فطلب الأستاذ منه سحب أوراقه وتقديمها من جديد ، وكان القرار الثاني أن الطالب صالح للتحضير للدكتوراه وبدون أي امتحان مؤهل ، كما أني رأيت بجامعة كمبردج طالبا سمح له بالتحضير الدكتوراه مع أنه لم يلتحق قبل ذلك بجامعة ، ولا يحمل مؤهلا قط ، ولكنه أثبت صلاحية وامتيازا في امتحان تحرير وآخر شفوي عقدا له في الجامعة ، وأجمع الممتحنون -وأستاذه منهم- على أن مستواه يسمح له بالتحضير للدكتوراه»

عناوین تحقیقی مربوط به علوم شرعی وقانونی:

1. وقف در شریعت اسلامی و طرق تشویق وقف کنندگان
2. شروط عقد و علل عدم توافر آن در برخی عقود.
3. سقوط حق تحت مرور زمان و علل عدم آگاهی مردم از آن.

4. سند عرفی و علل استفاده بیشتر آز آن درافغانستان.
5. صلح در دعاوی حقوقی و طرق تشویق طرفین به آن.
6. سهم زنان در متروکه و علل عدم مطالبه این حق توسط آنها.
7. جرم و بررسی علل سیاسی آن.
8. جرم و بررسی علل اقتصادی آن.
9. جرم و بررسی علل اجتماعی آن.
10. جرم و بررسی علل صحی آن.
11. علل عدم تکمیل به موقع دوسیه های متهمین توسط لوی‌سارنوالی.
12. رشوت وفساد اداری و علل شیوع بیشتر آن در ادارات افغانستان.
13. قمار وعلل شیوع بیشتر آن در افغانستان.
14. فرار از محابس و بررسی تقصیر ریاست محابس در زمینه.
15. حرمت استعمال مواد مخدر و بررسی علل اعتیاد به آن در افغانستان.
16. اطلاع دادن دروغ و توضیح عوامل آن.
17. اختطاف و تحلیل عوامل مختلف آن درافغانستان.
18. رهایی مجرمین و بررسی تقصیر ارگانهای عدلی و قضایی در زمینه.
19. سرقت در شریعت اسلامی و راه های جلوگیری از آن.
20. زنا از دیدگاه شریعت اسلامی و محو زمینه های وقوع این جرم.
21. حکم دخانیات در شریعت اسلامی و علل گرایش به استعمال آن در افغانستان.
22. علل فقر و معالجه آن در نظام اقتصادی اسلام.
23. تعدد بدون قید وشرط زوجات و بررسی علل آن در افغانستان.
24. تنظیم خانواده از دیدگاه شریعت و موقف خانواده ها در برابر آن.
25. طرق جلوگیری از انحلال رابطه زوجیت در شریعت اسلامی و عرف افغانی
26. طلاق از دیدگاه شریعت اسلامی و بررسی علل وقوع آن در شهر کابل.

27. تفریق از دیدگاه شریعت اسلامی و بررسی علل وقوع آن در شهر کابل.
28. حکم شرعی جادوگری و بررسی موجودیت آن در افغانستان.
29. نظام بیمه اسلامی و جستجوی راه های ایجاد عملی ان درافغانستان.
30. بانکداری اسلامی و طرق تشویق بانکهای افغانی به آن.
31. روش تحقیقی کتاب البحر الرائق شرح کنز الدقائق
32. روش تحقیقی الفتاوی الهندیة
33. روش تحقیقی کتاب رد المحتار
34. روش تحقیقی کتاب الهدایة شرح البدایة
35. روش تحقیقی کتاب شرح الوقایة
36. روش تحقیقی کتاب الجامع الصغیر
37. تلخیص مصطلح الحدیث
38. نگاهی به علم اخلاق و سجایای اخلاقی
39. بررسی علل ضعف اخلاق نیکو دربین جوانان ما
40. بررسی اختلاف در مورد گناهان کبیره و صغیره
41. علل وقوع بیشتر جنایات در دهه های جنگ داخلی افغانستان
42. مطالعه عقوق الوالدین در شریعت اسلامیو علل وقوع بیشتر آن در خانواده ها
43. چگونگی حسبه در شریعت اسلامیو علل عدم تعمیل آن در افغانستان
44. ازواج مطهرات و نقش آنها در گسترش دین مقدس اسلام
45. شناخت صحابه، تابعین و تبع تابعینوعلل پیروی مسلمانان از کارنامه های این سه دوره
46. روز عاشورا و بررسی پیامهای نیکوی آن
47. تلخیص موضوعات مهم علم معانی
48. تلخیص موضوعات مهم علم بیان

49. تلخیص موضوعات مهم علم بدیع
50. شعر و شاعران در آینه شریعت اسلامی
51. معجزات پیامبران (ع) و عکس العمل های امتها در برابر آنها
52. پیرامون ارهاصات انبیای کرام
53. بحثی پیرامون کرامت و ذکر نمونه های بارز آنها
54. غیبت امام از دیدگاه تشیع
55. بررسی علل حکومت داری خوب در عصر پیامبر(ص) و صحابه کرام
56. خلافت عثمانیه و بررسی زمینه های سقوط آن
57. بررسی اصول اعتقادی و عملی دین مسیحیت
58. بررسی اصول اعتقادی و عملی دین یهودیت
59. بررسی اصول اعتقادی و عملی دین بودایی
60. بررسی اصول اعتقادی و عملی دین هندویی معاصر
61. بررسی اصول اعتقادی و عملی دین سیکهی
62. بررسی اصول اعتقادی و عملی دین زرتشت
63. بررسی اصول اعتقادی و عملی دین شینتو
64. بررسی اصول اعتقادی و عملی دین لائوتسه
65. بررسی اصول اعتقادی و عملی دین کنفوسیوس
66. بررسی اصول اعتقادی و عملی دین برهمایی
67. چرا تمام ادیان سماوی و وضعی بزرگ جهان در قاره آسیا کردند؟
68. تلخیص مقارنه ادیان مختلف سماوی و وضعی
69. تلخیص مقارنه دین مقدس اسلام با ادیان سماوی
70. تلخیص مطالب انواع بیوع در فقه اسلامی
71. تلخیص مطالب فقه عبادات

72. تلخیص مطالب فقه معاملات
73. تلخیص مطالب فقه احوال شخیصه
74. تلخیص مطالب علم فرائض
75. حل مسائل قلیل الوقوع متروکه ها
76. تلخیص مطالب فقه سیاسی اسلام
77. تلخیص مطالب نظام مالی اسلام
78. شناخت فقیر در شریعت اسلامی وبررسی عوامل فقر در دهه های اخیر کشور ما
79. راه های شرعی بیرون رفت از فقر و تنگدستی در افغانستان
80. تلخیص مطالب اصول محاکمه مدنی و تجارتی
81. تلخیص مطالب اصول محاکمه جزائی
82. تلخیص مطالب رسیدگی به قضایای اطفال
83. تلخیص احکام مربوط به فقه نوازل و قضایای معاصر
84. تلخیص نصابهای زکات در فقه اسلامی
85. بررسی تشکیلات جدید و صلاحیتهای قوه قضائیه افغانستان
86. بررسی تشکیلات جدید و صلاحیتهای لوی سارنوالی افغانستان
87. تشکیل و صلاحیتهای پولیس عدلی افغانستان
88. تلخیص موضوعات طب عدلی
89. تلخیص موضوعات کریمینالستیک
90. تلخیص موضوعات مربوط به وسائل اثبات قدیم و جدیددعاوی جزائی و مدنی
91. DNA و نقش آن در اثبات و حل قضایای طرفین
92. استشراق و عوامل گسترش آن در قرون اخیر
93. حکم استمداد از کفار

94. منع خشونت علیه زن در شریعت اسلامیو بررسی علل افزایش این نوع خشونت درافغانستان

95. ازدواج موقت (متعه) وبررسی پیآمدهای آن

96. احکام تمثیل وقائع در شریعت اسلامی

97. بررسی نقش تاریخی جامع الازهر مصر

98. بررسی نقش تاریخی دیوبند هند

99. بررسی نقش تاریخی مراکز علمی ماوراء النهر

100.بررسی نقش تاریخی مدرسه جامع هرات

101.بررسی نقش تاریخی مدارس دینی قدیم افغانستان

102.بررسی ده باب مدرسه علوم اسلامی در وقت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه

103.بررسی وضعیت مدارس دینی کنونی کشور اعم از خصوصی و دولتی

104.بررسی وضعیت مدارس دینی کنونی پاکستان اعم از خصوصی و دولتی

105.وضع دارالحفاظ های خصوصی و دولتی افغانستان

106.معرفی مراکز دین بودایی افغانستان قدیم

107.معرفی مراکز دین زرتشتی افغانستان قدیم

108.معرفی زیارت های قدیم افغانستان

109.تصوف و بررسی آن درتاریخ افغانستان

110.وضعیت کنونی تصوف در افغانستان

111.صوفیان معروف افغانستان

112.بررسی ستوپه های بودایی هده

113.تاریخ قضاء در افغانستان

114.بررسی حرکت طالبان در افغانستان

115.بررسی حرکت طالبان پاکستانی

116.بررسی شبکه القاعده

117.چگونگی حضور حزب التحریر در افغانستان

118.چگونگی حضور سلفیت در افغانستان

119.چگونگی حضور اهل حدیث در افغانستان

120.حرکتهای دینی و فکری معاصر افغانستان

121.چگونگی حضور جماعت تبلیغ در افغانستان

122.بررسی جنبه های شرعی قوانین اساسی افغانستان

123.بررسی علل ایجاد و فعالیت جمیعت اصلاح افغانستان

124.علل سقوط دولت اخوان در مصر

125.خط فکری نورسی و علل ایجاد آن در ترکیه

126.بررسی تناسب پروگرام واحد درسی پوهنحهای شرعیات کشور با نیازمندیهای کنونی نظام عدلی و قضائی افغانستان

127.روش تحقیقی کتاب الاختیار لتعلیل المختار

128.روش تحقیقی کتاب حاشیة رد المحتار

129.روش تحقیقی کتاب تکملة حاشیة رد المحتار

130.روش تحقیقی کتاب الدر المختار

131.روش تحقیقی کتاب شرح معانی الآثار

132.روش تحقیقی کتاب المبسوط لسرخسی

133.روش تحقیقی کتاب المبسوط لامام محمد الشیبانی

134.روش تحقیقی کتاب بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع لکاسانی

135.روش تحقیقی کتاب تببین الحقائق شرح کنز الدقائق

136.روش تحقیقی کتاب العنایة شرح الهدایة

137.روش تحقیقی کتاب فتح القدیر

138. تحقیق مخطوطات وعلل عدم وجود این نوع تحقیق در افغانستان

139.احکام ارتداد در شریعت اسلامی

140.بررسی افکار و تالیفات شیخ ابن تیمیه

141.بررسی افکار و تالیفات شیخ ابن قیمجوزی

142.بررسی افکار و تالیفات محمد بن عبد الوهاب

143.حجاب زن در شریعت اسلامی

144.ابن ابی الدنیا و تالیفلت وی

145.شیخ البانی ونقش تالیفات وی درتخریج احادیث

146.تقیه و بداء در افکار شیعه

147.تنجیم و حکم آن در شریعت اسلامی

148.معرفی واتیکان

149.توضیح عقیده ثالوث

150.پدیده ارجاء در علم کلام اسلامی

151.ولاء و براء در میان افراط و تفریط

152.مطالعه اقسام منطق

153.امکان، وجوب و امتناع

154.تضاد و تناقض منطقی

155.نگاهی به قضایای منطقی

156.نگاهی به قیاس منطقی

157.مطالعه صنعت های پنجگانه منطقی

158.مطالعه کلیات پنجگانه منطقی

159.حد و رسم در منطق

160.بحثی پیرامون کثرت گرایی دینی

161.بحثی پیرامون هیولی و جوهر فرد

162.نقش منطق صوری ارسطو در تکوین مباحث علوم شرعی

163.مطالعه خمس در فقه اسلامی

164.بررسی واقعه جمل

165.علل حدوث وقایع صفین

166.معرفی شخصیات عشره مبشره

167.بررسی وقایع مهم خلافت حضرت ابوبکر صدیق "رض"

168.بررسی وقایع مهم خلافت حضرت عمر فاروق "رض"

169.بررسی وقایع مهم خلافت حضرت عثمان بن عفان "رض"

170.بررسی وقایع مهم خلافت حضرت علی بن ابی طالب "رض"

171.منع خروج برخلیفه جائر از دید عقاید اسلامی

172.جایگاه اخوان الصفا در فلسفه اسلامی

173.اشاعره و اصول اعتقادی آنها

174.ماتریدیه و اصول اعتقادی آنها

175.مقایسه اصول اعتقادی اشاعره و ماتریدیه

176.جایگاه اهل رآی در تکوین فقه اسلامی

177.احکام رکاز در فقه اسلامی

178.واحدات اندازه گیری در فقه اسلامیوتعدیل آنها بر واحدات سیستم متریک

179.مصارف زکات در فقه اسلامی

180.احکام مربوط به عمره

181.انواع کفاره ها در فقه اسلامی

182.انواع یمین در فقه اسلامی

183.احکام دیات در فقه اسلامی

184.مکلفیتهای عاقله در فقه اسلامی

185.انواع قتل در فقه اسلامی

186.احکام مربوط به ذمی ها در فقه اسلامی

187.احکام مستأمن در فقه اسلامی

188.احکام اعتکاف در فقه اسلامی

189.انواع روزه در فقه اسلامی

190.ماهیت روز عاشورا در فرهنگ اسلامی

191.انواع نماز در فقه اسلامی

192.مناسک حج از روز ترویه تا13 ذی الحجه

193.صلاة التسبیح

194.نگاهی به نظریه و حدة الوجود

195.شفاعت و توسل در عقاید اسلامی

196.بررسی انواع شرک

197.چگونگی نفی و اثبات صفات الله (ج)

198.چگونگی صفت کلام الله (ج)

199.صفات متشابه و بلاکیف الله (ج)

200.ماهیت سحر در شریعت اسلامی وعلل گرایش به آن در افغانستان

201.بدعت حسنه و بدعت سیئه

202.بطلان جبر و تعطیل

203.ماهیت مرگ و انواع اجلها در شریعت اسلامی

204.مطالعه ظهور مهدی (ع)

205.مطالعه ظهور حضرت مسیح (ع)

206.مطالعه خروج دجال

207.روش تحلیلی کتاب تهافت الفلاسفه

208.روش تحلیلی کتاب تهافت التهافت

209.معرفی کتاب الاقتصاد فی الاعتقاد

210.اصول اعتقادی فرقه جهمیه

211.نگاهی به افکار فرقه اسماعیلیه‌و چگونگی حضور آن در افغانستان

212.نگاهی به افکار مذهب معتزله

213.نگاهی به افکارمذهب جبریه

214.نگاهی به افکارمذهب زیدیه

215.نگاهی به افکارمذهب دروز

216.نگاهی به افکارمذهب12 امامیه

217.نگاهی به افکارمذهب قادیانیه

218.نگاهی به افکارمذهب بهائیه و بابیه

219.نگاهی به افکار فرقه بریلویه

220.نگاهی به شخصیت علمی صدر المتألهین(ملا صدرا)

221.بحثی در مورد فرقه ناجیه

222.بحثی پیرامون علم ملل و نحل

223.بحثی پیرامون امکان گفتگو میان مذاهب کلامی اسلامی

224.بحثی پیرامون امکان تقارب ادیان

225. تحلیل اصولی وفقهی حدیث «**لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَّوْا أَمْرَهُمُ امْرَأَةً**»

226.احکام لواط و بررسی علل گرایش به آن

227.بررسی اصول شرعی در مورد حل و حرمت اشیاء

228.بررسی احکام ذبائح در شریعت اسلامی و سایر ادیان بزرگ

229.احکام فقهی شکار و طرق جلوگیر از انقراض نسل حیوانات

230.احکام مربوط به نظافت و زیبایی یک فرد مسلمان

231.نظر شریعت در مورد مجسمه سازی و عکاسی

232.بررسی حدود مشاغل حرام

233.تعلیم زنان از دیدگاه شریعت

234.شریعت اسلامی و کار زنان در بیرون از خانه

235.محدودیتهای شرعی بر تعدد زوجات

236.انواع عدت زنان و حکمتهای آن

237.بررسی علل فرار جوانان از منزل

238.بررسی حقوق مالی زنان در شریعت اسلامی

239.احکام فقهی لعان، ایلاء و ظهار

240.احکام تبنی در شریعت اسلامی

241.احکام فقهی تلقیح مصنوعی و پیوند اعضاء

242.اوهام و خرافات وطرق مبارزه با آنها

243.احکام فقهی احتکار و کنترول قیم

244.طرق تشخیص قضایای پول شویی وغسل الاموال در افغانستان

245.طرق تشخیص کسب دارایی های حرام و تعقیب عدلی صاحبان آنها

246. شریعت اسلامی و تشخیص سرگرمیهای مفید

247.حکم خود کشی در شریعت اسلامی

248.مطالعه روابط مسلمین با غیر مسلمین در شریعت اسلامی

249.گذشت مسلمانان در صلح حدیبیه وپیامهای حکیمانه آن

250.احکام شریعت اسلامی در مورد اسیران جنگی

251.طرق تدریس بهتر علم عقاید از دید یک محصل

252.طرق تدریس بهترعلم تفسیر از دید یک محصل

253.طرق تدریس بهترعلم حدیث از دید یک محصل

254.طرق تدریس بهترعلم اصول فقه از دید یک محصل

255.طرق تدریس بهترعلم فقه از دید یک محصل

256.طرق تدریس بهتر صرف ونحو از دید یک محصل

257.طرق تدریس بهتر علم بلاغت از دید یک محصل

258.طرق تدریس بهتر مضمون ثقافت اسلامی از دید یک محصل

259.طرق تدریس بهتر علم میراث از دید یک محصل

260.اسباب و انگیزه های وضع در حدیث

261.چگونگی شناخت غریب الحدیث

262.بحثی پیرامون تقابل خبر واحد با قیاس

263.شروط قبول خبر واحد

264.شروط حدیث صحیح لذاته و صحیح لغیره

265.بررسی تقسیمات مختلف خبر

266.تلخیص موضوعات اختلافی اهل سنت با اهل تشیع در اعتقادیات

267.تلخیص موضوعات اختلافی اهل سنت با اهل تشیع در عبادات

268.تلخیص موضوعات اختلافی اهل سنت با اهل تشیع در معاملات

269.تلخیص موضوعات اختلافی اهل سنت با اهل تشیع در احوال شخصیه

270.تلخیص موضوعات اختلافی اهل سنت با اهل تشیع در روایت حدیث

271.تلخیص موضوعات اختلافی اهل سنت با اهل تشیع در خلافت و امامت

272.حکمتهای نسخ در نصوص شرعی

273.خصوصیات آیات مکی ومدنی

274.انواع تفاسیر و بیان خصوصیات هرکدام آنها

275.انواع وحی و عکس العملهای امم مختلف در برابر آن

276.توضیح علائم وقف و تقسیم بندیها در قرآن کریم

277.انواع مدها و وقفها در قرآن کریم

278.تشخیص مخارج حروف و انواع دندانها

279.صفات متضاده و غیر متضاده حروف

280.احکام لام، میم و نون ساکن

281.تشخیص احوال ورثه در علم فرائض

282.رد وعول در علم فرائض

283.مقاسمة الجد، جد صحیح و جد فاسد

284.مناسخه با حل مسائل مختلف آن

285.شناخت عصبه، ذوی الفروض و ذوی الارحام

286.تصحیح مسائل میراث و حل آنها

287.حقوقی که بر متروکه متوفی تعلق میگیرند

288.تشخیص حالات و مسائل مغلق وارثین

289.تشخیص مسائل اختلافی علم فرائض

290.چگونگی تشخیص درست ماضی و مضارع در شش باب ثلاثی مجرد

291.اعلال و اقلاب در علم صرف

292.چگونگی تصریف افعال

293.آیا اصل در اشتقاق مصدر است و یا فعل؟

294.توضیح چگونگی تنازع دو فعل

295.تلخیص چگونگی عمل صد عامل در علم نحو

296.تلخیص مرفوعات، منصوبات و مجرورات در علم نحو

297.معرب ومبنی در علم نحو

298.اسباب منع صرف با ارائه مثالها

299.خصوصیات ادبیات دوره جاهلیت عرب قبل از اسلام

300.بحثی پیرامون معلقات سبعه

301.بررسی علمی مقدمه قانون اساسی افغانستان

302. اهمیت دینی و حقوقی ماده سوم قانون اساسی افغانستان

303. دولت و بررسی علمی و حقوقی مواد مربوط به آن در قانون اساسی افغانستان

304. تفسیر حقوقی مواد مربوط به حقوق و وجائب اساسی اتباع در قانون اساسی افغانستان

305. رئیس جمهور وتفسیر حقوقی مواد مربوط به وی در قانون اساسی افغانستان

306.حکومت وتفسیر حقوقی مواد مربوط به آن در قانون اساسی افغانستان

307. شورای ملی وتفسیر حقوقی مواد مربوط به آن در قانون اساسی افغانستان

308. لویه جرگه وتفسیر حقوقی مواد مربوط به آن در قانون اساسی افغانستان

309. قضاء وتفسیر حقوقی مواد مربوط به آن در قانون اساسی افغانستان

310.اداره وتفسیر حقوقی مواد مربوط به آن در قانون اساسی افغانستان

311.حالت اضطراری وتفسیر حقوقی مواد مربوط به آن در قانون اساسی افغانستان

312.تعدیل قانون اساسی وتفسیر حقوقی مواد مربوط به آن در قانون اساسی افغانستان

313.قانون اساسی افغانستان و مقائسه آن با قوانین اساسی قبلی

314.قانون اساسی افغانستان و مقائسه آن با قوانین اساسی پاکستان و ایران

315.قانون اساسی افغانستان و مقائسه آن با قوانین اساسی ترکیه و تاجکستان

316.قانون اساسی افغانستان و مقائسه آن با قوانین اساسی عربستان سعودی و قطر

317.قانون اساسی افغانستان و مقائسه آن با قوانین اساسی مصر و تونس

318.قانون اساسی افغانستان و مقائسه آن با قوانین اساسی سوریه و عراق

319.با نظر داشت وضع فعلی کشور کدام مواد قانون اساسی ما قابل تعدیل اند؟

320.تطبیق قانون از حیث زمان و مکان

321.حق و چگونگی استعمال آن

322.اشخاص حقیقی و حکمی در شریعت و قانون

323.ازدواج و آثار مرتبه برآن در شریعت و قانون

324.بررسی تابعیت در قوانین ملی و بین المللی

325.بررسی فسخ ازدواج در فقه وقانون مدنی افغانستان

326.بررسی اسباب انحلال ازدواج در فقه و قانون

327.بررسی طلاق در فقه و قانون مدنی افغانستان

328. بررسی خلع در فقه و قانون مدنی افغانستان

329.بررسی تفریق در فقه و قانون مدنی افغانستان

330.عدت و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

331. نسب و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

332. رضاع و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

333.حضانت و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

334. انفاق و بررسی آن درفقه و قانون مدنی افغانستان

335. ولایت و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

336. وصایت و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

337. حجر و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

338. غائب ومفقود و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

339. مساعدت قضائی و بررسی آن در فقه وقانون مدنی افغانستان

340. وقف و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

341. جمعیت ها و بررسی آنها در فقه وقانون مدنی افغانستان

342. ارکان عقد و بررسی آنها درفقه و قانون مدنی افغانستان

343. نیابت درعقد و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

344. اکراه و غلطی درعقد و بررسی آنها در فقه وقانون مدنی افغانستان

345. شروط عقد و بررسی آنها در فقه وقانون مدنی افغانستان

346. عقود باطل و فاسد و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

347. عقد موقوف ونافذ غیر لازم و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

348. خیارات و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

349. فسخ و اقاله عقد و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

350. عقد فضولی و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

351. حجر مدیون مفلس و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

352. وفاء دین و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

353. سقوط حق به مرور زمان و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

354. سند رسمی و عرفی و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

355. اقرار و قسم و بررسی آنها در فقه وقانون مدنی افغانستان

356. شهود و قرائن و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

357. بیع صرف، سلم و وفاء و بررسی آنها در فقه وقانون مدنی افغانستان

358. هبه و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

359. شرکت و بررسی آن در فقه وقانون مدنی افغانستان

360. صلح و بررسی آن در فقه وقانون مدنی افغانستان

361. اجاره و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

362. عاریت و بررسی آن درفقه و قانون مدنی افغانستان

363. مقاوله و استصناع و بررسی آنها درفقه و قانون مدنی افغانستان

364. وکالت و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

365. ودیعت و بررسی آن درفقه و قانون مدنی افغانستان

366. عقد بیمه و بررسی آن درفقه و قانون مدنی افغانستان

367. کفالت و بررسی آن در فقه وقانون مدنی افغانستان

368. حواله و بررسی آن درفقه و قانون مدنی افغانستان

369. رهن رسمی و حیازی و بررسی آنها درفقه و قانون مدنی افغانستان

370. اسباب کسب ملکیت و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

371. اسباب وموانع میراث و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

372. عول و رد و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

373. ذوی الفروض و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

374. عصبات و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

375. ذوی الارحام و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

376. معتق ومولای موالاة و بررسی آنها در فقه اسلامی

377. و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

378.حمل و اقرار به نسب و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

379. اصل و تصحیح مسئله و بررسی آنها در فقه اسلامی

380. حل مسائل مناسخه در فقه اسلامی

381. وصیت و بررسی آن در فقه و قانون مدنی افغانستان

382. التصاق و شفع و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

383. حقوق ارتفاق و بررسی آنها در فقه و قانون مدنی افغانستان

384. بررسی تعدیلات قانون مدنی افغانستان

385.بررسی تطبیق قانون از حیث زمان و مکان در فقه و قانون جزای افغانستان

386.بررسی عناصر مادی، معنوی و قانونی جرم در فقه و قانون جزای افغانستان

387.بررسی فقهی و قانونی اشتراک درجرم

388.بررسی اسباب اباحت عمل در فقه و قانون جزای افغانستان

389.بررسی مسئولیت جزایی وموانع آن در فقه و قانون جزای افغانستان

390.بررسی مسئولیت اشخاص حکمی در فقه و قانون جزای افغانستان

391.بررسی جزاهای اصلی، تبعی وتکمیلی در فقه و قانون جزای افغانستان

392.بررسی تدابیر امنیتی در فقه و قانون جزای افغانستان

393.بررسی اعاده حیثیت در فقه و قانون جزای افغانستان

394.بررسی رشوت، اختلاس وغدر در فقه و قانون جزای افغانستان

395.بررسی انتحال وظائف و القاب درقانون جزای افغانستان

396.بررسی فرار محبوسین واخفای مجرمین در فقه و قانون جزای افغانستان

397.بررسی جرائم ضد ادیان در فقه و قانون جزای افغانستان

398.بررسی حریق و انفجار در فقه و قانون جزای افغانستان

399.بررسی تضلیل قضاء در فقه و قانون جزای افغانستان

400.بررسی اطلاع و شهادت دروغ در فقه و قانون جزای افغانستان

401.بررسی بی حرمتی اموات وقبور در فقه و قانون جزای افغانستان

402.بررسی انواع قتل در فقه و قانون جزای افغانستان

403.بررسی افشای اسرار اشخاص در فقه و قانون جزای افغانستان

404.بررسی خیانت در امانت در فقه و قانون جزای افغانستان

405.بررسی راهزنی در فقه و قانون جزای افغانستان

406.بررسی اسقاط جنین در فقه و قانون جزای افغانستان

407.بررسی تجاوز برحقوق ملکیت معنوی در فقه و قانون جزای افغانستان

408.بررسی قباحات مربوط به راها و اماکن عامه در فقه و قانون جزای افغانستان

409.بررسی قباحات مربوط به اسایش عامه در فقه و قانون جزای افغانستان

410.بررسی قباحات مربوط به صحت عامه در فقه و قانون جزای افغانستان

411.بررسی قباحات مربوط به آداب عامه در فقه و قانون جزای افغانستان

412.بررسی قباحات مربوط به منتظمین هوتلها در قانون جزای افغانستان

413.بررسی همکاری بین المللی در قانون مبارزه علیه تمویل تروریزم

414.بررسی جرایم تروریستی و مجازات آن در قانون مبارزه علیه تمویل تروریزم

415. بررسی کشف تطهیر پول از نظر قانون مبارزه علیه تطهیر پول

416.بررسی شفافیت درمعاملات مالی از نظر قانون مبارزه علیه تطهیر پول

417.بررسی منجمد سازی معاملات از نظر قانون مبارزه علیه تطهیر پول

418.بررسی درخواست متقابل بین المللی از نظر قانون مبارزه علیه تطهیر پول

419.بررسی اسلوبهای تحقیقاتی در قانون مبارزه علیه تطهیر پول

420.بررسی مصادره و استرداد از نظر قانون مبارزه علیه تطهیر پول

421.بررسی تدابیر اجباری و مجازات در قانون مبارزه علیه تطهیر پول

422.بررسی کشف و تحقیق جرایم اطفال از نظر فقه و قانون رسیدگی به تخلفات اطفال

423.بررسی طرز محاکمه اطفال از نظر فقه و قانون رسیدگی به تخلفات اطفال

424.بررسی وظائف مراکز اصلاح اطفال از نظر قانون رسیدگی به تخلفات اطفال

425.بررسی حفاظت اطفال نیازمند از نظر فقه و قانون رسیدگی به تخلفات اطفال

426.بررسی سرپرستی اطفال از نظر فقه و قانون رسیدگی به تخلفات اطفال

427.بررسی جرائم و مجازات عساکر از نظر قانون جزای عسکری افغانستان

428.بررسی کلی قانون نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری افغانستان

429.بررسی کلی قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه ج.ا.ا

430.بررسی تشکیل، ترکیب و صلاحیت ستره محکمه

431.بررسی تشکیل، ترکیب و صلاحیت محاکم استیناف

432.بررسی تشکیل، ترکیب و صلاحیت محاکم ابتدائیه

433. بررسی امورمربوط به قضات و کارکنان قوه قضائیه

434.بررسی مسئولیت جزایی و تادیبی قضات

435.بررسی اجراءات در محاکم فوقانی از نظر قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان

436.بررسی اجراءات در محاکم فوقانی از نظر قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان

437.بررسی اجراءات در دیوان قضایای مدنی و حقوق عامه ستره محکمه

438.بررسی تجدید نظر بر فیصله ها و قرارهای نهایی در قضایای مدنی و حقوق عامه

439.بررسی مرحله ابتدائیه در قانون اصول محاکمات تجارتی افغانستان

440.بررسی مرحله مرافعه طلبی در قانون اصول محاکمات تجارتی افغانستان

441.بررسی تمیز طلبی در قانون اصول محاکمات تجارتی افغانستان

442.بررسی تشکیلات محاکم تجارتی افغانستان

443.بررسی دعاوی جزایی در قانون اجراءات جزایی افغانستان

444.بررسی جمع آوری دلائل و اقامه دعوی

445.بررسی تحقیق توسط سارنوال

446.بررسی چگونگی رسیدگی به قضایا در محاکم جنحه و قباحت

447.بررسی چگونگی رسیدگی به قضایا در محاکم جنایات

448.بررسی طرق اعتراض بر حکم

449.بررسی احکام واجب التنفیذ در قانون اجراءات جزایی افغانستان

450.بررسی احکام عمومی برای مظنون و متهم در قانون اجراءات جزایی موقت

451.بررسی راپور جرایم و نقش سارونوال در قانون اجراءات جزایی موقت

452.بررسی تحقیقات توسط سارنوال در قانون اجراءات جزایی موقت

453.بررسی امور مربوط به محاکمه در قانون اجراءات جزایی موقت

454.بررسی اجراءات مرافعه خواهی در قانون اجراءات جزایی موقت

455.بررسی اعتراض برحکم در قانون اجراءات جزایی موقت

456.بررسی تطبیق فیصله های نهایی محاکم در قانون اجراءات جزایی موقت

457.بررسی رهایی مشروط در قانون اجراءات جزایی موقت

458.بررسی کشف و تحقیق جرایم در قانون اجراءات جزای عسکری

459.بررسی چگونگی محاکمه در قانون اجراءات جزای عسکری

460.بررسی اجراءات استیناف خواهی در قانون اجراءات جزای عسکری

461.بررسی فرجام خواهی در قانون اجراءات جزای عسکری

462.بررسی کلی قانون محاکم عسکری افغانستان

463.بررسی کلی مقرره تنظیم امور معارف قضایی

464.بررسی کلی مقرره آموزش محررین

465.بررسی کلی اساسنامه مجمع قضات افغانستان

466.بررسی کلی مقرره رسیدگی به تخلفات قضات

467.بررسی کلی مقرره فعالیت اداره کنترول و مراقبت

468.بررسی کلی مقرره فعالیت اداره مرکزی وثائق و ثبت اسناد ستره محکمه

469.بررسی کلی مقرره طرز سلوک قضایی برای قضات افغانستان

470.بررسی کلی مقرره امور لباس قضات و رعایت نظافت در محل کار

471.بررسی کلی قانون طرز نشر و انفاذ اسناد تقنینی

472.بررسی کلی مقرره طرز العمل تهیه و پیشنهاد اسناد تقنینی

473.بررسی کلی اساسنامه انستیتوت امور قانونگذاری وتحقیقات علمی- حقوقی

474.بررسی کلی قانون حقوق و امتیازات اعضای کادر علمی ریاست امور قانونگذاری و تحقیقات علمی- حقوقی

475.بررسی کلی قانون طرز تحصیل حقوق

476.بررسی کلی قانون قضایای دولت

477.بررسی کلی قانون وارسی عرائض

478.بررسی کلی قانون رهنمای معاملات

479.بررسی کلی قانون محابس و توقیف خانه ها

480.بررسی کلی اساسنامه تصدی صناعتی محابس

481.بررسی کلی مقرره تنظیم امور محابس و توقیف خانه ها

482.بررسی کلی قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال

483.بررسی کلی مقرره تنظیم امور مراکز اصلاح و تربیت اطفال

484.بررسی کلی قانون وکلای مدافع

485.بررسی کلی مقرره مساعدت های حقوقی

486.بررسی کلی مقرره طرز تاسیس و ثبت احزاب سیاسی

487.بررسی کلی اصولنامه تجارت افغانستان

488.بررسی کلی قانون شرکت های سهامی و محدود المسئولیة

489.بررسی کلی قانون شرکت های تضامنی افغانستان

490.بررسی کلی قانون میانجیگری (مصالحه) تجارتی

491.بررسی کلی قانون حکمیت تجارتی

492.بررسی کلی قانون سرمایه گذاری خصوصی

493.بررسی کلی قانون حمایت حقوق مخترع و مکتشف

494.بررسی کلی قانون مالیات بر عایدات افغانستان

495.بررسی کلی قانون اداره امور مالی و مصارف عامه

496.بررسی کلی قانون گمرکات افغانستان

497.بررسی کلی مقرره تعیین قیمت گمرکی اموال

498.بررسی کلی مقرره حکمیت گمرکی

499.بررسی کلی قانون تدارکات افغانستان

500.بررسی کلی قانون بیمه افغانستان

501.بررسی کلی قانون محصول حق العبور

502.بررسی کلی قانون د افغانستان بانک

503.بررسی کلی قانون بانکداری

504.بررسی کلی قانون اسناد قابل معامله

505.بررسی کلی قانون رهن اموال منقول در معاملات بانکی

506.بررسی کلی قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی

507.بررسی کلی قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی

508.بررسی کلی قانون کار افغانستان

509.بررسی کلی قانون کارکنان خدمات ملکی

510.بررسی کلی قانون رسانه های همگانی

511.بررسی کلی قانون جریده رسمی

512.بررسی اهمیت حقوقی اعلانات پادشاهی دوره حکومت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه

513.بررسی اهمیت حقوقی اعلامات قضائی وقت

514.بررسی اهمیت حقوقی اعلانات ثبت اسناد و علائم تجارتی

515.بررسی وضعیت حقوقی وسیاسی موافقتنامه بین حکومت پادشاهی افغانستان و اتحاد شوروی وقت

516.بررسی اهمیت حقوقی و صحی الحاق دولت شاهی افغانستان به معاهده منع آزمایشات در فضا، ماورای جو و زیر آب

517.مرور و بررسی تصاویب مجلس عالی وزرای افغانستان در سال 1343 هـ ش

518.مرور و بررسی تصاویب سال 1343 هـ ش مجلسین شورای ملی افغانستان

519.مرور و بررسی اهمیت موافقتنامه های آخرین دولت شاهی افغانستان با دول کشورهای دوست

520.بررسی اهمیت الحاق افغانستان به ضمیمه میثاق امحای غلامی در سال 1345 هـ ش

521.بررسی قانون علفچر سال 1349 هـ ش

522.بررسی اهمیت سیاسی بیانیه محمد داود خان به مناسبت تاسیس جمهوری افغانستان

مروری بر پیشینه تاریخی موضوع تحقیق:

موضوعی که برای تحقیق خود انتخاب نموده اید شاید موضوع کاملا جدید نباشد و شما هم اولین محقق نیستید که روی آن مطالعه میکنید، شاید با این موضوع و مسأله، مردم و محققین از دیر زمانی به این طرف روبرو بوده، در مورد راه حل آن اندیشیده و اقدام عملی نموده اند، البته هر محقق در مورد آن موضوع، متناسب با شرایط موجود در آن زمان و مکان بحث و تحقیق کرده و آن محققین یکی بعد از دیگری آمده، راه خود را طی کرده و رفته اند و یک زنجیری با حلقات متعدد را درست کرده اند، شما محقق محترم هم یکی از آنها هستید و میخواهید در تناسب با شرایط و امکانات موجود در زمان و محل تان آن موضوع و مسأله را بررسی و تحقیق کنید.

پس از شما این سوال مطرح میشود که چرا به این بررسی و تحقیق اقدام نموده اید، چیزی را تحقیق میکنید که قبل از شما محققین دیگر نیز آنرا تحقیق کرده اند و این جز تحصیل حاصل بیش نیست، و عین سوال شاید ازهر محقق در زمانش مطرح بوده است، پس شما مجبور هستید برای پاسخ به این سوال موضوع تحقیق خود را از لحاظ تاریخی خوب مطالعه و بررسی کنید که آیا واقعا نیازی برای تحقیق شما در این مورد وجود دارد؟ و یا صرف نتایج و تحقیقات دیگران را با کمی تصرف و تغییر پهلو به پهلوی هم میگذارید؟ و بنام نتایج تحقیق خود ارائه میکنید؟ زمانیکه شما خلفیه و پس منظر موضوع تانرا مطالعه میکنید بخوبی در میبابید که محققین قبلی این موضوع را چگونه تحقیق نموده اند؟ چه نتایجی را از آن بیرون آورده و کدام نواحی وابعاد موضوع از تحقیق آنها باز مانده است؟ تا شما دست به کار شوید و آن بقایای موضوع را تحقیق و جستجو کنید و به مردم نشان دهید که کار قابل قدری را انجام داده و مشکل بزرگی را حل مینمایید. ممکن است در جریان مطالعهء خلفیه موضوع درک کنید که موضوع مورد بحث شما کاملا برسی شده وجایی برای تحقیق بیشترآن وجود ندارد و شما نباید وقت خود را در آن ضایع کنید، وهم ممکن است دریابید که موضوع جوانب مختلفی دارد و هنوز کار شما هم برای بررسی کامل آن کفایت نمیکند و ضرورت است

محققان نسلهای آینده نیز در مورد آن تحقیقات بیشتر کنند و حلقات بیشتری به آن زنجیر ببندند، و هم ممکن است دریابید موضوع انتخابی شما کاملا بکر و دست نخورده است و احدی در آن یا اصلا بررسی نکرده و یا بررسی آنها بسیار اندک و جزئی بوده است.
پس از مطالعه در پیشینه تاریخی موضوع راه شما روشن و کار شما مشخص میگردد.
باید یاد آور شد که برای مطالعه خلفیه تاریخی موضوع مراجع و منابع زیادی در اختیار دارید، این مراجع را بدو دسته کلاسیک و جدید تقسیم کرده میتوانیم:

مراجع کلاسیک مانند:

دایرة المعارفها؛

کتب مرجع؛

کتب درسی؛

قاموسها؛

کودهای قوانین؛

اطلس ها؛

زنده گی نامه ها؛

راپورهای تحقیقی؛

راپورهای فنی و تکنیکی؛

احصائیه ها؛

سجلهای اختراعات؛

پروتوکل های نشست ها و ورکشاپها؛

سفرنامه ها؛

مراجع جدید مانند:

کتابخانه های الکترانیک؛

کتابخانه های آنلاین؛

ویب سایت های علمی انترنت؛

راپورهای تحقیقات جدید؛

انجینهای تحقیق وجستجو مانند: گوگل، ویکی پدیا، یوتیوب، تویتر، فیسبوک و سایر ذخیره های اطلاعاتی انترنتی.

حالا به چند سوال ذیل با پنسل پاسخ ارائه کنید.

1. موضوعی که قبلا انتخاب و عنوان آنرا نوشته اید علل این انتخاب را وضاحت دهید.

2. در کجا و چه وقت متوجه شدید که روی این موضوع باید تحقیق کنید، این موضوع چه مشکلی را برای شما و یا دیگران ایجاد نموده است؟ توضیح دهید.

3. در مورد موضوع انتخابی شما کدام مراجع، احصائیه ها و مدارک وجود دارد؟ نام ببرید.

4. کدام نواحی وابعاد این موضوع هنوز مورد تحقیق قرار نگرفته تا شما روی آن تحقیق کنید.

5. چگونه مدلل ساخته میتوانید که تحقیقات دیگران در این مورد ناکافی است، و برای این تحقیق شما ضرورت مبرم وجود دارد.

6. اگر شما این تحقیق را انجام ندهید، مشکلات ناشی از آن چگونه انکشاف خواهد نمود؟ و دامنه تاثیرات سوء آن به چه پیمانه خواهد بود؟

7. شما که پیشینه تاریخی موضوع را مطالعه نموده اید، یک لست مختصر مراجع مربوط به موضوع را ترتیب و خلاصه کار انجام شده در آنها را بیان دارید.

8. و حالا کاری که شما انجام میدهید مشخص کنید.

هدفهای تحقیق:

هر کاری که انجام میشود درحقیقت برای بدست آورردن هدف یا اهدافی انجام میگردد، تحقیق هم درهرساحه که اجراء شود دارای اهدافی میباشد که در پایان آن بدست آورده میشود، هدف یا اهداف عبارت از آن نتایج و دست آوردهایی است که به دنبال هرتحقیق به روش علمی حاصل میگردد و هرمحقق دراخیرتحقیق خود آنرا توقع میکند، ما زمانیکه موضوع وعنوان تحقیق خود را معین ساختیم بهتراست بدنبال مشخص ساختن اهداف

تحقیق خود باشیم، هرتحقیق شده میتواند دارای هدف کلی واهداف جزئی یا فرعی باشد، هدف کلی هر تحقیق عبارت از محتوی کلی عنوان تحقیق است، واهداف جزئی و یا فرعی از تجزیه و کسر هدف کلی به اجزاء وفروع خورد تری به وجود می آید، محقق از طریق اهداف جزئی به سوی هدف کلی درحرکت بوده و به آن نزدیک میشود. خوبست که هدف کلی و اهداف جزئی تحقیق را در مثال های ذیل روشن سازیم :

- اگرعنوان تحقیق ما « سهم زنان درمتروکه وعدم مطالبه این حق توسط آنها » باشد.

پس هدف کلی تحقیق ما معین کردن علل عدم مطالبه این حق توسط زنان است که مستقیما ازموضوع تحقیق بدست می آید، ولی اهداف جزئی و فرعی این تحقیق عبارت اند از:

1. تعیین خصوصیات جامعه مورد تحقیق (زنانیکه مورد تحقیق قرار دارند).
2. مشخص کردن وضع فرهنگی جامعه مورد تحقیق.
3. معین کردن درجه سواد وتعلیم جامعه مورد تحقیق.
4. مشخص کردن روابط جامعه مورد تحقیق با سایر وارثین.
5. مطالعه تاریخ این نوع مطالبه توسط جامعه مورد مطالعه.

- و اگر عنوان تحقیق ما« بررسی شیوع بیشتر رشوت در ادارات دولتی افغانستان » باشد، پس هدف کلی این تحقیق همانا بررسی عوامل شیوع رشوت در ادارات دولتی افغانستان است. اما اهداف جزئی وفرعی تحقیق فوق طور ذیل خلاصه میشود:

1. تعیین کردن میزان رابطه معاشات اندک کارمندان با گرفتن رشوت.
2. مشخص ساختن اندازه رابطه فهم و اعتقاد ضعیف کارمندان ازجزای دنیوی و اخروی رشوت.

- و هم اگرعنوان تحقیق ما « بررسی اعتیاد به مواد مخدردرافغانستان » باشد، پس هدف کلی این تحقیق مطالعه علل اعتیاد به مواد مخدردر افغانستان است.

و اهداف جزئی این تحقیق درپایین برشمرده میشود:

1. تعیین کردن میزان رابطه فقر و بیکاری با اعتیاد.

2. مشخص کردن میزان رابطه عدم آگاهی مردم از اضرار صحی با اعتیاد.

3. تعیین کردن اندازه رابطه محلات کشت و پروسس مواد مخدر با اعتیاد.

چرا نوشتن اهداف مهم است و چه خصوصیاتی باید داشته باشند: تنظیم اهداف برای یک مطالعه تحقیقی باید بر اساس ملاکهای مشخص صورت پذیرد که مهمترین آنها عبارتند از:

- اهداف قابل حصول باشند، بدین شکل که مقصود و منظور محقق را بطور کامل برساند و توانایی سنجش موضوع را داشته باشد.
- اهداف صریح و روشن بیان شوند، هیچگونه ابهامی در هدف قابل قبول نیست باید مشخص شود که دقیقا چه چیزی باید اندازه گیری شود.
- اهداف باید قابل اندازه گیری باشند. تحقیق به روش علمی بر پایه اندازه گیری استوار است و بیان اهداف درقالب های قابل اندازه گیری کار مطالعه را ساده تر می سازد (به تعبیر کوتاه اهداف باید SMART باشند: یعنی Specific (مشخص)، Measurable (قابل اندازه گیری)، Achievable (قابل دسترسی)، Realistic (واقعبینانه)، ودارای Time Frame (چوکات زمانی) باشد.
- سفارش می شود به هنگام تنظیم اهداف اختصاصی از الگوی خاصی استفاده نماییم:
- هدف یا هدف هایی را برای تعیین نمودن ارزش کمی موضوع انتخاب کرده و بنویسیم.
- هدف یا هدف هایی را برای روشنگری در مورد موضوع انتخاب کرده و بنویسیم.
- هدف یا هدف هایی را برای تعیین علل احتمالی موضوع بنویسیم.

- در مطالعات کار بردی پیشنهاد می شود که یک هدف کار بردی در زمینه نحوه بکارگیری نتایج را بنویسیم.
- نحوه بیان اهداف، موضوع مهم در نوشتن طرح تحقیق است. اصول زیر می تواند بعنوان راهنما مورد استفاده قرار گیرند:
- اهداف را با استفاده از افعال عملی که برای اندازه گیری و سنجش مناسب هستند بیان نماییم. **(افعال مناسب مانند: تعیین کردن، مشخص نمودن، مقایسه کردن و افعال نامناسب مانند: درک کردن، فهمیدن، فکر کردن و...).**
- اهداف واقع بینانه بیان شوند که تحت شرایط کاری بتوان به آنها دست یافت.
- اهداف دقیقا از آنچه مطالعه برای آن انجام می شود به صورت منطقی پیروی می کند.
- اهداف به زبان علمی، روشن، صریح ودقیقا آنچه تصمیم به انجام آن داریم مشخص شود.

- حالا موضوع انتخابی تحقیق خود را در ذیل با پنسل بنویسید.

- هدف یا اهداف کلی از موضوع تحقیق تان چیست؟ با عبارات رسا و واضح در زیر تحریر کنید.

- اهداف جزئی و فرعی تحقیق تانرا ذیلا طوری بنویسید که درآن زمان، مکان، علت یا علل مورد بررسی جامعه تحت مطالعه واضح گردیده باشد، بگونه ایکه بربنیاد آن، اطلاعات مربوطه گرد آوری شده و شما عملا آنرا امتحان و آزمایش کنید.

1.

2.

3.

4.

- کلمه SMART را به تفصیل توضیح کنید.

مفهوم و متغیر:

در هر تحقیق شناختن دوعنصرامر ضروری است: یکی « مفهوم» و دیگری « متغیر». اگر ما تعریفات درستی ازمفاهیم و متغیرها را در یک تحقیق داشته باشیم تحقیق به روش علمی به آسانی انجام شده میتواند. هدف از تعریف مفهوم ومتغیردرینجا تعریف عام ومنطقی نبوده که ازیک کتاب درسی، انسایکلوپدیا ویا کدام مرجع دیگری گرفته میشود بلکه هدف آن تعریفی است که منظورمحقق را ازیک مفهوم و یک متغیردریک تحقیق خاص بیان کند و دیگران هم بدانند که هدف معنای عام آن نیست ودراینجا صرف به یک معنای خاصی به کار رفته است، مثلا مفهوم فساد اداری، احتکار، محروم بودن، اعتیاد وغیره. پس برای محقق لازم است تا مفاهیم بکار رفته در تحقیقش را مطابق آنچه که منظور دارد تعریف کند، وهم متغیرهای مربوطه تحقیق خود را چنان تعریف و مشخص کند که درجریان تحقیق بخوبی وآسانی اندازه گیری شده بتواند. محقق مفاهیم بکار رفته در تحقیقش راصرف تعریف مسلکی کرده و اندازه گیری آنها منظور نمیباشد ولی متغیرهای تحقیق که قابلیت تغییر داشته و اندازه های مختلفی را به خود گرفته میتواند از سوی محقق هم تعریف مسلکی و هم اندازه گیری دقیق میگردد. متغیر درحقیقت مجموعه آن خصوصیات و شرائطی است که میتواند بعنوان علت، تغییر ایجاد کند و یا بعنوان معلول تغییر بپذیرد و این رابطه علیت توسط محقق مشاهده و کنترول میشود. اگرموضوع تحقیق ما « حکم دخانیات درشریعت اسلامی وعلل گرایش به استعمال آن در افغانستان » باشد، پس متغیرهایی که درآن باید مورد مطالعه وتحقیق قرارگیرند عبارت اند از:

الف – اندازه گیری حالت جنگی، فقر، بیکاری وتشوشات روحی.

ب- گرایش به استعمال دخانیات.

متغیر اولی حالت إعمالی و فاعلی داشته در حالیکه متغیر دومی حالت معلولی و انفعالی دارد.

متغیر از دوحیث قابل تقسیم است: یکی از حیث اهداف تحقیق و موجودیت رابطه علیت و دیگری از حیث خصوصیات و چگونگی اندازه گیری.

متغیر از حیث تقسیم اولی به سه دسته تقسیم میگردد:

1- متغیر مستقل و تاثیرگذار: عبارت از آن متغیری است که درایجاد تغییراستقلال داشته و محقق تاثیر آنرا بر متغیرهای دیگر اندازه گیری مینماید یعنی مجموعه ای شرائطی است که میزان رابطه علی آنها توسط محقق مورد تصرف قرار گرفته، کنترول و سنجش میگردد. این متغیر را به حرف X ارائه میکنند.

2- متغیر وابسته یا تاثیر پذیر: عبارت از آن متغیراست که تاثیر متغیر مستقل را به عنوان معلول میپذیرد، یعنی مجموعهء آن خصوصیات و شرایطی است که اگر محقق، متغیر مستقل را در ساحه تحقیقی خود وارد و یا خارج کند ویا اندازه تاثیر آنرا کم و زیاد نماید، آن خصوصیات و شرائط بوجود آید، از بین برود، و یا متناسب با کمی و زیادت آن کم و زیاد شود. این تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته ازسوی محقق اندازه گیری میگردد، متغیر وابسته به تنهایی بوجود آمده نمیتواند وموجودیت آن وابسته است نه مستقل. متغیر وابسته و تاثیر پذیر را به حرف Y ارائه میکنند.

3- متغیر نا خواسته ومداخله گر: عبارت از آن شرایطی است که به رابطه علیت متغیرهای مستقل و وابسته تاثیر گذاشته و سبب ضعف و یا قوت این رابطه میشود، این شرایط بعضی اوقات از کنترول محقق خارج است ولی محقق باید تلاش کند تا این شرایط و متغیرهای ناخواسته و مزاحم را تحت کنترول خود داشته باشد و در این صورت است که او با اطمینان کامل محاسبات و نتایج تحقیق خود را ارائه نموده میتواند. اگر این متغیرها توسط محقق کنترول شده نتوانست علی الاقل آنرا تشخیص و در لیست محدودیت های تحقیق خود ذکر کند. در مثال فوق متغیر مستقل و متغیر وابسته را شناختیم و شده میتواند متغیرهای مداخله گر و مزاحم را نیز در آن تشخیص و کنترول کنیم، این متغیر های مزاحم در مثال ذکر شده غالبا عبارت اند از:

الف- سن آنانی که به استعمال دخانیات گرایش پیدا میکنند.

ب- جنس آنانی که به استعمال دخانیات گرایش پیدا میکنند.

ج- محیط زنده گی آنانی که به استعمال دخانیات گرایش پیدا میکنند.

د- دوستان آنانی که به استعمال دخانیات گرایش پیدا میکنند.

متغیر نا خواسته و مداخله را به حرف Z ارائه میکنند.

متغیر از حیث تقسیم دومی نیز به سه دسته تقسیم میشود:

1- متغیر کمی: این متغیر با عدد ارائه شده و مانند عدد به دو قسم پیوسته و گسسته (متصل و منفصل) تقسیم شده میتواند، متغیر کمی پیوسته، اندازه ها و کمیات کسری را ارائه میکند، مانند اندازه گیری یک جسم مادی به متر، سانتی متر و... و... و یا اندازه گیری آن به گرام، کیلو گرام، ملی گرام و... و... اما متغیر کمی گسسته، با اندازه ها و کمیات کسری ارائه شده نمیتواند مانند تعداد نفوس یک قریه، تعداد چاه های حفر شده در یک ساحه، تعداد نهالهای موجود در یک باغچه وغیره.

2- متغیر کیفی: این متغیر چنانچه از نامش پیدا است اندازه کیفیت، وصف وچگونگی شیئ مورد نظر را ارائه میکند.

3- متغیرمرکب: عبارت از آن متغیری است که از مجموعه دو متغیر فوق الذکر بوجود آمده باشد.

از تقسیم بالا فهمیده میشود که متغیر درعمل و جریان تحقیق باید چیز مشخص، قابل انجام دادن و قابل سنجش واندازه گیری باشد، مانند وزن یک جسم مادی و یا اندازه گیری طول و یا مساحت یک شیئ. سنجش و اندازه گیری در خصوصیات و کیفیات اشیاء نیز صورت گرفته میتواند، مانند اندازه گیری قوه سامعه، میزان معلولیت، میزان رضایت وغیره. ما در ذیل به توضیح مختصر اقسام مقیاس اندازه گیری متغیرهامیپردازیم:

1- مقیاس اسمی: مقیاس اسمی آن گروه ها و طبقات را اندازه گیری میکند که بین آنها کدام رجحانی وجود نداشته ولی از نظر کیفی با هم تفاوت دارند، و با عملیه های ریاضی مانند

نسبت، شمارش، فیصدی، کسور وغیره نشان داده میشود، مانند اندازه گیری متغیراعتیاد، معلولیت (جسمی، روانی، ادراکی و ذهنی)، جنس (مرد و زن) وغیره.

2- مقیاس رتبه ای: مثلیکه از نامش معلوم میشود چنان متغیرهایی را اندازه گیری میکند که با هم یکسان نبوده بلکه حیثیت پایه های یک زینه را داشته باشد و این مقیاس نسبت به مقیاس اسمی علاوه از کار برد عملیات ریاضی، درجه و مرتبه اشیاء را نیز تعیین نموده میتواند، مانند اندازه گیری متغیر اعتیاد (شدید، زیاد، متوسط، کم و جزئی) و اندازه گیری متغیر تحصیل و تعلیم (دکتورا، ماستری، لیسانس، ثانوی، ابتدائی و سواد حیاتی).

3- مقیاس فاصله ای: این مقیاس فاصله بین گروههای با هم مساوی یک متغیر را اندازه گیری نموده و صفر در این مقیاس به معنی فاقد بودن خصوصیت تحت اندازه گیری نمیباشد، جمیع عملیه های ریاضی در این مقیاس کار برد دارد، مانند اندازه گیری درجه حرارت و برودت توسط سانتی گرید یا فارن هایت.

4- مقیاس نسبی: این مقیاس از نظر دقت و کار برد همه عملیه های ریاضی تفاوت چندانی با مقیاس فاصله ای نداشته و بسیاری از محققان هر دو مقیاس را یکی دانسته اند، صرف تفاوتیکه این مقیاس با مقیاس فاصله ای دارد اینست که صفر در این مقیاس به معنی فاقد بودن خصوصیت تحت اندازه گیری میباشد، مانند اندازه گیری وزن یک جسم مادی و یا سنجش ارتفاع آن.

در این چهار قسم مقیاس اندازه گیری متغیرها، دقت، بهتری و توانایی به تدریج از قسم اول تا قسم چهارم بیشتر شده است.

بر محقق لازم است تا با درنظر داشت خصوصیت متغیرهای تحقیقش مناسبترین مقیاس اندازه گیری را انتخاب و بکار گیرد. بهترین و مناسبترین مقیاس اندازه گیری یک متغیرآنست که با اصول علمی متناسب بوده و تمام موارد و حالات متغیر را سنجش نموده بتواند، یعنی هیچ مورد و حالتی را فرو گذاشت نکرده، قوی، مناسب و قابل اجراء باشد.

حالا که انواع مختلف متغیرهای دخیل در یک تحقیق را دانستیم و هم با اقسام مختلف دو تقسیم متغیر و مقیاسهای مختلف اندازه گیری متغیرها آشنا شدیم لازم است تا بر بنای توضیحات فوق خالیگاه های ذیل را نیز با پنسل پرکاری نماییم:

- موضوع تحقیق تانرا یکبار دیگر ذیلا بنویسید.

- در تحقیق تان کدام مفاهیم به تعریف های عملی و کاربردی ضرورت خواهد داشت؟ آن تعاریف مفاهیم را ذیلا به اختصار تحریر کنید.

- متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق خود را مشخص نموده و با گذاشتن حروف X و Y علامه گذاری نمایید.

- اگر در تحقیق شما متغیرهای ناخواسته و مداخله گر وجود دارد آنرا معین کرده و از چگونگی کنترول وعدم آن ذیلا معلومات دهید.

- اگر متغیر های تحقیق شما از قسم « کمی » است پس چگونگی پیوسته بودن و گسسته بودن آنها را معین کنید

- اگر متغیرهای تحقیق شما از قسم « کیفی » است پس بیان دارید که چگونه کیفیت و خصوصیت را منعکس میسازد؟

- شما با سه یا چهار قسم مقیاس اندازه گیری متغیر ها آشنا شدید، در ذیل توضیح دهید کدام قسم مقیاس برای اندازه گیری متغیرهای تحقیق تان مناسبتر است؟

- مناسبترین مقیاس اندازه گیری در یک تحقیق به اساس کدام مواصفات تعیین میگردد؟ آنرا در ذیل مختصرآ ذکر کنید.

- ما میزان کیفیت، قوت و ضعف یک خصلت را در یک متغیر با کدام مجموعه کلمات اندازه کرده میتوانیم؟ چند مجموعه این کلمات را در ذیل با بیان خصلت تحت اندازه گیری ذکر نمایید.

فرضیه تحقیق:

فرضیه یک حالت خاصی از « نظریه» است و در حقیقت نظریه از فرضیه های مختلف بوجود می آید، پس فرضیه خاص و جزئی و نظریه عام و کلی میباشد. فرضیه طریق حل پیشنهاد شده محقق برای موضوع تحقیق است، و یا یک جمله بیانیه حدسی محقق است که بر

بنای اطلاعات وتجارب قبلی او استوار بوده و در جریان کارعملی تحقیق تایید و یا رد میگردد.

حدس زدن و تصور نمودن یکی از خصلتهای انسانی است که در مورد جستجوی راه حلهای مختلف یک مشکل او را کمک میکند، انسان در طول تاریخ زندگی خود همواره برای حل مشکل پیش آمده علل احتمالی بروز آنرا حدس زده و آنرا عملا بررسی نموده و به رفع و یا حل آن پرداخته است. محقق برای حل علمی مسأله تحقیق از این قوه خدا داد خود وسیعاً استفاده نموده و فرضیه های مختلفی را در مورد مربوط، میسازد، این فرض پیش گویی و حدس علمی او را منعکس کرده و بعدا آنرا در ساحه عمل آزمایش مینماید. محقق در جریان تحقیق عملی تصمیم ندارد تا فرضیه تحقیق خود را حتما به اثبات برساند، صرف او این فرضیه را امتحان میکند، اگر فرضیه تحقیق او تایید میشود و یا رد میگردد در هردو صورت کار با ارزشی است که انجام یافته است.

برای درست کردن فرضیه تحقیق، محقق علاوه از تجارب و اطلاعات شخصی از تجارب و دست آورد های علمی قبلی نیز استفاده نموده و بعضاً هم فرضیه او فقط بر روی تصور و خیال شخصی وی استوار میباشد، درین همه حالات امکان تایید فرضیه وجود دارد.

قابل یاد آوری است که فرضیه تنها در تحقیقات تجربی و تحلیلی ارائه میشود ولی در تحقیقات توصیفی به تهیه و ارائه فرضیه ضرورت نیست بلکه به مطرح کردن سوالات تحقیق ضرورت وجود دارد. تحقیق توصیفی عبارت از توصیف و توضیح وضع فعلی یک ساحه علمی، حادثه و پدیده است که معلومات همه جانبه، آمار و احصائیه های مختلف در مورد جمع آوری و ارائه میگردد، به عبارت دیگر چیستی موضوع مورد تحقیق، بررسی میشود، درین نوع تحقیق سوالات کلی و دقیق در مورد ابعاد مختلف توصیف، توضیح و معرفی موضوع ارائه گردیده و در پایان تحقیق جوابات همه این سوالات بدست داده میشود. محقق در تحقیق تجربی، تعلیلی و تحلیلی بعد از توضیح اندک موضوع، دیگر با چیستی آن

موضوع سروکار ندارد بلکه علت ویا علل و زمینه های موجودیت آن مسأله و موضوع تحقیق را بررسی و مطالعه میکند یعنی با چرایی موضوع سروکار دارد.
در چند مثال فرق این دو نوع تحقیق را روشن میسازیم:
میخواهیم تعداد زنان مطلقه در ربع اخیر سال 1390 در شهر کابل را تشخیص کنیم، میخواهیم تعداد رأی دهنده گان به حاجی محمد محقق کاندید ولسی جرگه را در نواحی مختلف شهر کابل از هم تفکیک و مشخص سازیم، میخواهیم قواعد صرفی و نحوی مربوط به مصدر، فعل، فاعل ومفعول را در زبان عربی توضیح و بیان داریم.
همه این موارد مربوط به تحقیق توصیفی است.
اما اگر بخواهیم علل طلاق در ربع اخیر سال1390 در شهر کابل را بررسی و تحلیل کنیم، یا بخواهیم عوامل زیادت علاقمندی رأی دهنده گان به حاجی محمد محقق در نواحی مختلف شهر کابل را تحلیل کنیم، و یا هم به عهده بگیریم تا توضیح کنیم که چرا مصدر مبنای اشتقاق کلمات است و یا برعکس، فعل و هم چرا فاعل مرفوع و مفعول منصوب است. در این همه موارد ما تصمیم داریم تحقیق تجربی، تحلیلی و تعلیلی را انجام دهیم.
حال پس میگردیم به اصل موضوع فرضیه که صرف در تحقیق تجربی و تحلیلی مطرح شده میتواند. در فرضیه، محقق حدس زده میتواند که اگر در فلان متغیرچنین تصرف ومداخله صورت گیرد چنان نتیجه بدست خواهد آمد. محقق درفرضیه تحقیق خود چگونگی روابط بین متغیرها را مطرح میسازد و این روابط سه حالت ذیل را به خود گرفته میتواند:

1- تشخیص اندازه تفاوت اثر بین چند متغیر.

2- تشخیص اندازه رابطه همبستگی متغیرها و جهت آن.

3- تشخیص اندازه رابطه علیت بین متغیر ها.

توضیح مختصراین سه حالت.

1- تشخیص اندازه تفاوت اثر بین چند متغیر:

محقق درین حالت تفاوت اثر دو و یا چند متغیر بر یک یا چند متغیر دیگر را مقائسه و تشخیص میکند و این مقائسه و تشخیص روی حدس وگمان او استوار میباشد و بعد از اجرای تحقیق تایید و یا رد میگردد، بگونه مثال این فرضیه:
« اندازه اثرعدم انفاق با اندازه اثر معیوبیت شوهر در تفریق زن از شوهرتفاوت ندارد ».
و یا در مثال دیگر وضع به شکل دیگراست: در پوهنځی شرعیات پوهنتون کابل محصلان، یک دوره 4 ساله را مطابق سیستم « استاد محوری» سپری کردند و در دوره 4 ساله بعدی آنها طبق سیستم فعال و جدید « محصل محوری » آموزش دیدند. ما میخواهیم نتایج تطبیق این دو سیستم را با هم مقائسه و اندازه تفاوت و یا عدم تفاوت آنها را تشخیص کنیم، پس فرضیه ما شده میتواند اینطور ارائه شود: «**اندوخته های علمی، مهارتهای مسلکی و اوسط نمرات محصلان دوره دوم نسبت به دوره اول بیشتر است ».**

2- تشخیص اندازه رابطه همبستگی متغیرها و جهت آن.

در این حالت محقق در پی کشف رابطه همبستگی بین متغیرها است نه کشف رابطه علیت که رابطه خیلی قوی است و مصادیق آن بیشتر در ساحات علوم طبیعی وجود دارد نه در ساحات علوم اجتماعی و انسانی، چه درساحات علوم اجتماعی و انسانی متغیرهای تاثیر گزار و هم متغیرهای مزاحم و مداخله گر در یک موضوع بیشتر وجود دارند. دراین حالت محقق درفرضیه خود وجود ویاعدم وجود رابطه همبستگی بین متغیرها رابیان میکند و درصورت وجود رابطه همبستگی اندازه وجهت آنرا نیزتشخیص مینماید.
عدم وجود رابطه همبستگی را با « **صفر**» و وجود رابطه همبستگی را با « **یک** » نشان میدهند، بالاتر از صفر تا عدد یک اندازه های متفاوتی از وجود رابطه همبستگی ارائه شده میتواند. به هر اندازه ایکه مقدار جامعه مورد آزمایش بیشتر باشد به همان اندازه مقدار ضریب همبستگی کمتری دارای معنی و اهمیت خواهد بود.
جهت همبستگی را با علایم مثبت و منفی **(+ و -)** ضریب همبستگی نشان میدهند، بگونه مثال اگر ضریب همبستگی بیشتر از صفر و دارای علامه مثبت (+) باشد نشان دهنده وجود

همبستگی مستقیم بین متغیرها است یعنی اگر در مقدار، قوت و کیفیت یک متغیر افزایش به عمل می آید متناسب به آن این افزایش در متغیر دیگر نیز رونما میگردد. ولی اگر اندازه ضریب همبستگی بیشتر از صفر و با علامه منفی (-) همراه باشد نشان دهنده همبستگی معکوس بین متغیرها است، یعنی افزایش در یک متغیر باعث کاهش متغیر دیگر میشود و همینطور برعکس آن.

3- تشخیص اندازه رابطه علیت بین متغیرها:

درین حالت محقق تنها رابطه همبستگی متغیرها را سنجش نکرده بلکه بطور بنیادی تر میخواهد رابطه علیت بین متغیرها را تشخیص دهد، بگونه مثال اگر موضوع تحقیق ما «**مطالعه محبس در شریعت و بررسی تقصیر ریاست محابس افغانستان در مورد فرار زندانیان از محابس** » باشد، شده میتواند فرضیه خود را اینطور درست کنیم: «عدم موجودیت امکانات معیاری برای محابس افغانستان علت فرار زندانیان است» ولی محقق باید همواره متغیرهای ناخواسته و مزاحم را زیر نظر و کنترول خود داشته باشد، چه با موجودیت متغیرها و عوامل دیگر میتوان به موجودیت رابطه علیت بین آندو شک کرد، زیرا تشخیص رابطه علیت در بسیاری از متغیرها کار مشکل است آنهم در ساحات علوم اجتماعی و انسانی که در هر مسآله عوامل زیادی دخیل بوده و تعیین یک متغیر وعامل بعنوان یگانه علت آن مسأله امری است مشکل.

فرضیه تحقیق و فرضیه پوچ:

اگر در فرضیه یک تحقیق به احتمال موجودیت تفاوت وهمبستگی بین متغیرها تاکید شده باشد، این فرضیه بنام « فرضیه تحقیق» یاد میشود ولی اگر در آن به عدم موجودیت تفاوت وهمبستکی بین متغیرها حکم صورت گرفته باشد، این فرضیه را بنام «فرضیه پوچ» یاد میکنند. فرضیه تحقیق را به H1 اچ یک وفرضیه پوچ را به H0 اچ صفرنشان میدهند. در گزارش تحقیق تنها فریضه تحقیق تذکر داده میشود نه فریضه پوچ و فرضیه پوچ در«طرح تحقیق» برای رساله های ترفیعات علی، ماستری و دکتورا یکجا با فرضیه تحقیق ذکر

میشود تا محقق در گرد آوری معلومات بکدام جهت خاصی متمایل ساخته نشود. فرضیه پوچ بمنظور رد کردن فرضیه تحقیق ذکر میگردد، اگر فرضیه پوچ در جریان تحقیق تایید شود پس فرضیه تحقیق رد شده شمرده میشود، تفاوت و همبستگی که دیده شده به تصادف و اتفاق حمل میگردد، ولی اگر فرضیه پوچ درجریان تحقیق رد شود بالمقابل فرضیه تحقیق قبول شده تلقی گردیده و به عنوان یک واقعیت غیر قابل انکارپذیرفته میشود.

موارد گوناگون بیان فرضیه تحقیق:

اگر در فرضیه تحقیق موجودیت تفاوت و همبستگی بین متغیرها بیان گردد ولی اندازه، مستقیم بودن و یا معکوس بودن تفاوت و همبستگی ذکر نشود، درین صورت آزمایش محقق دوطرفه یا دوسویه است، اما اگر اندازه (کوچکی و بزرگی) و یا جهت تفاوت و همبستگی متغیر ها (مستقیم است یا معکوس) در فرضیه مشخص شده باشد درین حالت آزمایش محقق یکطرفه و یک سویه گفته میشود.

این کیفیات و موارد گوناگون بیان فرضیه را به رمز های اختصاری ذیل ارائه میداریم، ولی قبل از آن این رمزهای اختصاری را قابل فهم میسازیم:

متغیر مستقل و تاثیر گذار =X

متغیر وابسته و تاثیر پذیر =Y

متغیر مداخله گر و مزاحم =Z

علامه عدم تساوی= $\neq$ /

علامه بزرگتر از = $9 < 15$، یعنی عدد 15 بزرگتر از عدد 9 است.

علامه خورتر از= $15 > 9$، یعنی عدد9 خورتر از عدد 15 است.

رابطه r = Relationship

فرضیه H= Hypothesis

عدم وجود تفاوت و رابطه بین متغیرها (فرضیه پوچ) =H0 اچ صفر.

وجود تفاوت و رابطه بین متغیر ها (فرضیه تحقیق) =H1 اچ یک.

رابطه مستقیم بین متغیرها = +

رابطه معکوس بین متغیرها = -

	بررسی تفاوت تاثیر متغیرها	بررسی همبستگی متغیرها
آزمون دو طرفه	**$Ho: X1 = X2$** **$H1: X1 \neq X2$**	$Ho: r\ x,y = o$ $H1: r\ x,y \neq o$
آزمون یک طرفه یا یک سویه	**$Ho: X1 = X2$** **$H1: X1 > X2$** **$H1: X1 < X2$**	$Ho: r\ x,y = o$ $H1: r\ x,y > o$ $H1: r\ x,y < o$

.(11: 30)

حالا که راجع به فرضیه تحقیق معلومات کافی داده شد لازم است خالیگاه های ذیل را با پنسل خانه پری کنیم:

- تفاوت فرضیه را با نظریه توضیح کرده و بنویسید که فرضیه روی کدام معلومات وتجارب استوار میباشد؟

- در تحقیق تجربی، تحلیلی وتعلیلی به ارائه فرضیه ضرورت است در حالیکه در تحقیق توصیفی به طرح سوالات نیازمند میباشیم، شما با ذکر مثالها بین این دو نوع تحقیق فرق قایل شده و وضاحت کافی ارائه دارید.

- سه حالت مختلف روابط متغیرها را ذیلا تحریر دارید.

- برای این موضوع تحقیقی فرضیه های مختلفی بنویسید: « مطالعه تاثیر ارتقای سطح اقتصاد جادوگران شهر کابل بر تقلیل علاقمندی آنان بر این حرفه ».

الف- فرضیه تحقیق:

1 -دو طرفه یا دو سویه:

2 -یکطرفه یا یک سویه:

ب- فرضیه پوچ:

- موضوع تحقیق تانرا یکبار دیگر در ذیل نوشته و فرضیه های متناسب با آنرا نیز تحریر دارید.

- شما فرضیه های فوق تحقیق خود را که با عبارات ارائه نموده اید به زبان رمزی اختصارات نیز ارائه کنید.

- ما میتوانیم برای موضوع تحقیقی خود چندین فرضیه داشته باشیم و هرفرضیه یک پیش داوری علمی را منعکس سازد، درجریان تحقیق، این فرضیه ها رد و یا تایید خواهد شد، به نظر شما صحیح و معقول خواهد بود که قسمتی از فرضیه رد و قسمت دیگر آن تایید گردد؟ با ذکر مثالی میتوانید وضاحت دهید.

طرح سوالات در یک تحقیق توصیفی:

چنانچه قبلا نیز متذکر شدیم که تحقیق شده میتواند بطور تجربی و تحلیلی انجام گیرد و یا به شکل توصیفی صورت پذیرد، اگر محقق به تجربه و تحلیل یک موضوع میپردازد و

آنرا علت یابی میکند درین صورت خوبست به اینگونه تحقیق فرضیه درست کند، در فرضیه موجودیت رابطه و یا وجود تفاوت تاثیر متغیرها حدس زده میشود و یا به نفی این رابطه و تفاوت تاثیرحکم میگردد. اما اگر محقق در پی یک تحقیق توصیفی باشد و بخواهد تنها چیستی و چگونگی یک موضوع را توضیح و بیان کند و ارقام و آمار مربوط به آنرا جمع آوری نماید، درین صورت خوبست به عوض فرضیه، چند سوال مخصوص به موضوع مورد توصیف را مطرح کند، وتحقیق وی پاسخ و جوابی باشد به سوالات طرح شده تحقیق.

چنانچه فرضیه تحقیق از اهداف تحقیق نشآت میکند به همینگونه سوالات مخصوص تحقیق نیز از اهداف آن سرچشمه میگیرد، و از لحاظ مفهوم: اهداف، فرضیه و سوالات یک تحقیق چندان تفاوتی باهم ندارند، صرف از لحاظ بیان متفاوت اند.

سوالات تحقیق باید اهداف تحقیق را بخوبی منعکس ساخته و از ارائه جواب به آنها به اهداف منتظره تحقیق خود دست یابیم. سوالات تحقیق به اندازه ضرورت مطرح میگردد و کلیات موضوع را در برمیگیرد، جزئیات و فروعات مربوط به موضوع طی مصاحبه ها، سوالنامه ها و مشاهدات ارائه میشود. سوالات تحقیق تحت عنوان جداگانه مطرح میگردد، بگونه مثال اگر موضوع تحقیق ما« **شناخت جرم در شریعت و بررسی تمایلات جرمی جوانان افغانستان** » باشد، سوالات آنرا بطور ذیل مطرح کرده میتوانیم:

1 -چند فیصد جوانان افغانستان به اثر بیکاری متمایل به ارتکاب جرم میشوند؟

2 -چند فیصد جوانان افغانستان به اثر فقر اقتصادی متمایل به ارتکاب جرم میشوند؟

3 -چند فیصد جوانان افغانستان به اثر استعمال مواد مخدر متمایل به ارتکاب جرم میشوند؟

4 -چند فیصد جوانان افغانستان به اثر بیسوادی و عدم آگاهی از مجازات مربوطه متمایل به ارتکاب جرم میشوند؟

حالا ببینید اگر موضوع تحقیق تان ایجاب میکند تا سوالات مخصوص آن مطرح شود پس آنرا در ذیل با پنسل تحریر دارید:

-1

-2

-3

-4

چگونگی تحقیقات توصیفی در علوم اسلامی:

چنانچه معلوم است بیشتر تحقیقات در حوزه علوم اسلامی جنبه تفسیر و توصیفی داشته هر چند در جریان کار به علت یابی های مطالب نیز عمیقا تماس حاصل میگردد پس لازم است برخی طرق بحث توصیفی در برخی ساحات علوم اسلامی را درینجا تذکر دهیم:

ساحه تفسیر قرآن کریم:

اگر موضوع بحث ما مربوط به ساحه تفسیر سوره و یا سوره ها و آیات کریمه قرآنی است پس از همه اولتر لازم است ترجمه آیات مربوطه از یک تفسیر معتمد صورت گیرد.

بیان شأن نزول آیات مربوطه با استفاده از کتب تفاسیر معتبر و جلوگیری از روایات ضعیف، وضعی و یا منسوب به آثار تابعین درین زمینه.

کار بعدی شرح مفردات آیات کریمه است از مراجع تفسیری و قاموسی معتبر.

سپس تفسیر آیات کریمه با آیات کریمه دیگر، با احادیث نبویه که بهترین مفسر قرآن گفته میشود، با اقوال مستند صحابه و تابعین، صورت میگیرد.

بیان برخی نکات نحوی، صرفی و بلاغی آیات کریمه خالی از مفیدیت نیست.

با توجه به اینکه کلام الهی شامل احکام، امثال، اخلاقیات، اندرزها، داستانها و قصص امم گذشته است پس ضرور است تا استنباط احکام، اصول اخلاقی و فواید یقینی از آن صورت گیرد. اما از ورود به بحثها و اختلافات مذاهب جلوگیری بعمل آید.

و در اخیر چگونگی تطبیق استنباطات ارزشمند متعلق به آیات مربوطه در سطوح مختلف و عرصه های گوناگون زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی به بحث عمیق و همه جانبه گرفته شود و کار تحقیق با ذکر خلاصه و نتیجه بحث خاتمه یابد.

باید یاد آور کرد که ارائه راه های حل و علاج امراض و آفات متعدد فردی و اجتماعی که دامنگیر فرد و جامعه انسانی در عرصه های مختلف زندگی است نیز جزئی از نتائج یک تفسیر خوب ومعیاری به شمار میرود.

ساحه حدیث:

اگر کار علمی یا تحقیقی ما مربوط به یکی از ساحات حدیثی است پس لازم است تا مراحل زیر طی گردد:

اول ترجمه حدیث از یک مرجع مطمئن.

ذکر حواله حدیث از صحاح و مسانید نه منابع دست دوم و سوم.

کار دیگر، تخریج حدیث است، در تخریج حدیث، درجه حدیث بیان میگردد که آیا حدیث صحیح لذاته است یا صحیح لغیره ، و یا حسن آن ذاتی و یا از طرق دیگر تایید شده و یا هم حدیث یک حدیث ضعیف و یا حتی موضوعی است. در ارتباط به این همه توجه به اتصال سند، عدالت راوی، ضبط راوی، وجود شذوذ و یا وجود علت امر ضروری دانسته میشود.
معمولا درجه حدیث به ترتیب از امام بخاری، امام ترمذی، امام احمد، و بعد امام جلال الدین سیوطی، زیلعی و البانی معتبر دانسته میشود.
برای شناختن راوی، دست رسی به علم جرح و تعدیل و علم رجال اهمیت خاصی دارد.
در صورت ضرورت برای شرح بیشتر مفردات حدیث و کلمات غریبه آن، مراجعه به شروح حدیث صورت میگیرد.
با توجه به اینکه کلام پیامبر خود وحی الهی است « وما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی » شامل احکام، امثال، اخلاقیات، اندرزها، داستانها و قصص امم گذشته است پس ضرور است تا استنباط احکام، اصول اخلاقی و فواید یقینی از آنها نیز صورت گیرد.
وچنانچه در تفسیر آیات کریمه قرآنی نیز گفته شد، در اخیربحث حدیثی نیز باید چگونگی تطبیق استنباطات ارزشمند متعلق به حدیث مربوط در سطوح مختلف و عرصه های گوناگون زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی به بحث عمیق و همه جانبه گرفته شود ومطالب مربوط به حدیث با ذکر خلاصه و نتیجه بحث، خاتمه یابد.
باید یاد آور شد که ارائه راه های حل و علاج امراض و آفات متعدد فردی و اجتماعی که دامنگیر فرد و جامعه انسانی در عرصه های مختلف زندگی است نیز جزئی از نتائج یک تحلیل و تحقیق خوب ومعیاری یک حدیث دانسته میشود.

ساحه عقیده:

اگر بحث ما مربوط به ساحه عقیده است پس باید در تحلیل همه مسائل، استناد گاه ما آیات کریمه قرآنی، احادیث نبویه، اقوال صحابه، تابعین و محققان دانشمند علوم اسلامی باشد.

عقیده سلف صالح و اهل سنت و جماعت بین افراط و تفریط قرار دارد و ازعقاید غلو آمیز معتزله، جهمیه، جبریه، مرجئه و دیگر مذاهب افراطی و تفریطی به دور قرار دارد پس خوب است ما در تحلیل مسائل مغلق عقیدتی و کلامی که گاه گاهی به منطق، فلسفه، حکمت و سایر علوم عقلی نیز ارتباط میگیرد، راه میانه روی و اقتصاد را اختیار کنیم و با این شیوه و این راه وسط همه مسائل بحث انگیز ذیل را شرح و تحلیل نقلی، علمی و عقلی کنیم: « **ذات، اسماء وصفات الله ج، توحید و انواع آن، تشبیه و تعطیل، نفی و اثبات، ایمان و ارکان آن، عمل به جوارح، ایمان فطری و کسبی، قضاء و قدر، وجود شرور و آفات، عدل الهی، اولین مخلوق، مرتکب کبیره، حسن و قبح اشیاء، عصمت پیامبران ع، افضلیت درمورد پیامبران و ملائکه ع، نسخ در قرآن، توفیق و خذلان، اصحاب واهل بیت پیامبر ص، امامت و خلافت، قضاوت در مورد حوادث سیاسی در عصر خلافت راشده وبعد از آن، موافقت نقل صحیح باعقل صریح، روح، نفس و عقل، محدو دیت عقل، تفسیر نصوص طبق فهم اهل سنت و جماعت، معاد روحانی و جسمانی، ارجاء و مسائل کلامی پر بحث دیگر ».**

ساحه فقه و اصول آن:

اگر حوزه تحقیقی ما مسائل فقهی و اصولی باشد پس درین صورت لازم است مراتب زیر را در نظر گیریم:

در هر مسئله فقهی تعریفات لغوی و اصطلاحی ضروری است. ارکان و شروط متعلق به موضوع بیان میشود. احکام تکلیفی چون: فرضیت، وجوب، اباحت، کراهیت و حرمت تذکر داده میشود. استناد مسئله به آیات کریمه، احادیث نبویه، اقوال صحابه و آثار تابعین، اجماع امت، قیاس اصولی، استحسان، استحصاب الحال، مصلحت مرسله، سد ذریعه، عرف و سائر ادله مورد بحث فقهاء صورت میگیرد.

دلایل مذاهب مختلف فقهی با معرفی اقوال راجح و مرجوح با استناد درست نقلی و عقلی بیان میشود.

در تحلیل درست مسائل فقهی استفاده از دلالات مختلفه ذیل الفاظ بر معانی، امر ضروری دانسته میشود، مانند:« **بیان نص، ظاهر، محکم، مفسر و طرفهای مقابل هرکدام، عبارة النص، اشارة النص، دلالت النص، صریح، کنایه، عام، خاص، حقیقت، مجاز، مطلق، مقید، مشترک، مترادف و سایر جنبه های اصولی و منطقی الفاظ، معانی و مقاصد ».**

اقتباس متنها:

یکی از موارد مهمی که در تحقیق موضوعات و تالیف و ایجاد آثار علمی به آن باید توجه شود اقتباسات و نقل قولهایی است که از برخی مصادر و مراجع صورت میگیرد، این کاری است به جا و در بسیاری از موارد به آن ضرورت احساس میشود اما روش و طریقه معیاری و اصولی آنرا عده ای از محققان جوان و کم تجربه بعضا رعایت کرده نمیتوانند، ما درین مورد برخی مطالب را از کتاب یکتن از استادان کشور عربستان سعودی دکتور عبد الوهاب ابراهیم ابوسلیمان تحت عنوان: « کتابة البحث العلمی و مصادر الدراسات الاسلامیة » بدون تغییر و از متن پی دی اف آن کاپی مینماییم امید در باره رعایت اصول اقتباس برای ما سودمند واقع شود:

• اقتباس النصوص •

البحث العلمي يفرض الاطلاع على بحوث وأعمال الآخرين في نفس الحقل والتخصص، فليس غريباً أن تحتوي الكتابات العلمية في أيّ موضوع أو مادة على اقتباسات منقولة من مؤلفات وكتابات العلماء والكتّاب السابقين.

فالباحث لا يبدأ من فراغ، إذ لا بدّ أنه سبق بدراسات العلماء، وتجارب الباحثين، والبحث العلمي أساساً عملية بناء متتابعة من الباحثين يضمُّ كلّ واحد منهم إلى العلم والمعرفة ما يتوصل إليه فكره، فكلّ منهم يضع لبنة في بناء وتكوين المعرفة الإنسانية، وبذلك تبني الأمم حضاراتها فيكمل الخلف ما أنجزه السلف.

ومن الضروري معرفة كيفية الاستفادة منها بشكلٍ ووضعٍ صحيح. إن الاقتباس المناسب في المكان المناسب،والإشارة إلى مصدره دليل على القراءة الواسعة للكاتب،والمعرفة التامة بالأفكار والبحوث القديمة والحديثة حوله.

اقتبس من المؤلفات والمقالات وضعها جنباً إلى جنب مع آرائك الخاصة ولكن إيّاك وأن تدّعيها لنفسك. إن اقتباس الآراء وعدم نسبتها إلى أصحابها عمل خاطىء، وتجنّ على الحقيقة، وربما كلف الواحد مستقبله، فيصبح وصمة تلازمه مدى الحياة يتحدث بها الوسط العلمي في احتقار.

وللأسف فإنها شائعة بين الطلبة وهي أحيانا تكون غير مقصودة، نظراً لأن الطلبة لا يعرفون طريقة المزج والتوفيق بين آرائهم وبين آراء الغير.

وهذه غلطة علمية من الممكن تصحيحها، ولكن المشكلة الحقيقية أن تجد البعض يدون لأنفسهم العنان في السرقات المتعمدة، ناسخين قطعةً أو فصلاً كاملاً من كتابٍ أو مقالة، وفي النهاية ينسبونها إلى أنفسهم، إنها جناية كبيرة ومخادعة، بل إنه عمل غير شريف، ولو اكتشفت هذه الحقيقة فإنها

ستكون لها نتائج وخيمة، وأي واحد له معرفة بأساليب العلماء والكتاب فإنه سيدرك مباشرة فيما إذا كانت تلك القطعة أو الفصل من عمله أو من عمل الآخرين، ومن أجل تفادي هذا النوع أعني السطو على عمل الغير فهنا بعض الاقتراحات:

أ - نسبة الجزء المقتبس بكلماته وعباراته إلى صاحبه حتى ولو كان جملة واحدة نالت الإعجاب بجمال صياغتها، وذلك بوضعها بين قوسين « » ثم الإشارة إلى مصدرها في نهاية الصفحة أو البحث.

ب - ألا يكون ترتيب الموضوع ولا تعبيراته مشابهة لترتيب وتعبيرات الكتاب الذي استفيد منه، وإلا فسيكون هذا عنوان السطو على أعمال الآخرين، والطريقة المثلى لتجنب السرقات هو القيام بتلخيص الفكرة وصياغتها صياغة جديدة، ومع القيام بهذا التلخيص والصياغة الجديدة فلا بدّ من نسبتها لصاحبها والاعتراف له بها ولكن من دون كتابة علامة التنصيص « ».

جـ - أي فكرة أو تفسيرات للواقع جرى جمعها أو اقتباسها من مؤلف لا بدّ من الإشارة إليها في هامش الصفحة الأسفل، أو في نهاية البحث.

هذه المبادئ الكتابية مطلوب الأخذ بها من كلّ باحث في أي عمل كتابي. الأمانة العلمية تعتبر من أوليات الفضائل التي يجب أن يتحلى بها العالم والمفكر. وستكون لك سمعة علمية عندما تستعمل هذه المصادر استعمالاً صحيحاً، حتى وعندما يكون نسبة المنسوب لك من البحث قليلاً بالنسبة للأجزاء الأخرى المقتبسة، فإن هذا أفضل بكثير من تشويه ومسخ أعمال الآخرين، إن الطريق والوسائل لمعرفة هذه السرقة لا تخفى خاصة إذا تذكرت أن الذي سيقرأ عملك هو أكثر منك علماً ومعرفة، وسيدرك لأول وهلة المصدر أو المصادر التي نسبت ذلك الجزء منه إلى نفسك بمنتهى السهولة

والبساطة، إذ أنه سيشعر بوجود فجوة علمية وسيعرف الطريق إلى البحث والوقوف على الحقيقة.

كن أميناً مع نفسك ومشرفك وأميناً لدراستك، وبغير هذا يستحيل أن تخلق من نفسك عالماً أو مفكراً.[1]

• كيفية اقتباس النصوص •

لاقتباس النصوص من المصادر أربعة طرق:

الأول: نقل النص كاملاً.

يفضل نقل النص كاملاً وبدون تغيير في الحالات التالية:

أ - إذا كانت تعبيرات المؤلف وكلماته ذات أهمية خاصة.

ب- إذا كانت تعبيرات المؤلف مؤدية للغرض في سلامة ووضوح.

جـ - الخشية من تحريف المعنى بالزيادة أو النقصان خصوصاً إذا كان موضوعاً ذا حساسية خاصة.

الثاني: التلخيص: وذلك بأن يعمد الباحث إلى تلخيص موضوع كامل، أو فكرةٍ بأكملها قد شغلت حيِّزاً كبيراً من الصفحات، فيصوغها بأسلوبه في عبارة مركزة، بحيث يحتوي الملخص على جوهر الفكرة، ولبِّ الموضوع.

وهذا ليس بالعمل السهل إذ يستدعي قدرة علمية، وكفاءة تعبيرية دقيقة تكتسب بالمران القائم على أسس علمية يدرب عليها الطلاب.

وليس من العدل أخذ فكرة المؤلف ثم إعادة صياغتها بينا هي سليمة وكافية في أسلوبها الأصيل.

وفي مثل هذه الحالة يكتفى بتدوين كلمة «راجع» أو «انظر» بالهامش الأسفل أو في نهاية الفصل، ثم يدوَّن اسم المؤلف فعنوان الكتاب ثم الصفحات كالطريقة المتبعة، فقد جرى الاصطلاح بأن تشير هذه الكلمة إلى تصرف الكاتب في النقل[١].

ثالثاً: الشرح والتحليل:

تناول الباحث فكرة أو موضوعاً تعرّض له أحد المؤلفين

---

(١) انظر: محمد عبد المنعم خفاجي، ص ٣٩.

فيصوغه في عبارته وأسلوبه بطريقة مفصّلة وتوضيح أوسع.

رابعاً: الجمع بين التلخيص أو الشرح وبين اقتباس النص:

وذلك بأن يتعرض لنقطة في أسلوبه تلخيصاً أو تحليلاً، ثم يردفها بنصّ من نصوص المؤلف، أو يجعل من بعض النصوص الأصلية مقدمة لتلخيصٍ أو شرح وتحليل من أسلوبه.

خامساً: إضافة تعليقات شخصية:

يستحسن في بعض الأحيان عمل بعض التعليقات الضرورية على النصوص التي يجري اقتباسها، وهنا لا بدّ من تميز هذه التعليقات بحيث يكتشفها القارئ، وذلك بوضع الكلمة الأولى بين شرطتين، أو وضع خط تحتها لتكون بمثابة علامة للقارئ يدرك منها الفرق بين الكاتبين.[1]

ويضبط هذه الأنواع من اقتباس النصوص قواعد عامة يلزم التقيد بها والسير على ضوئها في كتابة البحوث العلمية وهي:

١) «وضع الفقرات المقتبسة نصاً بين قوسين كبيرين (...). أو قوسين صغيرين «...»

٢) إذا كانت الفقرات المراد اقتباسها هي أيضاً مقتبسة من كتاب آخر فلا بدّ من استعمال قوسين صغيرين داخل القوسين الكبيرين للإشارة إلى أن المصدر نفسه قد اقتبسها من كتاب آخر. (... «... »...). أو العكس وفق ما يناسب الكاتب..

٣) عند حذف أي عبارة أو جملة من الفقرة المقتبسة يشار إلى ذلك بوضع ثلاث نقط (...) مشيراً إلى حذف في ذلك الموضع.

٤) في حالة إضافة عبارة تفسيرية، أو تعليق داخل الفقرة المقتبسة فإنها توضع بين قوسين مربعين [ ] لتوضيح الفرق بين عبارة الكاتب والعبارة المقتبسة.

---

(١) Kate L. Turabian, Student's Guide for Writing College Papers, 2scd. ed (Chicago and London: The University of Chicago press), p. 55-62

٥) تنقل الفقرة المقتبسة وإن تخللتها أخطاء - سواء كانت أخطاء تعبيرية أو فكرية أو إملائية - كما هي بخطئها ويكتب بعد الخطأ بين قوسين كلمة (هكذا) إشارة إلى أن الخطأ بالأصل.

٦) الدقة في استعمال العلامات الإملائية من نقط، أو فواصل، أو علامات استفهام، أو تعجب بنفس الكيفية والطريقة التي استعملها الأصل.

٧) التأكد من صحة نقل الفقرة المقتبسة بتفاصيلها نقلاً صحيحاً ومن دون خطأ، وأن اقتطاعها من المصدر وضمها إلى البحث لا يتسبب في تغيير أو تشويه الفكرة، فانّ أخذ جملة معينة، أو عبارة قصيرة لها صلة بما قبلها وما بعدها غالباً ما يغير المعنى، أو يؤدي إلى معنى غير الذي قصده المؤلف.

٨) وأخيرا ومن قبيل التأكيد لا بد من التصريح بأسماء الكتب والمؤلفين الذين تم الاستعانة بمؤلفاتهم اعترافاً بفضلهم فهذا عنوان الشرف والأمانة العلمية».[١]

Pikford and Smith, P. 35

روش کار تحقیق:

هر محقق باید در تحقیق خود ماهیت وچگونگی موضوع، هدف های تحقیق، فرضیه های تحقیق، سوالات مخصوص تحقیق، چگونگی امکانات اجرائوی تحقیق و جوانب اخلاقی موضوع را بدقت ملاحظه نموده و متناسب با آنها روش کار تحقیقی خود را انتخاب کند، او باید درگزارش تحقیق خود وضاحت دهد که چرا این روش کار را ترجیح داده وعلت این ترجیح چه بوده است؟ اومعلوم کند که برای موضوعش تحقیق تجربی وتحلیلی امرضروری است ویا تحقیق توصیفی؟ آیا تحقیق او در یک کتاب خانه وکلبIT صورت میگیرد ویا دریک معمل ولابراتوار؟ تحقیق او به بررسی ومطالعه میدانی ضرورت دارد ویا مجموعه ای از مصاحبه ها وسوالنامه هایی است که بواسطۀ آن معلومات واطلاعات جمع آوری میشود؟ ویا اینکه تحقیق وی ازطریق مشاهدات مستقیم وغیرمستقیم انجام میپذیرد؟ چگونه مواد و وسائل برای انجام کار آن ضرورت است ؟ وبه کدام مستحضرات وامکانات مادی نیاز دارد؟ حالا که توضیح موضوعات فوق الذکربرای تحقیق ما حتمی دانسته شد بیجا نیست که در ذیل ابتداء موضوع تحقیق خود را بنویسم وبعد به سوالات طرح شده پاسخ کتبی ارائه کنیم:

موضوع تحقیق شما:

1 -ماهیت موضوع، اهداف وامکانات انجام آنرا وضاحت دهید.

2 -برای اجرای تحقیق خود کدام روش کار را انتخاب نموده اید؟

3 -علت انتخاب این روش را توضیح دهید.

4 -مواد و مستحضرات مورد ضرورت تحقیق خود را بیان دارید.

جمعیت نمونه:

درتحقیق با دونوع جمعیت برمیخوریم: جمعیت مورد تحقیق وجمعیت نمونه. جمعیت مورد تحقیق عبارت از مجموعه اشیاء و افرادی است که دارای مشترکات وخصوصیات مشابه بوده و قابلیت اندازه گیری را نیزداشته باشند. جمعیت نمونه عبارت است از برخی افراد جمعیت مورد تحقیق که توسط محقق با شیوه های متفاوت از جمعیت مورد تحقیق جدا ساخته میشود، زمانیکه جمعیت نمونه انتخاب ومورد تحقیق قرار میگیرد ونتایج معینی از آن بدست می آید، احکام مربوط به این نتایج به کل جمعیت مورد تحقیق تعمیم وحکم میشود که گویا تحقیق درمورد همه افراد جمعیت مورد تحقیق صورت گرفته مشروط براینکه جمعیت نمونه دارای آن مشخصات وصفاتی باشد که جمعیت مورد تحقیق دارای آنست، هردوجمعیت باید با اهداف تحقیق مطابقت داشته باشند. در هر روش

تحقیق، روش جمع آوری اطلاعات و داده ها نیز فرق میکند، در تحقیقات تجربی به حجم کمتر جمعیت نمونه نیاز وجود دارد ولی در تحقیقات توصیفی این حجم بیشتر میباشد، برخی اوقات تعیین حجم جمعیت نمونه بستگی به امکانات مالی محقق و مرکز تحقیقاتی دارد.

برعکس تصور، بین جمعیت مورد تحقیق و جمعیت نمونه از لحاظ حجم رابطه معکوس وجود دارد یعنی هر قدر حجم جمعیت مورد تحقیق بیشتر باشد به همان اندازه حجم جمعیت نمونه باید کمتر باشد و هم در صورت برعکس آن، بگونه مثال اگر جمعیت مورد تحقیق یک ملیون نفر باشند، معقول خواهد بود تا برای جمعیت نمونه در هر صد یک نفر را که مجموعا ده هزار نفر میشوند انتخاب کنیم ولی اگرجمعیت مورد تحقیق درمجموع دوصد نفر باشند انتخاب یک در صد آن منطقی نیست وحتی شده میتواند همه جمعیت بدون انتخاب مورد تحقیق قرارگیرد. و هم اگر در یک تحقیق متغیرهای مزاحم بیشتری دخیل باشند و محقق همه آنها را کنترول کرده نتواند پس خوبست تا جهت جلوگیری از اشتباهات زیاد حجم جمعیت نمونه را بیشتر سازیم. و هم اگر جمعیت مورد تحقیق دارای تشکیل غیر متجانس باشد و یا حالات مشابه دیگری وجود داشته باشد درین همه صورتها به جمعیت نمونه بیشتر ضرورت است.

روش های متفاوتی برای تعیین جمعیت نمونه بکار گرفته میشود، یکی از این روشها روش تصادفی Random است، بگونه مثال تشخیص مرض همه تاکهای انگور شمالی به نمونه گیری ضرورت دارد، بررسی همه قریه های ولایت وردک در یک مورد خاص، همه نظامیان، قضات، محصلان، زنان و اطفال، و همه زمین های ولایت لوگر، تشخیص همه رأی دهندگان به یک کاندید خاص ولایت کابل، این همه مثالها به جمعیت نمونه ضرورت دارد که از طریق تصادفی و احتمالی تعیین میگردد،درین روش برای هر فرد جمعیت مورد تحقیق این تصادف و احتمال وجود دارد تا شامل افراد جمعیت نمونه گردد. تعداد افراد جمعیت مورد تحقیق معین گردیده و بعد به اساس قرعه کشی افراد جمعیت

نمونه انتخاب میشود و یا افراد جمعیت مورد تحقیق با شماره مسلسل مرتب شده بعد قرار به این گذاشته میشود تا هر شماره چهارم یا هر شماره دهم و ... و ... انتخاب گردد، روش معمول دیگر روش غیر تصادفی و غیر احتمالی است که محقق نمیتواند اطلاعات مورد نیاز را جمع آوری کند پس میخواهد از جمعیت در دسترس و جمعیت حاضر بعنوان جمعیت نمونه استفاده کند، بگونه مثال یک مدرس محقق محصلان یک صنف در یک رشته را که در آن محصلان اکثریت ولایات وجود دارند بعنوان جمعیت نمونه مورد مطالعه قرار میدهد، یک طبیب مریضان داخل بستر خود را بعنوان جمعیت نمونه، مورد تحقیق قرار میدهد.

در همه این صورتها کوشش به عمل آید تا چنان افرادی برای جمعیت نمونه انتخاب شوند که معرف خوب و واقعی صنف و نوع خود باشند و نتائج به دست آمده از تحقیق بر روی آنها قابلیت تعمیم به همه افراد جمعیت مورد تحقیق را داشته باشند.

- حالا نوبت آن رسیده تا شما هم در تحقیق خود جمعیت مورد تحقیق را معرفی و بعد جمعیت نمونه را انتخاب کنید.

- شما یقینا در تعیین جمعیت نمونه کدام تعصب و غرض خاصی ندارید پس جمعیت نمونه تحقیق خود را به کدام روش معمول انتخاب میکنید؟ آنرا در ذیل تشریح کنید.

- شما چند موضوع تحقیقی را در ذیل ارقام وبعد چگونگی انتخاب جمعیت نمونه در هر کدام آنها را توضیح دهید.

محل اجرای تحقیق:

یکی از شش مورد مهمی که قبلا با 6 کلمه ارائه گردید مورد «کجا» است که در این مورد محقق باید مشخص کند تحقیق خود را در کدام محیط و جای انجام میدهد، محقق دلائل قانع کننده ارائه میکند تا نشان دهد محیط و جای انتخاب شده برای تحقیق وی یک محیط و جای مناسب است وتحقیقش در آن بخوبی انجام شده میتواند. در مورد انتخاب محیط و جای مناسب اجرای تحقیق جوابات سوالات ذیل را در جاهای خالی با پنسل تحریر دارید:

- محیط و جای اجرای تحقیق خود را در ذیل معرفی کنید.

- آیا شما میتوانید جمعیت نمونه تحقیق خود را در آن محیط و جای به آسانی دریابید؟

طریقه های گردآوری معلومات و اطلاعات:

معلومات و اطلاعات مورد نیاز در یک تحقیق به طریقه های متفاوت به دست آورده میشود، این طریقه ها در حقیقت وسائلی است که به کمک آنها محقق   معلومات و

اطلاعات مورد احتیاج پروژه تحقیقی خود را گردآوری مینماید. 4 طریقه و وسیله در گردآوری معلومات و اطلاعات بسیار معمول و مورد استفاده اند:

1. کاربرد مراجع، معلومات و اسناد موجود.
2. مشاهده.
3. مصاحبه.
4. سوالنامه.

محقق بخوبی درک میکند که برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز تحقیقش کدام طریقه و وسیله گردآوری اطلاعات مناسب است و درین زمینه این طریقه تا چه حدی معتبر ومطمئن است؟ برای اینکه اطلاعات تحقیق بطور معیاری و طبق یک طرح قبلا تنظیم شده جمع آوری گردد لازم است نکات ذیل درین زمینه روشن شده باشند:

1 - درتحقیق حاضر کدام معلومات و اطلاعات جمع آوری میشوند؟ و چرا؟
2 - معلومات و اطلاعات در چقدر مدت، در کجا و چگونه جمع آوری میگردد؟
3 - معلومات و اطلاعات با کدام طریقه و وسیله، از سوی کدام شخص یا اشخاص جمع آوری گردیده و چگونه توضیح و تفسیر میشود؟
4 - مصارف جمع آوری و تفسیر معلومات و اطلاعات چقدر بوده و توسط کدام منبع تمویل گردیده و گزارش تحقیق چگونه تهیه میشود؟

جواب به نکات فوق الذکر، به موضوع تحقیق، متغیرهای مطروحه درموضوع تحقیق، مکان وزمان تحقیق، جمعیت نمونه، حساسیتها، ملحوظات اخلاقی ومحدودیتها مالی وعملی ارتباط و همبستگی منطقی داشته و با تحلیل این همه امور محقق طریقه جمع آوری اطلاعات و چگونگی اجرای تحقیق خود را طراحی مینماید (11: 50 -51).

در ذیل راجع به 4 طریقه و وسیله مشهور جمع آوری اطلاعات معلومات مختصر ارائه میگردد:

1.کاربرد مراجع، معلومات و اسناد موجود:

مراجع، معلومات و اسناد موجود عبارت از آن مدارکی است که قبلا توسط محققین و نهاد های ذیربط تحقیق، اجرا و جمع آوری گردیده باشد و محقق با استفاده از آنمراجع، معلومات و اسناد، تحقیق خود را انجام میدهد، اینمعلومات و اسناد در کتاب های علمی- تحقیقی، کتب مرجع، کتب درسی، رساله های ماستری و دکتورا، دایرة المعارفها، آرشیف های ملی، قاموسها، کودهای قوانین، اطلسها، گزارشهای فنی، منابع ثبت اختراعات، مشاهدات اشخاص، پروتوکل های جلسات، عقدنامه ها، ذخائر اطلاعتی انترنت مانند گوگل، ویکی پدیا، تویتر، فیسبوک و یوتیوب، اسناد شاروالیها، دوسیه های مراکز احصائوی، دوسیه های فارغان، محصلان، متعلمان و کارمندان، دوسیه های صحی شفاخانه ها و کلنیک ها، ثبت احوال نفوس، دوسیه های جنایی، مدنی و تجارتی و سایرمعلومات، اطلاعات و اسناد موجود در نهاد های مختلف.

زمانیکه محقق از این گونه مراجع، معلومات و اسناد در تحقیق خود استفاده میکند باید از معتبر بودن و موثق بودن آن اطمینان حاصل کند، جدید بودن و کهنه بودن آن را در تناسب با حدود تحقیق خود شناسایی نماید، چه در تحقیقات علمی، جدید بودن اطلاعات از اهمیت خاصی بر خوردار است ولی شده میتواند در برخی ساحات تحقیقی، کهنه بودن و قدیمی بودن مراجع، معلومات و اسناد نیز دارای وثوق و اعتماد بیشتر باشد مانند ساحات مربوط به منابع ومراجع دینی، باستان شناسی، تاریخ، آبدات، آثار قدیمی و غیره. و همچنان محقق باید حساسیتها و ملحوظات اخلاقی را نیز مد نظر داشته باشد.

استفاده از مراجع، معلومات و اسناد موجود در برخی موارد ممکن است نا قص بوده و نیازمندی تحقیق جاری را مرفوع ساخته نتواند، بعضا شاید قدیمی بودن اطلاعات از اعتبار تحقیق جاری بکاهد و یا اطلاعات به آسانی به دست نیامده و برخی ملحوظات اخلاقی و حساسیتها مانع دسترسی به آن شود.

اما با این همه عیوبی که دارد باز هم یک طریقه و وسیله آسانی است که با هزینه و وقت کم تر مورد استفاده قرار میگیرد و اگر یک تحقیق به صورت مکمل به روی آن استوار نگردد

على الاقل گفته ميتوانيم كه هيچ تحقيقى وجود ندارد كه به نتائج و معلومات تحقيقات گذشته نيازمند نباشد، در حقيقت هر محقق نتائج تحقيقى خود را با نتائج كار محققان قبلى مقائسه و مناقشه نموده و به نتيجه گيرى نهايى تحقيق خود ميرسد.

مصادر و مراجع موجود در ساحات مختلف علوم اسلامى:

درين مورد خوبست در ابتدا راجع به فرق بين مصادر و مراجع نظر دكتور شيلبى را درينجا ذكر كنيم: « يفرق العلماء بين مصدر "Source " وبين مرجع " Refernce " ، وعلى كل حال فالمصدر مرجع دون العكس ، وقد أثرت هنا أن أستعمل ما يميل إليه كثير من الباحثين في مثل موضوعنا هذا ، فعبرت عن المصدر بالمرجع الأصلي ، وعن المرجع " الحديث " بالمرجع الثانوي ، إبرازا للفرق بينهما ، وسنشرح ذلك بعد قليل... .

والمراجع الأصلية " المصادر " -وهي أقدم ما يحوى مادة عن موضوع ما- هي المراجع ذات القيمة في الرسائل ، ولذلك وجب الاعتماد عليها والرجوع إليها ، وكلما زاد استخدام المراجع الأصلية وكثرت الحقائق المستفادة منها كلما عظمتقيمة الرسائل ، وبخاصة إذا كانت هذه الحقائق وتلك المعلومات لم تصل لها يد من قبل ، ولم يسبق لأحد أن اقتبسها ، فالمراجع الأصلية إذن هي :

1- المخطوطات القيمة التي لم يسبق نشرها والتي تحوي معلومات لا توجد فيما نشر من كتب.

2- الوثائق " وسيأتي شيء من التفصيل عنها فيما بعد " .

3- مذكرات القادة والساسة عما يجري في الخفاء مما يعرفونه هم ولا يعرفه سواهم.

4- حيثيات الحكم المسببة للأحكام القضائية.

5- الخطابات الخاصة ذات الأهمية العامة.

6- اليوميات.

7- الدراسة الشخصية للأمكنة واللوحات التاريخية.

8- والأكثر ذيوعا هو الكتب على أن يكون مؤلفوها قد شاهدوا الفكرة التي هي موضوع الحديث ، وبهذا يكون الوصف وصف شاهد عيان ، ومن هذه الكتب في الدراسات الإسلامية كتاب " أخبار الراضي بالله أو تاريخ الدولة العباسية من سنة 322هـ إلى سنة 333 " الذي ألفه أبو بكر الصولي المتفوى سنة 335 ، وكذلك كتاب " المحاسن اليوسفية " الذي وضعه عن صلاح الدين " سكرتيره " ابن شداد ، ويدخل في هذا ما يكتبه المؤرخون المعاصرون مرتبطاً بما يشاهدونه من أحداث... . وتأتي بعد هذه الكتب المعاصرة، الكتب قريبة الصلة الزمنية بموضوع الكلام. . وكما يلاحظ الزمن يلاحظ المكان ، فيحسن بالطالب الذي يتحدث عن تاريخ مصر أن يعتمد -كلما أمكنه ذلك- على مؤرخ مصري كتب عن الحقبة التي يتحدث عنها ، فذلك أفضل من اعتماده على مؤرخ بغدادي معاصر له... .

أما المراجع الثانوية فهي المراجع التي أخذت مادة أصلية من مراجع متعددة ، وأخرجتها في ثوب آخر جديد ، فعلى الطالب -إذا وجد في المراجع الثانوية ما يلزمه- أن يعود للمراجع الأصلية لتحقيقه وأخذه منها ، وسيجد الطالب من تجاربه أن عودته للمراجع الأصلية للتحقيق ضرورية ، فبعض المراجع الثانوية تسيء فهم ما كتب في المراجع الأصلية ، أو أن المادة تلون في المراجع الثانوية بلون خاص يبعدها عن الفكرة التي سيقت لها في الأصل ، وكثيرا ما رأيت أنا مثل هذا ، ونبهت على بعضه». و هرچه منابع است بیشتر با مراجع مشابهت دارند چنانچه مآخذ بیشتر با مصادر نزدیک میباشند.

حالا بیاییم به اصل موضوع،در علوم اسلامی هرگاه تحقیق ما صرف جنبه توصیفی داشته باشد پس استفاده از مصادر و کتب مهم تراث و مراجع معتمد ذیل با تفکیک ساحات مختلفه علوم اسلامی از اهمیت زیادی برخورد است:

مصادر و مراجع معتمد در ساحه تفسیر و علوم قرآن:

تفاسیر قرآن به قرآن:

- تفسير القرآن العظيم تأليف أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير.
- أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن تأليف محمد الأمين الشنقيطي.

تفاسیر قرآن به سنت:

- تفسير القرآن العظيم تأليف أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير.
- تفسیر امام نسائی.
- الدر المنثور تأليف جلال الدين السيوطي(بزرگترین موسوعهٔ تفسیری).
- فتح القدير تأليف محمد بن علي الشوكاني.
- معالم التنزيل تأليف محيي السنة حسين بن مسعود البغوي.
- موسوعة التفسير الصحيح تأليف د. حكمت بشير.

تفاسیر مسنده:

- جامع البيان فی تأويل القرآن تأليف ابو جعفر محمد بن جرير طبری.
- تفسير القرآن العظيم تأليف ابن أبي حاتم الرازي.
- تفسير القرآن تأليف أبو بكر محمد بن إبراهيم بن المنذر.
- تفسیر عبد الرزاق صنعانی.
- تفسير سفيان بن سعيد بن مسروق الثوري.

مشهورترین مصادر و مراجع تفسیری:

تفاسیر جامع:

- انوار التنزيل فی آسرار التأويل تأليف البيضاوي.

- تفسير مفاتيح الغيب تاليف محمد بن عمر فخر الدين الرازي.
- روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني تاليف محمود الألوسي أبو الفضل.
- بحر العلوم تاليف أبو الليث نصر بن محمد السمرقندي الفقيه الحنفي.
- المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز تا ليف أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عطية الأندلسي.
- زاد المسير تأليف ابن الجوزي.
- مدارک التنزيل تأليف ابو عبد الله النسفی.

تفاسير لغوی و بلاغی:

- إرشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الكريم تاليف أبو السعود.
- تفسير البحر المحيط تاليف أبو حيان الأندلسی.
- الكشاف عن حقائق التنزيل تاليف أبو القاسم محمود بن عمر الزمخشري.
- التحرير والتنوير تاليف محمد الطاهر بن عاشور التونسي.

مصادر و مراجع مربوط به احكام القرآن:

- احكام القرآن تأليف ابو بكر جصاص حنفی.
- الجامع لأحكام القرآن تاليف أبو عبد الله محمد بن أحمد القرطبي.
- احكام القرآن تأليف امام بيهقی، شافعی.
- احكام القرآن تأليف الكيا هراسی شافعی.
- احكام القرآن تأليف ابو بكر جصاص.
- احكام القرآن تأليف ابو بكر بن العربی مالكی.

مراجع تفسیری معاصر:

- التفسير المنير تاليف د. وهبة بن مصطفى الزحيلي.
- التحرير والتنوير المعروف بتفسير ابن عاشور مؤلف محمد الطاهر بن عاشور التونسي.
- محاسن التأويل تاليف محمد جمال الدين القاسمي.
- أيسر التفاسير تاليف أبو بكر الجزائري.
- تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان تأليف عبد الرحمن بن ناصر بن السعدي.

مصادر و مراجع مربوط به تشريح مفردات و اعراب قرآن کریم:

- اعراب القرآن الكريم تأليف محى الدين الدرويش.
- إعراب القرآن تا ليف الزجاج.
- مفردات ألفاظ القرآن تاليف الحسين بن محمد بن المفضل الراغب الأصفهاني.
- كتاب أبي البقاء عبد الله بن الحسين العكبري.

مصادر و مراجع مربوط به قراءات و توجیهات تفسیری آن:

- المستنير فی تخريج القراءات المتواتره تأليف محمد سالم المحسن.
- الحجة للقراء السبعة تاليف الحسن بن أحمد أبو علي الفارسيّ.
- الدر المصون في علم الكتاب المكنون تاليف السميت الحلبی.
- التيسير فی القراءات السبع تاليف الامام أبو عمرو عثمان الداني.

مصادر و مراجع مربوط به اسباب نزول:

- باب النقول فی أسباب النزول تأليف امام جلال الدين سيوطی.
- اسباب نزول القرآن تأليف ابن الجوزی.

- اسباب نزول تألیف ابوالحسن على بن احمد واحدى.
- العجاب فى بيان الأسباب تأليف حافظ ابن حجر عسقلانى.
- اسباب نزول تأليف على بن المدينى.
- لالصحيح المسند من أسباب النزول تاليف شيخ مقبل بن هادى.

مصادر و مراجع مربوط به ناسخ و منسوخ قرآن كريم:

- ✓ الناسخ والمنسوخ تأليف ابوجعفراحمد بن اسماعيل نحاس(متوفای 338هـ).
- ✓ الناسخ والمنسوخ فى القرآن تأليف ابوعبيد قاسم بن سلام(متوفای 224هـ).
- ✓ نواسخ القرآن تأليف ابوالفرج على بن عبد الرحمن بن الجوزى(متوفای 597هـ).
- ✓ معرفة الناسخ والمنسوخ تاليف محمد بن احمد بن حزم (متوفای 320هـ).
- ✓ الناسخ والمنسوخ تأليف عبد القاهر بغدادى(متوفای 429 هـ).
- ✓ الايضاح لناسخ القرآن ومنسوخه تاليف مكى بن ابى طالب(متوفای 437هـ).
- ✓ الناسخ والمنسوخ فى كتاب الله تأليف قتاده بن دعامه از علمای تابعين.
- ✓ الناسخ والمنسوخ تاليف ابوداود سليمان بن اشعث سجستانى(متوفای 275هـ).
- ✓ الناسخ والمنسوخ فى القرآن از امام ابوبكر بن العربى(متوفای 543هـ).
- ✓ النسخ فى القرآن الكريم تاليف دكتور مصطفى زيد، معاصر.

مصادر و مراجع مربوط به علوم القرآن:

- البرهان فى علوم القرآن تأليف بدر الدين زركشى.
- المرشد الوجيز فيمايتعلق بالكتاب العزيز تأليف ابوشامه.
- فنون الأفنان فى عجائب علوم القرآن والمجتبى فى علوم تتعلق بالقرآن تأليف امام ابن الجوزى.
- جمال القراء تأليف علم الدين سخاوى.

- الفوز الکبیر تألیف: شاه ولی الله دهلوی.
- الاتقان فی علوم القرآن تألیف حافظ جلال الدین سیوطی.

مراجع معاصر مربوط به علوم القرآن:

- المدخل لدراسة القرآن الکریم تألیف شیخ محمد محمد ابوشهبه.
- مناهل العرفان فی علوم القرآن تألیف شیخ عبد العظیم.
- مباحث فی علوم القرآن تألیف دکتور صبحی الصالح.
- مباحث فی علوم القرآن تألیف دکتور مناع القطان.
- التبیان فی علوم القرآن تألیف شیخ طاهر جزایری.

ترجمه های مربوط به قرآن کریم:

- ترجمهٔ تفسیر نور.
- ترجمهٔ شاه ولی الله دهلوی.
- تفسیر عثمانی.

مصادر و مراجع معتمد در ساحه حدیث و علوم آن:

کتب صحاح در حدیث:

- صحیح البخاری.
- صحیح مسلم.
- صحیح ابن حبان.
- صحیح ابن خزیمه.
- سلسلة الأحادیث الصحیحة از شیخ البانی.

کتب مسانید در حدیث:

- مسند اسحاق بن راهویه.
- مسند ابو بکر بن ابی شیبه.
- مسند احمد بن حنبل.
- مسند بزار.
- مسند حمیدی.
- مسند ابو داود طیالیسی.

کتب مصنفات در حدیث:

- مصنف ابن ابی شیبه.
- مصنف عبد الرزاق بن همام.

کتب سنن در حدیث:

- سنن نسائی کبری.
- سنن نسائی (المجتبی).
- سنن ابو داود.
- سنن ترمذی.
- سنن ابن ماجه.
- سنن سعید بن منصور.
- سنن دارقطنی.
- سنن بیهقی.

کتب معاجم در حدیث:

- معجم اوسط از طبرانی.
- معجم کبیر از طبرانی.
- معجم صغیر از طبرانی.

مصادر و مراجع مهم حدیث احکام:

- بلوغ المرام از حافظ ابن حجر عسقلانی.
- الالمام باحادیث الاحکام.
- المحرر از ابن حافظ عبد الهادی.
- عمدة الاحکام از حافظ عبد الغنی مقدسی.

مصادر و مراجع مهم مربوط به تخریج احادیث:

- التلخیص الحبیر فی تخریج أحادیث شرح الوجیز الکبیر للرافعی، از حافظ احمد بن علی بن حجر العسقلانی (متوفی852هـ).
- نصب الرایة لأحادیث الهدایة تالیف عبد الله بن یوسف الزیلعی (متوفی762هـ).
- إرواء الغلیل في تخریج أحادیث منار السبیل.
- الدرایة فی تخریج أحادیث الهدایة از ابن حجر عسقلانی.

تبصره:

درین شکی نیست که وضع احادیث بی بنیاد بنام احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم از طرف وضاعین حدیث به کثرت وجود دارد و هم برخی اینگونه احادیث موضوعه در بین جامعه ما بنام احادیث صحیحه به شهرت فراوان نیز رسیده اند لذا در وقت نقل حدیث و تمسک به آن باید از احتیاط زیاد کار گرفته شود که آیا حدیث نقل شده حدیث صحیح ویا حسن است و یا ضعیف، مردود و وضعی است؟ طرق وصول آن به ما چگونه است؟ آیا راویان آن ثقه، عادل و حافظ اند؟ آیا علت و شذوذ در آن دیده نمیشود؟ از این قبیل سوالات

و از همه مهمتر اینکه آیا این حدیث در صحاح، سنن، مسانید و موطاءات روایت شده و یا خیر؟

در مورد تخریج احادیث همواره از کتب تخریج، کتب جرح و تعدیل، علم رجال و معجم های مفهرس احادیث استفاده به عمل می آید اما درین سالها با پیشرفت ساینس و تکنالوژی جدید امکانات زیادی از طریق استفاده از سایتهای انترنیتی، سی دی ها، سافتها و مکتبه های دیجیتال فراهم گردیده است که از جمله میتوان از مکتبه شامله نام برد، ویرژنهای جدید این مکتبه دارای کتب طبق مطبوع اند به این معنی که گویا شما در یک کتابخانه حقیقی قرار دارید و میخواهید کتب مختلف تمام ساحات علوم شرعی را از نزدیک ملاحظه کنید، استفاده از مکتبه شامله برای هر کس که کمی با کامپیوتر آشنایی داشته باشد میسر شده میتواند، و این کتابخانه امکانات زیادی را فراهم ساخته تا ما در وقت کم از کتب مطلوبه خود استفاده به عمل آوریم، و این کتابخانه در پهلوی سایر امکانات، امکان تخریج احادیث را به شیوه بسیار آسان نیز مساعد ساخته است، به این شیوه:

صفحه اساسی مکتبه شامله خود را باز کنید و در بالا دکمه بحث را که مانند یک دوربین است فشار دهید، به طرف راست وندویی که باز میشود نوشته شده: «ابحث عن جميع هذه العبارات» در خانه های خالی پایین آن یک کلمه کلیدی و یا چند کلمه کلیدی حدیث مطلوب را بنویسید طوریکه در هر خانه یک کلمه باشد، بعد در پهلوی چپ آن وندو به لست مجموعه های کتب بروید و در پایین لست، با مجموعه های کتب« مرقم آلیا » نوشته شده و شما درینجا متون الحديث را کلیک کنید که در پهلوی چپ آن لست تمام کتب متون حدیث ظاهر خواهد شد، و این همه کتب را انتخاب کنید، به این شیوه که در ذیل، دکمه «المجموعة كلها» را کلیک نموده و بعد پس به طرف چپ وندو رفته در وسط آن دکمه « تنفيذ البحث» را که این هم مانند دوربین شکل دارد را فشار دهید و منتظر بمانید تا بحث و جستجوی حدیث مطلوب شما در همه کتب متون حدیث پایان یابد، بعد از تکمیل بحث یا شما را اطلاع خواهد داد که حدیث مطلوب شما پیدا نشد، به این معنی که حدیث شما یک

حدیث معتبر نیست ویا اینکه حدیث شما پیدا شده وتمام کتب را با ابواب مربوطه آنها که حدیث مورد بحث در آن دیده شده در زیر وندو برای شما لست خواهد نمود و شما به هر کتاب و یا چند کتابی که علاقه دارید کلیک کرده تفصیل آن حدیث در آنجا قابل دریافت خواهد بود (رنگ نوشته حدیث مطلوب سبز خواهد بود مشروط بر اینکه شما از مکتبه شامله طبق مطبوع استفاده کرده باشید درغیر آن به رنگ سیاه مانند سایر احادیث خواهد بود و درین صورت دکمه تخریج نیز فعال نخواهد شد). اینکه شما صرف یک و یا چند کلمه کلیدی حدیث را در بحث داده اید شاید حدیث به عبارات متفاوت در کتب متون متفاوت حدیث برای شما لست شود، درین وقت شما کوشش کنید تا در بین کتب آن حدیثی را بیابید که متن آن با متن حدیث مورد نظر شما مطابقت دارد، حال که این حدیث را در کدام یکی از صحاح، سنن، مسانید و... یافتید آنرا کلیک و قابل دید سازید و درین وقت به بالای صفحه به قطار دکمه ها رفته در آنجا دکمه تخریج که حالا یقینا به شکل فعال در آمده بیابید که در بین آن سه خط به ملاحظه میرسد و وقتی کرسر به آن نزدیک شود تحت آن «تخریج» نوشته میشود، این دکمه را فشار دهید و ببینید که حدیث مطلوب شما در چند متن دیگر کتب حدیث نیز پیدا میشود؟ و یا پیدا نمیشود، درصورتی که در چند کتاب دیگر حدیث پیدا شد درین وقت کتاب اولی به طرف راست صفحه در یک چوکات قرار میگیرد و کتب دیگر نظر به انتخاب هر کدام به چپ صفحه قابل مشاهده میباشد. شما آن همه کتبی که حدیث مطلوب شما بعد از کلیک کردن دکمه تخریج در آنها دیده شده با نام، جزء، باب و رقم حدیث یاداشت کرده و در اثر تحقیقی خود در زیر صفحه در پاورقی بنوسید و خواننده اثر خود را از صحت حدیث نقل شده مطمئن سازید.

و اگر بخواهیم راویان آن حدیث را نیز بشناسیم، سال وفات، طبقه، رتبه های شان و اینکه کی ها برایشان راویت نموده اند، بدانیم، برای این منظور در همان صفحه کتاب حدیث نام هریک از راویان آن حدیث را سلیکت کرده، در بالا درقطار دگمه ها بعد از دگمه تخریج دکمه اول نه، دکمه دوم را که دکمه ترجمه و سوانح گفته میشود، فشار میدهیم و میبینیم که

در صفحه جداگانه تمام مشخصات آن راوی سلیکت شده در یک یا چند کتاب مربوط به اعلام، رواة، جرح و تعدیل حاضر ساخته میشود و در پایین بالای هر ماخذ کلیک کرده مشخصات آن راوی در آن ماخذ به روی صفحه می آید، و شاید به این نام در بین راویان با کمی تفاوت، چند نفر وجود داشته باشند، وشما صرف ترجمه و سوانح راوی مطلوب را نزد خود یاداشت میکنید. یاداشتهای شما غالبا شامل: اسم، طبقه، سال وفات، چه کسی برای او رایت کرده، رتبه او نزد ابن حجر، ذهبی و دیگران چگونه است؟ خواهد بود.

مختصرات: بخ، م، ت، س، ق، بالترتیب دلالت بر: البخاری، مسلم، ابو داود، الترمذی، النسائی، و ابن ماجه مینمایند. و زیر طبقه، معمولا طبقه صحابه، تابعین، تبع تابعین و... ذکر میگردد. و زیر رتبه، معمولا رتبه های راوی از حیث وثوق، عدل و حفظ مد نظر میباشد.

کتب مربوط به احادیث موضوعه و ضعیفه:

- المصنوع في معرفة الحديث الموضوع تاليف القاري، على بن سلطان الهروي.
- علل الحديث لابن أبي حاتم.
- اللآلي المصنوعة في الأحاديث الموضوعة تاليف جلال الدين السُّيوطي.
- الموضوعات، تاليف أبى الفرج عبدالرحمن بن على بن الجوزي القرشى 510 – 597.
- علل الترمذي الكبير.
- تلخيص كتاب الموضوعات لابن الجوزي تاليف شمس الدين الذهبى.
- تذكرة الموضوعات تاليف العلامة والحبر الفهامة السيد التكلان الاديب الفاضل محمد طاهر بن علي الهندي الفتني المتوفي سنة 986 هـ.
- الموضوعات، تاليف الحسن بن محمد الصغاني.

کتب شروح حدیث:

در علوم حدیث:

- التقريب والتيسير لمعرفة سنن البشير النذير في أصول الحديث تاليف ابن شرف النووي.
- التقييد والإيضاح تاليف زين الدين العراقي.
- الباعث الحثيث في اختصار علوم الحديث تاليف ابن كثير.
- فتح المغيث شرح ألفية الحديث تاليف شمس الدين محمد بن عبد الرحمن السخاوي.
- التقييد والإيضاح شرح مقدمة ابن الصلاح.
- تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي تاليف عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي.
- توضيح الأفكار لمعاني تنقيح الأنظار تاليف محمد بن إسماعيل الأمير الحسني الصنعاني.
- الكفاية في علم الرواية تاليف أحمد بن علي بن ثابت أبو بكر الخطيب البغدادي.

مصادر و مراجع مربوط به تراجم:

تراجم صحابه:

- التاريخ از امام ابن معین (متوفی233هـ).
- التاریخ الکبیر از امام بخاری.
- الطبقات الکبری تالیف امام ابن سعد (متوفی234هـ).

- تقریب التهذیب از حافظ ابن حجر عسقلانی.
- تهذیب التهذیب از حافظ ابن حجر عسقلانی (متوفی852هـ).
- التاریخ الصغیر از امام بخاری (متوفی261هـ).
- التاریخ از امام ابو زرعة دمشقی (متوفی281هـ).
- الجرح والتعدیل از ابن ابی حاتم رازی (متوفی327هـ).
- تهذیب الکمال فی أسماء الرجال از حافظ جمال الدین یوسف بن عبد الرحمن (متوفی742هـ).
- الکاشف فی معرفة من له روایة فی الکتب الستة از امام ذهبی (متوفی748هـ).

مصادر و مراجع مربوط به سیرت و تاریخ:

مصادر و مراجع مربوط به سیرت:

- قرآن کریم.
- کتب معتمد حدیث.
- سیرت ابن هشام.
- دلایل النبوة از بیهقی.
- الطبقات از ابن سعد.
- دلایل النبوة از ابو نعیم.
- زاد المعاد از ابن قیم.
- السيرة النبوية في ضوء الكتاب والسنة از محمد ابو شهبة.
- الرحيق المختوم از صفي الرحمن المباركفوري.
- الشفا از قاضی عیاض.
- السيرة النبوية الصحيحة از د. اکرم ضياء العمري.

مصادر و مراجع مربوط به تاریخ:

- تاریخ ابن جریر.
- البدایة و النهایة از ابن کثیر.
- الطبقات الکبری از ابن سعد.
- تاریخ ابن خلدون.
- الکامل از ابن اثیر.
- تاریخ محمود شاکر.

مصادر و مراجع معتمد در ساحه عقیده:

- ✓ الفقه الا کبر تالیف امام ابو حنیفه نعمان بن ثابت.
- ✓ الإیمان تألیف شیخ الاسلام امام ابن تیمیه (ت728 هـ).
- ✓ کتاب التو حید تألیف امام ابو عبد الله محمد بن اسماعیل البخاری(ت256هـ) در ضمن صحیح البخاری.
- ✓ العقیدة الطحاویة از امام ابو جعفر الطحاوی.
- ✓ شرح العقیدة الطحاویة تالیف ابی العز الحنفی.
- ✓ شرح العقیدة الطحاویة تالیف عبد المحی الشیخلی البغدادی.
- ✓ العقائد النسفیة تالیف امام عمر النسفی.
- ✓ شرح العقائد النسفیة تالیف علامه سعد الدین التفتازانی.
- ✓ النبراس شرح شرح العقائد النسفیة تالیف علامه عبد العزیز الفرهاری.
- ✓ شرح المقاصد تالیف علامه سعد الدین التفتازانی.
- ✓ الإیمان تألیف ابو عبید قاسم بن سلام الهروي.
- ✓ الإیمان تألیف ابو بکر بن ابی شیبه (ت235 هـ).
- ✓ شرح المواقف تالیف سید شریف الجرجانی.

- ✓ السنة تأليف عمرو بن أبي عاصم الضحاك الشيباني.
- ✓ المطالب العالية من علم الالهى تاليف فخر الدين الرازى.
- ✓ كتاب التوحيد تأليف امام ابو عبد الله محمد بن اسحاق بن منده (ت395هـ).
- ✓ السنة تأليف أحمد بن محمد بن هارون بن يزيد الخلال أبو بكر.
- ✓ السنة تأليف محمد بن نصر بن الحجاج المروزي أبو عبد الله.
- ✓ كتاب السنة تأ ليف امام عبد الله بن احمد بن محمد بن حنبل.
- ✓ الشريعة تأليف الإمام أبو بكر محمد بن الحسين الآجري.
- ✓ مذكرات التوحيد تاليف صالح موسى شرف.
- ✓ كتاب التوحيد تأ ليف امام ابو بكر محمد بن اسحاق بن خزيمه (ت311 هـ).
- ✓ العقيدة الواسطية تأ ليف شيخ الا سلام امام احمد بن عبد الحليم ابن تيميه.
- ✓ شرح اصول اعتقاد اهل السنة والجماعة تأليف امام ابو القاسم هبة الله بن الحسن اللالكائى.
- ✓ عتقاد الأئمة الأربعة تأليف محمد بن عبد الرحمن الخميس.
- ✓ اعتقاد أئمة الحديث تأليف أبو بكر أحمد بن إبراهيم الإسماعيلي.
- ✓ االرد على الجهمية تأليف عثمان بن سعيد دارمي.
- ✓ الله تاليف محمود عباس العقاد.
- ✓ العقيدة فى القران تاليف عبد السلام تونجى.
- ✓ الله يتجلى فى عصر العلم تاليف عبد المجيد سرحان.
- ✓ المختار من شرح البيجورى على الجوهرة تاليف شيخ ابراهيم البيجورى.
- ✓ الاسلام عقيدة و شريعة تاليف شيخ شلتوت.
- ✓ العقيدة الاسلامية- اركانها- حقائقها- مفسداتها تاليف مصطفى سعيد الخن و محى الدين ديب مستو.
- ✓ النبوة و الانبياء تاليف علامه محمد على صابونى.

- ✓ مع الانبياء فی القران الكريم تاليف عفيف عبد الفتاح طباره.
- ✓ الرسول تاليف سعيد حوی.

مصادر و مراجع مهم ساحه فقه و اصول آن:

مصادر و مراجع مهم فقه حنفی:

- o كتب امام محمد (الجامع الصغير، الجامع الكبير، السير الصغير، السير الكبير، المبسوط، الزيادات).
- o المبسوط لسرخسي.
- o الهداية شرح بداية المبتدي.
- o البحر الرائق شرح كنز الدقائق تأليف زين الدين ابن نجيم الحنفي.
- o حاشية رد المحتار تأليف ابن عابدين.
- o الاختيار لتعليل المختارتأليف عبد الله بن محمود بن مودود الموصلي الحنفي، مختصر بسيار مفيد.
- o الْأَشْبَاهُ وَالنَّظَائِرُ عَلَى مَذْهَبِ أَبِيْ حَنِيْفَةَ النُّعْمَانِتأليف الشَّيْخ زَيْنُ الْعَابِدِيْنَ بْنِ إِبْرَاهِيْمِ بْنِ نُجَيْمٍ (926-970هـ).
- o بدائع الصنائع في ترتيب الشرائعتأليفعلاء الدين الكاساني.
- o شرح فتح القدير تأليف كمال الدين محمد بن عبد الواحد السيواسي.

مصادر و مراجع مهم فقه مالكی:

- حاشية الدسوقي على الشرح الكبير.
- المدونة الكبرىتأليف ابن سحنون.
- شرح مختصر خليل للخرشي.

مصادر و مراجع مهم فقه شافعی:

- المجموع تأليف محي الدين النووي (ت676هـ).
- المنهاج تأليف محي الدين النووي (ت676هـ).
- السراج الوهاج على متن المنهاج تأليف محمد الزهري الغمراوي.
- روضة الطالبين وعمدة المفتين تأليف محي الدين النووي (ت676هـ).
- المهذب في فقه الإمام الشافعي تأليف إبراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي أبو إسحاق.

مصادر و مراجع مهم فقه حنبلی:

- المغني في فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيباني تأليف عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسي أبو محمد.
- زاد المستقنع تأليف موسى بن أحمد بن سالم المقدسي الحنبلي.
- الشرح الكبير از ابن قدامة.

مصادر و مراجع مهم فقه السنة:

- سبل السلام از صنعانی.
- تيسير العلام از عبد الرحمن بسام.
- توضيح الاحكام از عبدالرحمن بسام.
- نيل الاوطار از شوكانی.
- فقه السنة از سيد سابق.

مصادر و مراجع مهم فقه مقارن:

- الفقه الاسلامی و ادلته از د. وهبه زحيلی.
- بداية المجتهد از ابن رشد.

- الفقه على المذاهب الاربعة از الجزيرى.

مصادر و مراجع مهم اصول فقه:

- الإحكام في أصول الأحكام للآمدي.
- كنز الوصول الى معرفة الأصول از بزدوى.
- المنار از نسفى.
- إرشاد الفحول إلي تحقيق الحق من علم الأصول تاليف محمد بن علي بن محمد الشوكاني.
- الأحكام از ابن حزم.
- الرسالة از امام شافعى.
- اصول سرخسى.
- الإحكام في أصول الأحكام تاليف علي بن أحمد بن حزم الأندلسي أبو محمد.
- البحر المحيط في أصول الفقه تاليف بدر الدين محمد بن عبد الله بن بهادر الزركشي (المتوفى : 794هـ).
- البرهان في أصول الفقه تأليف عبد الملك بن عبد الله بن يوسف الجويني.
- التقرير والتحبير تأليف محمد بن محمد ابن أمير الحاج الحنبلي.
- المستصفى في علم الأصول تأليف محمد بن محمد الغزالي أبو حامد.
- الموافقات تأليف إبراهيم بن موسى بن محمد اللخمي الشاطبي.
- التوضيح على التنقيح تأليف عبيد الله بن مسعود بن تاج الشريعة.
- الفصول في الأصول تأليف الإمام أحمد بن علي الرازي الجصاص (305-370هـ).
- المدخل إلى مذهب الإمام أحمد بن حنبل تأليف عبد القادر بن بدران الدمشقي.

بطاقات يا كارتهاى ثبت مطالب مورد ضرورت:

زمانیکه کتابهای مورد ضرورت عنوان بحث خود را جمع آوری نمودیم با استفاده از فهرست مطالب، مراجع مطالب مورد نیاز خود را مرور نموده و در بطاقات و کارتهای که به اندازه نیم صفحه ای 4 تهیه میگردد نقل میکنیم، اگر مطلب ما، آیه کریمه، حدیث نبویه و یا کدام تعریف معروف و مطلب مهم دیگر است و ضرورت داریم تا بدون تغییر و تصرف کاپی شود پس خوبست آنرا در قوسین مخصوص نقل قول مستقیم، قرار دهیم ولی اگر میخواهیم صرف محتوی و مفهوم عمومی یک فقره، صفحه و یا یک عنوان را به عبارات خود تحریر نماییم درین صورت صرف ذکر مرجع ضروری است، البته ذکر تمام مشخصات مرجع در اخیر بطاقه حتمی میباشد. به همین ترتیب مطالب دیگر در کارتهای دیگر گنجانیده میشود و بعد این کارتها به ترتیب مطالب اثر مورد تحقیق، مرتب میگردد.

پیشنهاد کاربرد و استفاده از بطاقات برای بار اول در کتاب ارزشمند داکتر احمد شیلبی مصری که جدیدا از یکی از پوهنتونهای اروپایی فارغ التحصیل گردیده بود، دیده شد، این کتاب معروف وی که خلای کتابخانه آن وقت عرب را پر ساخت « کیف تکتب بحثا او رسالة » عنوان داشت که ما درین کتاب در برخی موارد نقل قول هایی از آن داشتیم. اما ناگفته نباید گذاشت که امروز در اثر خیرات تکنالوژی جدید اکثر محققین و نویسندگان با استفاده از کتابخانه های مجازی و آنلاین مرجع مورد ضرورت را به روی اسکرین کامپیوتر خود حاضر ساخته و در پهلوی آن صفحه مایکروسافت وورد را نیز باز کرده و هر دو صفحه را « ریستور دون » مینمایند و بعد مطالب مورد نیاز را از آن مرجع بطور مستقیم و یا مفهومی اخذ میکنند. اما با وجود این همه سهولتها استفاده از بطاقات نزد برخی محققان و نویسندگان تا هنوز هم از اهمیت خاصی برخوردار است.

2- مشاهده:

یکی از طریقه ها و وسائل گردآوری اطلاعات مشاهده است که توسط محقق صورت میگیرد، محقق از طریق حواس و ادراکات خود و به کمک ابزار های تکنالوژی معاصر ابعاد مختلف یک حادثه و یا گفتار، سلوک ومشخصات یک فرد یا گروه اجتماعی را مورد مشاهده قرار میدهد. او با نظرداشت هدف تحقیق طبق طرح قبلا تنظیم شده مشاهدات خود را دقیقا طور ثبت مینماید که اندازه صحت آن به آسانی سنجش شده بتواند.

محقق میتواند به تنهایی عمل مشاهده را انجام دهد به طور نمونه خود نتائج تطبیق یک دوای جدید را بر مریضان تحت معالجه اش از نزدیک مشاهده کند. و هم شده میتواند در کار مشاهده، خود حادثه را بدون مداخله مستقیمش ثبت نموده و یا هم بطور سری حوادث تحت مطالعه را ملاحظه کند، مانند مشاهده سلوک گروه مریضان عقلی در یک دارالمجانین و یا مشاهده چگونگی تدریس صنوف مختلف از مرکز کنترول یک پوهنحی. دربرخی تحقیقات به طور مقدماتی، مشاهده موضوع تحقیق صورت میگیرد و گاهی مشاهده برای غنامندی واعتبار دهی یک تحقیق انجام میشود و بعضا هم بطور مستقلانه طریقه و وسیله اصلی و اساسی گردآوری اطلاعات میباشد.

عیوبی که طریقه مشاهده با خود دارد قرار ذیل است:

1 -ممکن است علائق و گرایشات شخصی مشاهده کننده در نتایج تاثیر سوء داشته باشد.
2 -ممکن است نفس حضور مشاهده کننده در نتایج تاثیر سوء داشته باشد.
3 -ممکن است حالات محیطی خاص، وضع اخلاقی محیط و افراد در نتایج تاثیر داشته باشد.
4 -ممکن است اندازه توانایی مشاهده کننده و چگونگی ثبت مشاهده در نتایج تاثیر سوء داشته باشد.
5 -اگر جمعیت نمونه بزرگ مورد مشاهده باشد پس ایجاب مصارف و وقت زیاد را مینماید.

اما با وجود این همه عیوب، با این طریقه اگر جمعیت نمونه خورد تر باشد در وقت کم اطلاعات زیاد جمع آوری شده و میزان اعتبار دهی اطلاعات در درجه بلند تری قرار میگیرد، امکان سنجش میزان صحت اطلاعات با وسایل دیگر در این طریقه وجود داشته و تمام جوانب موضوع با جزئیات و فروعات برسی و مطالعه شده میتواند.

3- مصاحبه:

یکی از طریقه ها و وسائل جمع آوری اطلاعات مصاحبه است، در یک مصاحبه خوب و معیاری سوالات قبلا طراحی گردیده و مصاحبه از سوی مصاحبه کننده به طور مباشر و غیر مباشر انجام میشود، مصاحبه به روش های مختلف صورت گرفته میتواند و این روش ها بستگی به میزان جمعیت نمونه دارد که آیا مصاحبه کننده قصد دارد با یک جمعیت بزرگ مصاحبه را انجام دهد و یا با یک جمعیت متوسط و خورد.

اگر با جمعیت بزرگتر مصاحبه صورت میگیرد پس معمول به آنست که سوالات از قبل مشخص شده و شکل یک سوالنامه را به خود بگیرد و جنبه های مختلف را در بر داشته و هم سوالات طبقه بندی شده و به شکل بسته تهیه میگردد، مثلا مصاحبه با شهروندان کابل جهت بررسی نحوه نگرش مردم به معلولان درین شهر.

اما اگر جمعیت متوسط برای مصاحبه در نظر باشد از مصاحبه نیمه آزاد استفاده صورت میگیرد، سوالات بطور باز بوده و با رعایت ترتیب مشخص میگردد و زمینه جواب برای همه جمعیت بطور یکسان مساعد شده و نتایج آن سطحی و بیشتر کمی است تا کیفی و عمیق.

ولی اگر جمعیت خورد برای مصاحبه در نظر باشد، درین صورت از مصاحبه آزاد استفاده بعمل می آید، با اینکه محدوده سوالات، تعیین شده اما ترتیب و وقت مصاحبه از صلاحیت مصاحبه کننده میباشد، او میتواند در جریان مصاحبه از حدود قبلا تعیین شده بیرون شده و سوالات بیشتری مطرح کند، اطلاعات به دست آمده خیلی عمیق، طبیعی، واقعی و کیفی میباشد. برای اجرای مصاحبه موجودیت شرائط و حالات خاصی ضروری

بوده که به برخی آنها ذیلا اشاره میشود: مصاحبه کننده یک شخص مسلکی بوده و قبل از مصاحبه چگونگی اجرای آنرا وضاحت داده، اجازه و اعتماد مصاحبه شونده را به دست می آورد، اگر مصاحبه ویدیویی است و یا صدا در آن ثبت میشود پس اجازه قبلی از مصاحبه شونده حتمی است. مصاحبه کننده طریقه ترتیب سوالات را بلد بوده، به زبان مصاحبه شونده صحبت کرده، موقف اجتماعی اشخاص را در نظر گرفته، بدون دخالت تمایلات شخصی برای همه مصاحبه شونده گان شرایط یکسان را آماده مینماید.

طریقه مصاحبه با اینکه ناقص، پر مصرف و وقت گیر است و هم طبقه بندی و تحلیل اطلاعات در آن مشکل بوده و احتمال دخالت نظریات شخصی مصاحبه کننده در آن زیاد میباشد ولی با وجود این همه عیوب، خوبیهایی نیز دارد، از جمله در طریقه مصاحبه امکان وضاحت مفهوم سوالات وجود داشته، جوابات بیشتر در آن به دست آمده، و برای مریضان، کودکان و بی سوادان هم قابلیت استفاده وجود دارد.

4.سوالنامه:

یکی از طریقه ها و وسائل گرد آوری اطلاعات سوالنامه یا پرسش نامه است، سوالنامه بصورت کتبی تهیه شده و سوالات آن بطور منطقی ترتیب میگردد، سوالنامه معمولا در تحقیقات وسیعی که جمعیت عظیمی از مردم در آن دخیل باشند بکار گرفته میشود، سوالنامه به اساس نوع سوالات و چگونگی اجرای آن به دستجات متفاوت تقسیم میگردد. سوالنامه از لحاظ ماهیت سوالات دارای دوقسم ذیل میباشد:

1 - سوالنامه باز که در آن جواب دهنده بدون محدودیت جواب مورد نظرش را مینویسد و در نتیجه اطلاعات دقیق، معتبر و کامل بدست آمده ولی طبقه بندی، تجزیه و نتیجه گیری آن برای محقق دشوار میباشد.

2 - سوالنامه بسته که در آن سوالات بسته با جوابات احتمالی آن مطرح گردیده و جواب دهنده یکی از آن جوابات را انتخاب میکند، اطلاعات بدست آمده

از این نوع سوالنامه نسبت به سوالنامه باز، دقیق و کامل نبوده ولی طبقه بندی، تحلیل و نتیجه گیری آن برای محقق کاری است آسان سوالنامه از حیث چگونگی اجراء اقسام ذیل را در بر دارد:

1- سوالنامه مختلط با مصاحبه که در آن محقق بصورت مباشرسوالات را مطرح و جوابات آنرا در ورقه سوالنامه مینویسد.

2- سوالنامه خود ایفا که به دسترس شخص یا جمعیت داده شده و به سوالات آن از سوی شخص و جمعیت مورد پرسش جواب داده میشود.

3- سوالنامه پستی که از طریق پست به اشخاص مورد نظر فرستاده شده و بعد از تکمیل دوباره به محقق ارسال میگردد.

4-سوالنامه انترنیتی که از طریق ایمیل، فیسبوک وغیره ذرایع الکترانیکی به اشخاص ارسال گردیده، اشخاص مورد نظر جوابات خود را وارد سوالنامه کرده و دوباره آنرا به ادرس انترنیتی محقق میفرستند و این نحوه انترنیتی اجرای سوالنامه بصورت چشم گیری توسعه پیدا نموده است.

برای طرح سوالنامه معیاری رعایت امور ذیل حتمی میباشد:

a. سوالات قابل فهم و کوتاه بوده و عاری از اصطلاحات نا مانوس و زشت تحریر گردد.

b. سوالنامه مقدمه جذاب و روشن داشته و اهداف تحقیق در آن ذکر گردیده باشد.

c. هر سوال به یک مورد ارتباط داشته و ترتیب سوالات از مهم شروع و به اهم خاتمه یابد.

d. در یک سوالنامه از هر دو نوع سوالات باز و بسته استفاده شده میتواند مشروط بر اینکه برای سوالات بسته هم جوابات ممکن ارائه شده باشد.

با وجودی که استفاده از سوالنامه عیوبی دارد مانند: عدم درک مفهوم سوالات نزد همه، عدم علاقه مندی به ارائه جوابات، عدم امکان استفاده برای بی

سوادان وبعضا ارائه تصویرکاذب وغیرواقعی شخص توسط خودش. اما مزیت های آن بیشتر ازعیوب آن میباشد، مانند: ساده وارزان بودن، نبودن ضرورت به حضورمحقق، یکسان بودن شرایط دروقت اجرا، محرمیت نظریات افراد وتحلیل بیشترجوابات. وبالاخره یک سوال خوب ومعیاری دریک سوالنامه دارای صفات ذیل است:

1 - سوال طوری باشد که جواب دهنده آن را بداند.
2 - سوال طوری باشد که موضوع مورد نظر را اندازه گیری نموده بتواند.
3 - سوال به یک موضوع ارتباط داشته ومبهم نباشد.
4 - سوال به شخصیات افراد ارتباط نداشته ملحوظات اخلاقی وحساسیت های اجتماعی وفرهنگی در آن به دقت سنجیده شده باشد.

سوالنامه یکی از طریقه های کامیاب در مطالعات بزرگ بشمار رفته و اگر سوالات آن به صورت درست طبق پلانهای انکشافی مادی و معنوی تهیه و تنظیم گردد به یقین گفته میتوانیم که زمینه های بیشتر انکشاف، ترقی و مدنیت را در یک شهر، کشور، منطقه و جهان مساعد ساخته میتواند.

در سال 1387ش تعدادی از استادان پوهنحی های مختلف پوهنتون کابل مهمان انستیتیوت تحقیقاتی اندراگاندی واقع در شهر مومبای هندوستان بوده که نویسنده این سطور نیز شامل آنها بودم، در ضمن جروبحثها با محققان هندی معلوم شد که تحقیقات علمی درین کشور چگونه و به چه شیوه ای صورت میگیرد ودر نتیجه کشور هندوستان شایستگی وحق آنرا دارد که با داشتن این همه علماء ومحققان ورزیده در تمام ساحات علمی وفنی در جمع کشور های متمدن وپیشرفته جهان حساب شود. محققان هندی مثالها و نمونه های زیادی از تحقیقات شان را ارائه و توضیح نمودند، در ضمن این مثالها

یادی از نفوس شماری هندوستان کردند، نفوس شماری از نظر ما خیلی ساده و بسیط به نظر می آید ولی از نظر آنها این طور نیست. آنها گفتند ما در هر نفوس شماری که انجام میدهیم یک دیتای عظیمی از اطلاعات را بدست می آوریم و از آن در پالیسی های بزرگ ملی در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و عمرانی استفاده بعمل میاوریم. آنها گفتند: ما در هر نفوس شماری یک سوالنامه مفصل را تهیه و تنظیم میکنیم که بیشتر از هفتاد-هشتاد سوال را در بر داشته باشد، ضمن ارائه جوابات به این سوالات، ما به تمام جوانب و ابعاد زندگی و نیازمندی ها و توقعات شهروندان هندی خود پی برده و آن را در تهیه پالیسی های ملی خود در نظر میگیریم. برخی سوالات این سوالنامه که به ذهن بنده مانده است قرار ذیل میباشد:

سوالات در مورد تعداد زنان، مردان، اطفال، افراد بالاتر از سن 50 سال، میزان بی سوادی، تعلیمات ابتدائی، متوسط، ثانوی، لیسانس، ماستری، دوکتورا، میزان بیکاری، کار در ادارات دولتی، کار در موسسات غیر دولتی، کار آزاد، تشخیص حرفه ها، داشتن خانه شخصی یا کرایی، دسترسی به آب صحی، اندازه گیری وجود مشکلات صحی، معاینه، تست های ضروری صحی، تغذیه و سوء تغذیه، چگونگی سرکها، مواصلات، ترانسپورت، توقعات مردم از دولت در کدام ساحات و...و... .

حالا به سوالات ذیل پاسخ ارائه کنید:

1 - عنوان تحقیق خود را ذیلا بنویسید:

2 - طریقه های مشهور گرد آوری اطلاعات را صرف نام ببرید:

3 - محقق به خوبی میداند که برای اجرای تحقیقش از کدام طریقه گرد آوری اطلاعات استفاده کند، و شما کدام طریقه را برای گرد آوری اطلاعات مرتبط به تحقیق خود انتخاب نموده اید؟ و چرا؟

4 - اطلاعات و اسناد موجود که مورد استفاده محقق قرار میگیرد از کدام منابع بدست آورده میشود؟ صرف نام ببرید:

5 - طریقه مشاهده را توضیح، انواع، عیوب و مزیت های این طریقه را بیان کنید.

6 - مصاحبه را معرفی، انواع، عیوب و مزیت های آنرا شرح نمایید.

7 - سوالنامه چیست؟ اقسام آنرا از حیث ماهیت سوالات و از حیث چگونگی اجرا بیان داشته، عیوب و مزیتهای آنرا تحریر دارید.

8 - سوالاتی که در یک سوالنامه نفوس شماری هندی احتمالا مطرح میشود به اختصار ذکر کنید.

9 - از نظر شما یک سوالنامه معیاری چگونه تهیه و تنظیم میشود؟ در پنج سطر وضاحت دهید.

تحلیل و تفسیر اطلاعات:

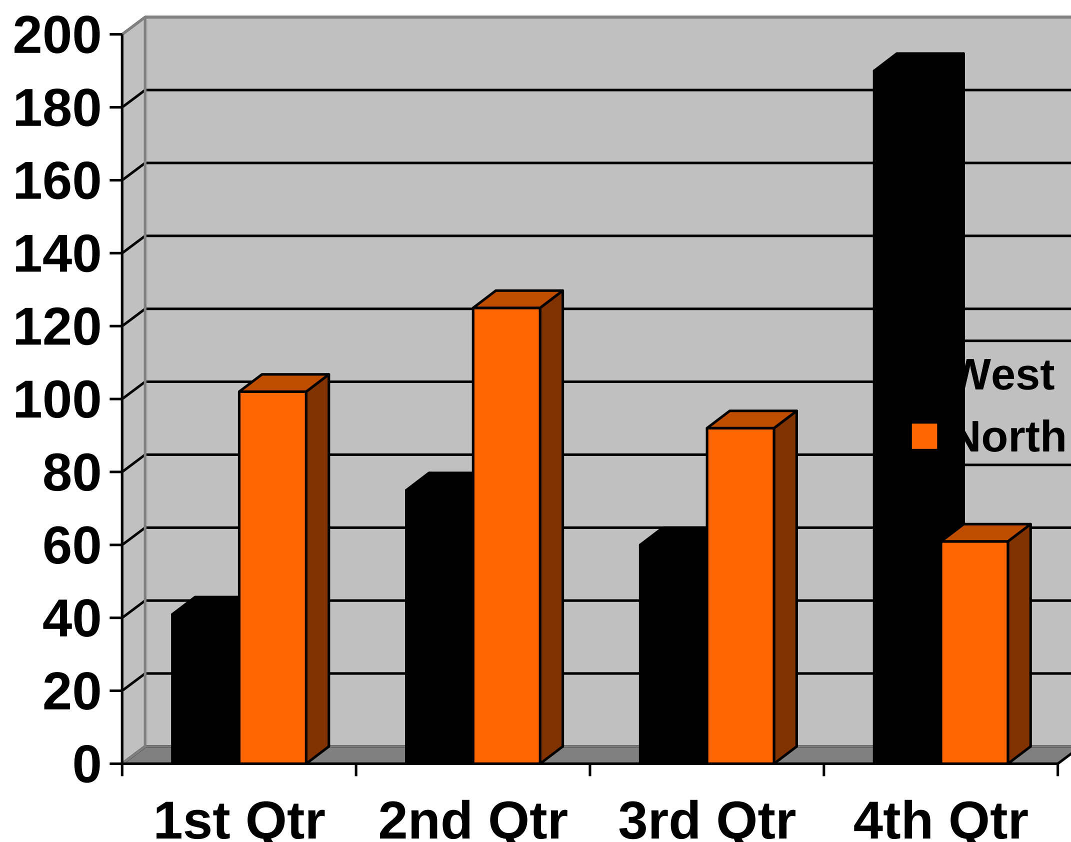
بعد از اینکه اطلاعات توسط یکی از طریقه ها و وسائل معمول، گردآوری شد لازم است تا به تحلیل و تفسیر آن اطلاعات پرداخته شود. اطلاعاتی که بدست می آید یا جنبه کمی دارد و یا جنبه کیفی که تحلیل، تفسیر و طبقه بندی اطلاعات دسته دوم مشکل میباشد. برای تحلیل و طبقه بندی اطلاعات معمولا درین اواخر از کمپیوتر کار گرفته میشود، درین مورد سافت های متعددی تهیه شده که از جمله سافت SPSS شهرت زیاد دارد.

اطلاعات بعد از جمع آوری و ثبت باید باز بینی شده و اشتباهات احتمالی آن اصلاح گردد، اگر تعدادی از سوالات بدون جواب مانده باشد باید تکمیل و اگر تداخلی در سوالات وجود دارد باید به اصلاح سوالنامه پرداخت.

بعد از آن باید گروه های مورد نظر از هم تفکیک شوند، مانند زنان، مردان، کودکان، کلان سالان، کار داران، بیکاران و ... و ... .

بعد از آن به تجزبه و تحلیل اطلاعات پرداخته میشود، تحلیل و نتیجه گیری از اطلاعات طی شاخصها، جداول، هیستوگرامها، گرافها، نمودارها و غیره صورت میگیرد.

در ذیل برای نشان دادن برخی آمار، مقادیر ومفاهیم، گرافها ودیاگرامهای مختلف بطور نمونه آورده شده است:



41 102 75 125 60 92 190 61

گرافهای فوق تعداد پاسخگویان رانشان میدهد

757 ÷ 100 × 41

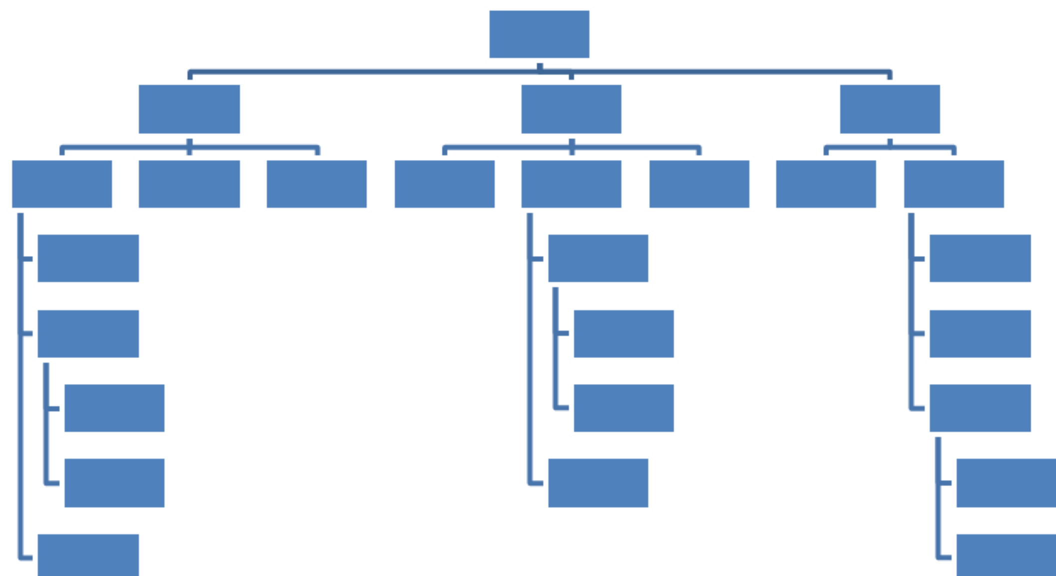
مضامین مورد علاقه محصلان صنوف چهارم پوهنحی شرعیات

مضمون	فراوانی	%
اصول فقه	41	5/5
تفسیر	102	13/7
عقاید	75	10/0
مضامین فقهی	125	16/8
منطق	60	8/0
تاریخ ادیان	92	12/3
مضامین حقوقی	192	25/5
سایر مضامین	61	8/2
جمع	746	100

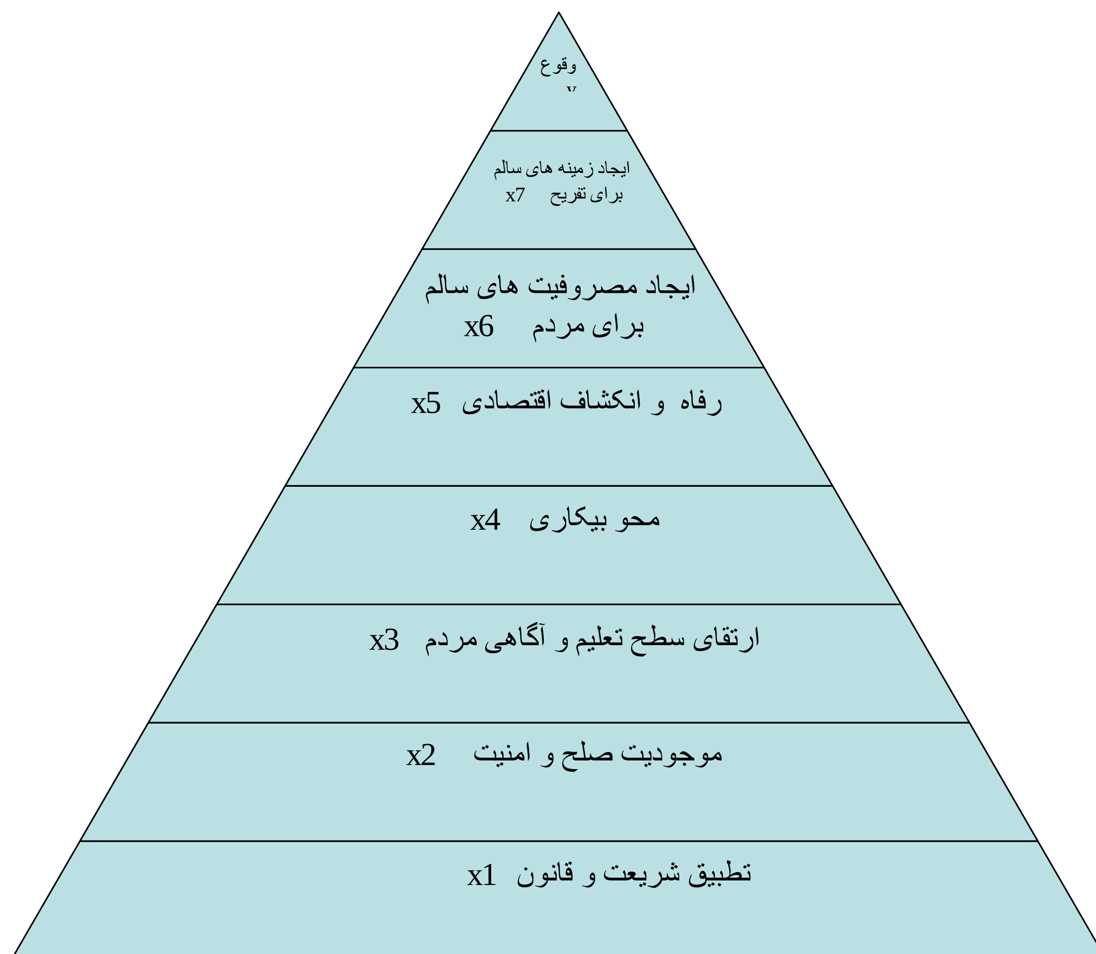
امتحان تحریری راه خوبی ارزیابی است

ارزیابی	فراوانی	%
کاملا موافق	254	34
موافق	201	27
بی نظر	119	16
مخالف	97	13
کاملا مخالف	75	10
جمع	746	100

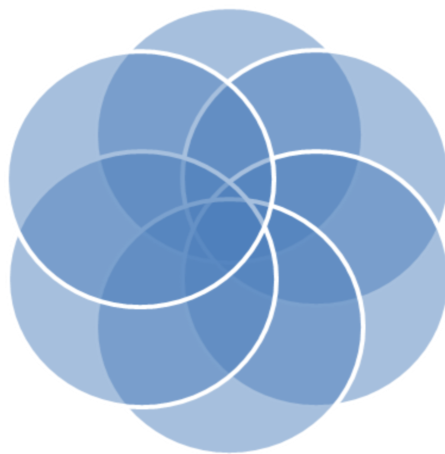
ارائه تقسیمات اولی، دومی، سومی و... و... اشیاء ومفاهیم توسط دیاگرام ذیل:



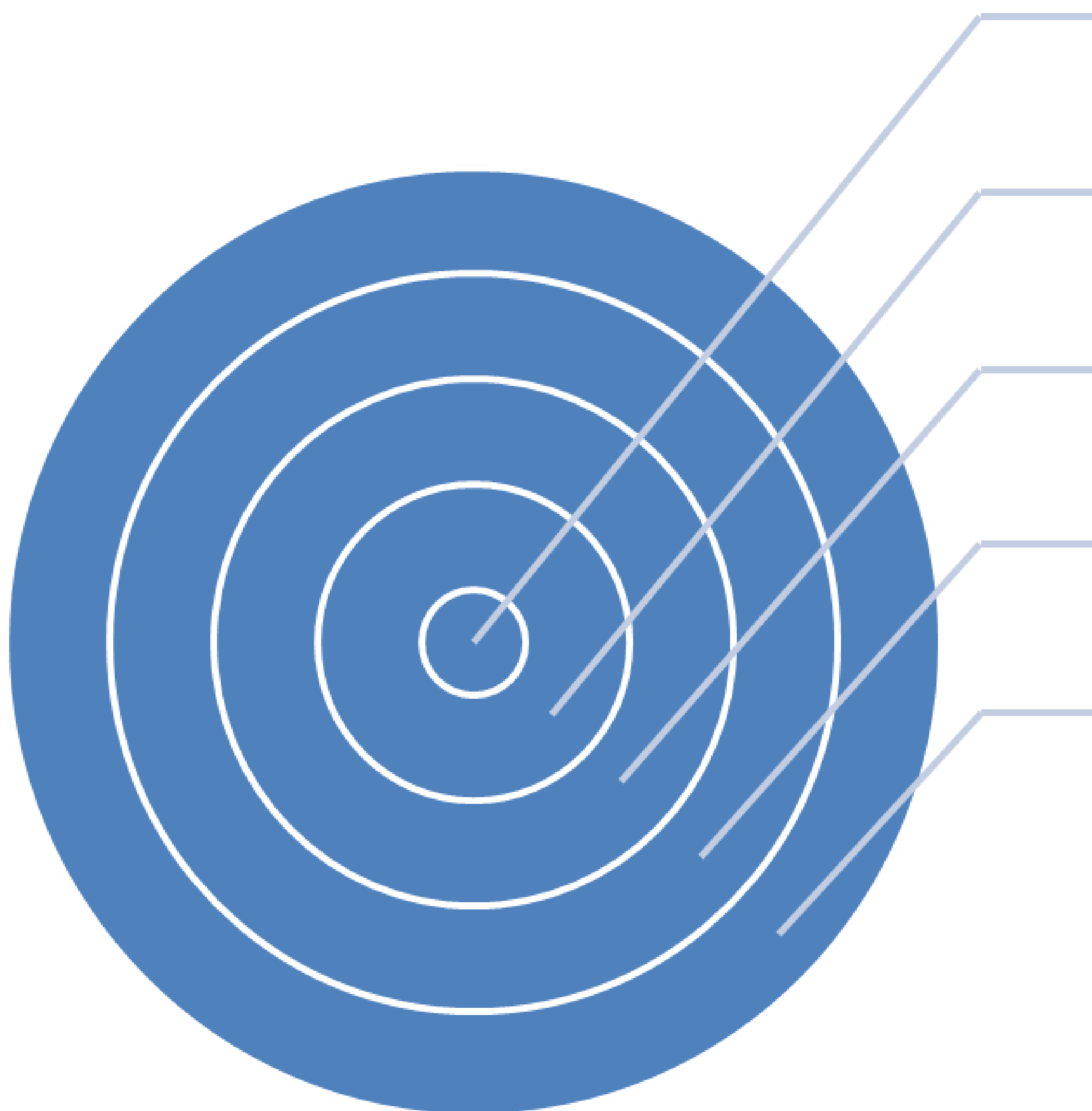
اشیاء با مقادیرو رنگهای متفاوت درمخروط ذیل ارائه گردیده ولی قابل یاد آوری است که در راس مخروط « وقوع جرایم » قرار دارد که یک متغیر وابسته است و به حرف Y نشان داده شده در حالیکه خانه های پایین مخروط هر کدام یک یک متغیر مستقل را احتوا کرده و به حرف X نشان داده شده است، اگر یک مخروط فرضی دیگری در پهلویش قرار گیرد این تناسب به طور معکوس تغییر خواهد نمود، یعنی ساحه وقوع جرایم وسیعتر و ساحه تطبیق شریعت و قانون تنگتر خواهد گردید.


وقوع
ایجاد زمینه های سالم
برای تفریح x7
ایجاد مصروفیت های سالم
برای مردم x6
رفاه و انکشاف اقتصادی x5
محو بیکاری x4
ارتقای سطح تعلیم و آگاهی مردم x3
موجودیت صلح و امنیت x2
تطبیق شریعت و قانون x1

ارائه اندازه های متداخل اشیاء در دیاگرام ذیل:



ارائه اشیاء با مقادیرورنگهای مختلف در دایره ذیل:



در مورد اطلاعات بدست آمده نباید با قاطعیت صحبت نمود بلکه با عبارات ذیل میتوان تعبیر کرد:
« از اطلاعات جمع آوری شده چنین معلوم میشود، اطلاعات چنین نشان میدهد، امکان دارد، چنین به نظر میرسد، میتوان این طور احتمال داد و یا حدس زد و سائر عبارت از این قبیل »، چه اطلاعات گرد آوری شده احتمالا واقعیت و یا انعکاسی از واقعیت است مانند یافتن اطلاع از تحصیل یک شخص که توسط خودش داده شود، یا گزارش از مشاهده یک حادثه که توسط مشاهد آن اطلاع داده شود.

برای تحلیل و تفسیر بهتر اطلاعات توجه به امور ذیل بیشتر کمک میکند:

- نوعیت اطلاعات معلوم گردد که پیوسته است یا گسسته. در اولی اجزاء، کسور عام واعشاری دارای معنی و مفهوم است، مانند وزن بدن، طول قد وغیره. اما در نوع دومی اطلاعات، موضوع برعکس است، مانند تعداد درختها، دندانها، معلمان، شاگردان و غیره.
- مقیاس اندازه گیری اطلاعات باید تشخیص و شناسایی شود که اسمی است یا رتبه ای ویاهم فاصله ای.
- باید معلوم گردد که اطلاعات از چند گروه تحت تحقیق حاصل شده است، مثلا تحقیق در مورد محصلان رشته فقه و قانون پوهنحی شرعیات و قضات فارغ شده از این رشته صورت گرفته باشد، در این تحقیق اطلاعات از دو گروه در یک مرحله بدست

آمده است. اما اگر تحقیق در مورد چگونگی موثریت تطبیق سیستم کریدت در پوهنحی شرعیات باشد و اطلاعات مورد ضرورت قبل از تطبیق آن سیستم و بعد از تطبیق آن سیستم جمع آوری گردد، پس درین تحقیق اطلاعات از یک گروه ولی در دو مرحله بدست آمده است.

- باید معلوم شود که در تحقیق چند متغیر مورد بررسی قرار گرفته؟ و اطلاعات از یک طرح چند متغیری بدست آمده؟ و یا از یک طرح دو متغیری و یک متغیری؟ (11: 58-55).

حالا عنوان تحقیق خود را در ذیل تحریر داشته و بعد سوالات مطروحه را جواب دهید.

1 - هدف مهم تحقیق خود را بنویسید.

2 - اطلاعات بدست آمده از نوع پیوسته است یا از نوع گسیسته؟

3 - در این تحقیق کدام مقیاس و واحد اندازه گیری اطلاعات را بکار می بندید؟ و چرا؟

4 - در تحقیق شما تعداد گروه های مورد تحقیق و مراحل گردآوری اطلاعات چگونه است؟

5 - در تحقیق شما چند متغیر مورد مطالعه قرار گرفته است؟

6 - آیا تحقیق شما تنها توصیفی است؟ ویا تنها تحلیلی و استنباطی؟ و یا هم هر دو نوع؟

7 - کدام گرافها، نمودارها، هیستوگرامها و جداول برای نمایش نتائج تحلیل اطلاعات تحقیق تان مورد استفاده قرار گرفته اند؟

ملحوظات اخلاقی تحقیق:

رعایت ملاحظات اخلاقی در هر تحقیق یک امر حتمی بوده که از ابتدا تا انتهای تحقیق این ملحوظات در نظر گرفته میشود، در هیچ تحقیقی نباید به دیگران ضرر برسد و اختیار آنها صدمه ببیند، این ملحوظات باید در مواردی چون انتشار نتائج، تشخیص بیماری شدید،

موضوعات ارثی و ژنیتیک، شخصیات و خصوصیات افراد و غیره در نظر گرفته شود.
درهر تحقیق 4 اصل اساسی در ارتباط به امور اخلاقی در نظر گرفته میشود: مفیدیت، احترام به فرد و اراده وی، عدالت، و عدم رساندن ضرر و اذیت به دیگران.

محقق با استفاده از برخی منابع میتواند اهمیت تحقیق خود را به دیگران بیان کند، او با دلائل نشان میدهد که نتائج تحقیق وی در کدام عرصه چه معلومات جدید را بدست داده وکدام پیشرفتها را در آن عرصه در پی خواهد داشت. او برای بیان اهمیت تحقیق خود میتواند از تجارب و معلومات مسلکی و فنی خود استفاده نموده و اهمیت تحقیق خود را مستدل سازد.

محقق در مورد تحقیق خود منابع و تحقیقات محققان قبلی را نیز مطالعه نموده و به خوبی میتواند برای تایید اهمیت تحقیق خود از آنها استفاده کند. و هم او میتواند دیتا، نتائج، مناقشات، احصائیه ها، نتیجه گیرهای نهایی و سفارشات محققان قبلی را در مورد اهمیت تحقیق خود تمسک کرده و به واسطه آن از اهمیت تحقیق خود حمایت کند.

محقق موارد استفاده و کاربرد نتائج تحقیق خود را نشان دهد وچگونگی استفاده از آنرا نیز توضیح کند، مورد کار برد شاید امور صحی باشد یا امور مربوط به تعلیم و تربیه، نظام عدلی و قضایی، جنگ، متارکه، صلح و آشتی، مواد مخدر و بیکاری، جامعه شناسی ، روانکاوی، آثار تاریخی و... و... باشد.

حالا فراغهای ذیل را خانه پری کنید:

- عنوان تحقیق خود را در ذیل با پنسل تحریر نمایید.

- نتائج تحقیق خود را بگونه ایکه با نتائج تحقیقات محققان قبلی تفاوت داشته باشد، بیان دارید.

- اهمیت نتائج تحقیق خود را توضیح کنید.

- این نتائج علاوه از ساحه مسلکی شما در کدام موارد دیگر نیز مشکلات را حل خواهد نمود؟ در صورت موجودیت، آن موارد را بنویسید.

- اگر تحقیق شما اجرا نگردد کدام مشکل کما کان باقی خواهد بود؟ و سبب ایجاد کدام مشکلات دیگر خواهد شد؟

- چند مورد بسیار جدید نتائج تحقیق خود را بطور مستدل بیان دارید.

بیان محدود یتهای تحقیق:

هر تحقیق که انجام میشود ممکن است محقق آن به برخی محدودیتها مواجه گردد که این محدودیتها تاثیر مستقیم بر فرضیه های تحقیق و نتائج متوقعه آن داشته باشد، برخی از این محدودیتها را محقق در جریان تحقیق تحت مراقبت و کنترول جدی خود قرار میدهد ولی برخی محدودیتها چنان آزاد و بی پروا اند که تحت مراقبت و کنترول محقق قرار نمیگیرند و کار خود را انجام میدهند، پس گفته میتوانیم که محدودیتهای تحقیق به دو نوع

اند: یکی آنکه تحت مراقبت و کنترول محقق قرار دارند و دیگری آنکه تحت مراقبت و کنترول محقق قرار ندارند، پس برای محقق لازم است تا در طرح تحقیق خود زیر دو عنوان جدا گانه این محدودیتها را بیان کند. ما در بحث « متغیر » از سه نوع متغیر نام بردیم: متغیر مستقل یا تاثیر گذار، متغیر وابسته یا تاثیرپذیر و متغیر نا خواسته و مزاحم. کار و عملکرد دو متغیر اول و دوم معلوم است که اولی حالت فاعلی و علی داشته و دومی حالت انفعالی و معلولی، و عملکرد این هر دو متغیر تحت کنترول محقق قرار دارد ولی آنچه که در جریان تحقیق، مشکل را ایجاد مینماید و بر نتائج متوقعه تحقیق اثر میگذارد عبارت از متغیرهای ناخواسته و مزاحم اند، مزاحمت این متغیرها بعضا تحت کنترول قرار داشته و اما در برخی حالات دیگر محقق قادر به کنترول آن نمیباشد، پس محقق در طرح تحقیق خود به هر دو نوع آنها با جملات بیانیه روشن و قابل فهم اشاره میکند و هم توضیح میدهد که این متغیرها برجمعیت نمونه، گردآوری اطلاعات و استنباط نتائج چگونه تاثیر وارد میکند و چرا؟ محقق نام و خصوصیات هر دو نوع محدودیت را ذکر، دلیل قائل شدن به آنها را بعنوان محدودیت بر نتائج تحقیق وضاحت داده امکان کنترول و یا عدم امکان کنترول آنرا با دلیل شرح میدهد (11: 67-69).

بطور مثال اگر عنوان موضوع تحقیق تان « تفریق در شریعت اسلامی و تعیین میزان تاثیر معلولیت شوهر بر آن در شهر کابل » باشد پس متغیر مستقل این موضوع « معلولیت شوهر» و متغیر وابسته این موضوع « تفریق » است. شاید محدود یتهای تحت کنترول تحقیق شما عبارت باشند از:

1- ضرریکه از ادامه رابطه زوجیت به زوجه عاید میشود.

2-عدم انفاق.

3- غیابت طولانی شوهر.

شما بعد از اجرای تحقیق میزان تاثیر معلولیت شوهر بر مساله تفریق را به عبارت « خیلی قوی » و فیصدی مثلا « 60 در صد » ارائه میکنید و برای متغیر و محدودیت اول

عبارت « قوی» و فیصدی مثلا « 20 در صد » و برای متغیر و محدودیت دوم عبارت « نسبتا قوی » و فیصدی مثلا « 12 در صد » و برای متغیر و محدودیت سوم عبارت « ضعیف » و فیصدی مثلا «8 در صد » را بکار میبرید.

شما فیصدی صد در صد را از یک متغیر مستقل و سه محدودیت تحت کنترول تکمیل نمودید، اما شما در جریان اجرای تحقیق خود به این مسأله هم پی بردید که متغیرها و عوامل دیگری نیز در شهر کابل وجود دارد که درین فیصدی باید جا داده شود که در حقیقت متغیر مستقل و سه محدودیت ذکر شده را یا تقویت کند مانند موجودیت متغیرهای مزاحم و محدودیتهای غیر قابل کنترول: « داشتن رابطه غیر مشروع جنسی شوهر با زنان دیگر، خشونت شوهر معلول بر زوجه، فقر بی اندازه شوهر معلول، نداشتن اولاد ازین شوهر، موجودیت امکانات خوب نزد زوجه برای ازدواج دیگر و...و...»، ویا متغیرها و محدودیتهای دیگر، متغیر مستقل و سه محدودیت ذکر شده را تضعیف نمایند و فیصدی آنها را پایین بیاورند، مانند موجودیت این متغیرهای مزاحم و محدودیتهای غیر قابل کنترول: « تاثیر عامل فرهنگی در عدم اقدام زوجه به تفریق، نام بدی داشتن دربین خویشاوندان، محل کار و...، عدم موجودیت امکانات بهتر زندگی نزد زوجه بعد از تفریق، احتمال وجود تهدید زوجه توسط شوهر بعد از تفریق، غلبه ترحم زوجه بر شوهرمعلول، هراس زوجه مبنی بر محرومیتش از اولادها و...و...».

این گونه محدودیتها را که در نتائج تحقیق تان تاثیر گذار بوده و سنجش میزان تاثیر آن نظر به عکس العمل های متفاوت اشخاص و خانواده ها نسبت به اینگونه عوامل از کنترول شما نیز بیرون است، شما میتوانید آنها را زیر عنوان « محدودیتهای خارج از کنترول محقق » تنظیم کنید و دلائل خود را نیز در زمینه ذکر نمایید.

تعریف اصطلاحات:

هر تحقیق در هر ساحه ایکه انجام میشود ناگذیر دارای برخی اصطلاحات مسلکی و فنی بوده که توضیح آن در طرح و بعد در گزارش تحقیق امر ضروری است، در گزارش

تحقیق معمولا این کار در بخش ضمائم صورت میگیرد. شما میدانید که بسیاری از اصطلاحات معانی و مفاهیم متفاوتی دارد، اگر معنی و مفهوم خاصی که محقق از یک اصطلاح در نظر دارد واضح نگردد شاید خواننده از آن اصطلاح معنی و مفهوم دیگری را استنباط کند که اصلا منظور محقق نباشد و یا نسبت بسیار مسلکی بودن اصطلاح خواننده ضرورت داشته باشد معنی و مفهوم آنرا بداند.

چون در تحریر گزارش تحقیق همیشه کوشش بعمل می آید تا بدون تعقیدات لفظی و معنوی صورت گیرد پس باید اصطلاحات مسلکی تحقیق از سوی محقق تعریف شود (11: 73-76).

محقق اگر از یک اصطلاح ابتدا تعریف نظری و بعد تعریف کار بردی و عملی را انجام میدهد در حقیقت به خواننده گزارش تحقیق، بیشتر کمک مینماید تا منظور محقق را در تمام قسمت های گزارش به آسانی درک کند. هدف از تعریف نظری آنست که محقق یک اصطلاح را به اصطلاحات و مفاهیم دیگر چنان تعریف میکند که توسط اهل مسلک تایید و در قاموسها و دائرة المعارف ها موجود باشد، و هدف از تعریف کار بردی و عملی آنست که محقق در آن، حدود و ساحه کاربرد یک متغیر را مشخص و معیار عملی و تجربی برای اندازه گیری آن متغیر را معین سازد، و این تعریف با کلمات واضح صورت گرفته که برای همه خوانندگان معنی آن یکسان بوده و برداشتهای متفاوتی از آن صورت نگیرد. تعریف کاربردی و عملی یک اصطلاح بر بنای تعریف نظری آن استوار است، بگونه مثال شما میخواهید برای اصطلاح و عبارت « آموزش وکیل مدافع جوان » هر دو تعریف نظری و عملی را درست کنید. تعریف نظری شما غالبا اینطور خواهد بود: « آموزش وکیل مدافع جوان عبارت از تعلیم وکیل مدافع جوان بر بنای ضرورت های وظیفه وی او میباشد » و بر اساس این تعریف، شما شاید تعریف عملی ذیل را در نظر بگیرید: « روی دست گرفتن یک پلان تعلیمی قبلا طرح شده برای وکلای مدافع جوان در

ظرف یک هفته با استفاده از امکانات اتاق محاکمه تمثیلی پوهنحی شرعیات بمنظور تمرین عملی مهارتهای مسلکی شغل وکالت دفاع ».

علاوه از تعریف نظری و عملی اصطلاحات مسلکی، برای محقق لازم است تا در تحریر گزارش تحقیق خود از اصطلاحات مسلکی یکسان استفاده بعمل آورد و در تمام قسمتهای گزارش اصطلاح قبلی را به اصطلاح دیگر تغییر ندهد، بگونه مثال در یک قسمت گزارش اصطلاح « متغیر مستقل » را به کار ببرد و در قسمت دیگر گزارش به عوض آن اصطلاح « متحول مستقل» را استفاده کند.

حالا شما توضیح دهید که گزارش تحقیق شما دارای اصطلاحات مسلکی است و یاخیر؟

اگر جواب شما بلی است پس لست آن اصطلاحات را تحت عنوان « ضمیمه شماره ...» ترتیب و این ضمیمه را در جنب سائر ضمائم تحقیق تان (اگر موجود باشند) قرار دهید.

در تحقیقات مربوط به علوم شرعی و قانونی ترتیب ضمائم به شکل ذیل مناسبتر است:

ضمیمه شماره 1

آیات کریمه قرآنی

ضمیمه شماره 2

احادیث نبوی (صلی الله علیه وسلم)

ضمیمه شماره 3

اصطلاحات مسلکی

ضمائم مربوط به اسمای رجال، اماکن و غیره (اگر ضروری پنداشته شوند).

در پایان به ارتباط تحریر گزارش تحقیق و تنظیم مطالب رساله ماستری گوشه ای از نوشته های دوکتور کمالی را با کمی تصرف ذیلا نقل میکنیم:

« تحریر گزارش تحقیق:

چنانچه بعد از اجرای تحقیق، یافته ها و نتایج آن گزارش نشود ، گويي اصولا تحقیقی صورت نگرفته است. از این رو نوشتن گزارش تحقیق و بطور خاص نوشتن مقاله تحقیقی در اولویت کار محقق است. در این میان وفادار ماندن به نتایج حاصله و ذکر منابع مورد استفاده اهمیتی دوچندان دارد.

اجزاي اصلي يك گزارش تحقيق عبارتند از:

- صفحه اول (روي جلد): شامل نام ، عنوان تحقيق ، مجري يا مجريان ، تاريخ اجرا.
- خلاصه یا چکیده (بین 200 تا 250 کلمه چهارحرفی): شامل مقدمه، هدف، پیشینه تاریخی موضوع، روش کار، نتائج و نتیجه گیری میباشد.
- فهرست مطالب. در گزارش تحقیق فهرست تفصیل ضرورت نبوده بلکه آوردن عناوین اساسی با صفحات مربوطه آن مناسبتر است.
- مقدمه: شامل بيان مسئله و پرابلم، اطلاعات زمينه اي، تحليل مسئله، اهداف تحقيق و اشاره به موضوعات مهم تحقيق شده.
- مرور بر بررسي ه اي قبلي.
- مواد، روش گرد آوري ، تجزيه و تحليل اطلاعات.
- يافته ها و نتايج: شامل آنچه از اجراي طرح تحقيقي بدست آمده است.
- مناقشه و نتيجه گيري: شامل مهمترين يافته ها، نكات قوت و ضعف تحقيق ، محدوديت ها و مشكلاتي كه در گردآوري وجود داشته است، اشاره كردن يا مقايسه نتيجه اين تحقيق با مطالعات ديگران و نتيجه گيري نهائي.
- پيشنهادات.
- فهرست مراجع.
- ضمائم (در صورت ضرورت).

اجزاي اصلي يك مقاله تحقيقي عبارتند از:

- عنوان مقاله، محقق و نهادی که محقق به آن وابسته است
- خلاصه
- مقدمه
- مواد وروش کار
- یافته ها
- مناقشه و نتيجه گيري
- فهرست مراجع

رساله پایان تحصیل ماستری و دکتورا:

پایان نامه یا تزس پایان تحصیل دوره ماستری و دکتورا گزارشی است جامع از تحقیق انجام شده توسط محصل در دوره تحصیلی. گزارش پایان نامه معمولا شبیه به گزارش تحقیق است که در بالا به آن اشاره کردیم. پوهنتونهای مختلف ساختارهای پیشنهادی متفاوتی را برای پایان نامه های محصلان خود در نظر میگیرند، هرچند این تفاوت ها بیشتر به سلیقه ها بر میگردد تا اختلاف در اصول. آنچه بیشتر متداول است ، طراحی پایان نامه در چهار یا پنج قسمت ذیل است:

- قسمت اول – طرح تحقیق
- قسمت دوم – مرور بر بررسي هاي گذشته
- قسمت سوم – روش تحقیق
- قسمت چهارم – نتایج
- قسمت پنجم– مناقشه و نتيجه گيري
- ضمایم یا پیوست ها در صورت لزوم دید

راهنماي تدوين رساله ماستری و دکتورا:

رساله خود را در قالب بخشهاي زير تدوين ميكنيم:

صفحات مقدماتي، متن اصلي و پيوستها

صفحات مقدماتي:

مشتمل بر اجزاي زير بوده که با حروف الفبای ابجدی شماره گذاري شده ودر صفحات مجزا به شرح زير نوشته مي شود:

الف- صفحة عنوان (تصویر کامل روی جلد رساله):[نشان پوهنتون مربوطه، نام پوهنتون، نام پوهنحی، رشته تحصیلی، عنوان رساله ، نام استاد راهنما، نام محقق، سال فراغت از تحصيل ، شماره ثبت].

ب- صفحات بسم الله...، اهداء، پيشگفتار:

ج- خلاصه: يك تا يك و نيم صفحه (250-150 کلمه چهارحرفی) را به خلاصه اي از مطالب رساله شامل بیان مسئله، هدف از اجرا ، روش كار، نتايج، مناقشه و نتيجه گيري نهايي اختصاص دهيم.

د- صفحه تأييد (درصورت لزوم دید) این صفحه به شکل ذیل طراحی میشود:

عنوان تزس: ....

اسم محقق: ....

تایید کننده ها: اسم و رتبه علمی امضاء

1.استاد رهنما: ....

2.مناقشه کننده ....

3.مناقشه کننده ....

ریاست .... از برحالی تایید کننده گان بحیث .... این نهاد تصدیق مینماید.

اسم رئیس.................. امضاء.............. مهر...........

هـ - فهرست مطالب : (شامل فهرست رئوس مطالبي است كه در متن اصلي آمده است ونبایدعناوین فرعی ذکر گردد).

و- فهرست جداول: (شامل شماره و عنوان جدولها).

ز- فهرست تصاوير و نمودارها: (شامل شماره و عنوان تصوير و نمودار).

ح - فهرست ضمائم و پيوستها: (شامل شماره و عنوان پيوست).

متن اصلي:

متن اصلي رساله **بر اساس طرح پيشنهادي** كه قبلاً تدوين و ارائه شده است، در قسمتهای زير تنظيم مي گردد:

قسمت1- مقدمه: شامل دو بخش بیان مسأله، و اهداف، فرضیات ویا سوالات است.

بيان مسأله: در اين قسمت موضوع مورد مطالعه را همراه با اطلاعات زمينه اي مستدل تعريف نموده، دلايل انتخاب موضوع و فوايد ناشي از اجراي تحقيق و كاربرد آن را به روشني توضيح ميدهيم.

اهداف، فرضيات ويا سوالات: اهداف اصلي و جزيي را به همان ترتيبي كه در پروپوزل ذكر شده تدوين می نماييم و در مطالعات تحليلي، فرضيات مورد آزمون را ارائه می دهيم.

قسمت 2- مروري بر متون : نتايج خلاصه اي از مطالعات انجام شده قبلي بر گرفته از منابع اطلاعاتي را با توجه به مسأله مورد تحقيق و اهداف مورد نظر به طور دقيق ، كامل و روشن با ذكر منابع می نويسيم.

قسمت 3- روش تحقيق : در اين قسمت موارد زير را بطور مفصل ارائه می نماييم:

- متغيرها(تعريف علمي و مقياس اندازه گيري).
- نوع مطالعه .
- جمعيت مورد مطالعه (تعريف جامعه مورد مطالعه، معيارهاي ورود و حذف، روش نمونه گيري ، حجم نمونه و شيوه محاسبه آن).
- روش جمع آوري اطلاعات (مكان و زمان انجام مطالعه).
- روش تجزيه و تحليل اطلاعات.
- مشكلات و محدوديتها.
- ملاحظات اخلاقي.

قسمت4- نتايج: در اين قسمت به عنوان داور بيطرف تنها بايد به ارائه نتايج و مقايسه آنها بر اساس اهداف و فرضيات تعيين شده بپردازيم. لازم است به نتيجه مقايسه و آزمونهاي آماري بر حسب نوع مطالعه و اهداف و فرضيات اشاره شود. اما نتيجه گيري نهايي و نحوة تعميم

اين نتايج و توجيه آنها به قسمت بعدي (بحث و نتيجه گيري) موكول مي شود. به طور كلي نتايج تحقيق به ترتيب زير سازماندهي و ارائه ميگردد:

- معرفي موارد مطالعه شده بر حسب متغيرهاي زمينه اي مورد نظر (مثلاً تركيب سني و جنسي گروه هاي مطالعه)، فراواني متغيرهاي مستقل در گروه هاي مطالعه (مثلاً درصد معتادين سگرت در هر گروه) .
- فراواني متغير وابسته بر حسب فراواني متغيرهاي مستقل و با توجه به مطالعه و اهداف (مثلاً فراواني سرفه مزمن در گروه معتادين و غيرمعتادين به سگرت).
- انجام و ارائه آزمونهاي آماري بر حسب نوع مطالعه ، اهداف و فرضيات.
- ارائه نتايج فوق در قالب متن، جدول و نمودار انجام مي گيرد.

متن: هرگاه بتوان با بيان ساده و غير رياضي با خواننده ارتباط برقرار نمود، نتايج بصورت متن ارائه مي شود. مثلاً اگر از 100 مريض، نيمي معتاد به سگرت و نيمي ديگر غيرمعتاد باشند همين اشاره كفايت مي كند و نيازي به تنظيم جدول و كشيدن نمودار نيست . متن نوشته شده در قسمت نتايج مي تواند شامل دو قسمت اطلاعات خودكفاي کتبی، شرح و نتيجه گيري از اطلاعات ارائه شده در جداول و نمودارها باشد. توجه به اين نكته ضروري است كه منظور از شرح اطلاعات، نتيجه كلي است كه خواننده بايستي از جدول و نمودار بگيرد.

جدول: اطلاعات آماري و داده هايي را كه بدليل حجم زياد نتوان در متن گنجانيد(و در صورت ارائه خواننده را گيچ خواهد كرد) بايستي دسته بندي و تنظيم نمود و در جدولهاي مناسب ارائه كرد. تنظيم يك جدول مناسب داراي قواعدي به شرح زير است:

1 - شماره و عنوان كامل در بالاي جدول (همراه با اشاره به جمعيت مورد مطالعه ، زمان و مكان).

2- قرار دادن متغير مورد نظر در اولين ستون و تعداد و درصد آن در ستونهاي بعدي (در جداول يك متغيره - مانند جدول شماره1):

جدول شماره 1- توزيع سني معلولان مراجعه كننده به مركز ارتوپدی فنی وزارت صحت عامه در سال 1389ش

گروه سني (سال)	تعداد	درصد
≤15	200	20
16-29	350	35
30-44	250	25
≥45	200	20
جمع	1000	100

3 - قرار دادن متغير مستقل در سطرهاي افقي و متغيرهاي وابسته در ستونهاي عمودي در جداول دو متغيره اي كه رابطه يك متغير مستقل را با يك متغير وابسته نشان مي دهد. (مثال: جدول شماره2)

جدول شماره2- توزيع فراواني طول مدت تداوی در مبتلايان به کمردرد مراجعه کننده به شفاخانه وزيراکبرخان بر حسب گروه سني در سال1389ش

سن برحسب سال	طول مدت درمان فیزیوتراپی			جمع
	0-5 جلسه	6-11 جلسه	بیشتر از 14 جلسه	
15-24				
25-34				
35≤				
جمع				

4- هر جدول بايستي داراي سطر و ستون جمع باشد.

5- محتواي جدول (عناوين سطرها و ستونها و ارقام مندرج و درصدها و...) واضح و با معني باشد. اگر به علت کمبود جای از علايم اختصاري استفاده مي شود، شرح اين علايم بايستي در زير جدول و با حروف ريزه تر آورده شود.

6- جداول فارسي از راست به چپ تنظيم شود.

7- در مورد نحوه دقيق طبقه بندي يك متغير در جدول نمي توان قانون كلي صادر کرد ولي عوامل مهمي كه در اين زمينه مورد توجه قرار مي گيرد عبارتند از:

- توجه به اين مطلب كه آيا طبقه بندي متغير به نوعي زمينهء علمي وابسته است يا خير؟ مثلاً براي سرخكان مي توان طبقات سني كمتر از 2 سال ، 2 تا 15 سال و بالاتر از 15 سال را داشت، در حاليكه در مورد بيماريهاي ايسكميك قلبي تنظيم طبقات سني به صورت كمتر از30، 30 تا 45 سال و بالاتر از45 منطقيتر است.
- اگر بخواهيم نتايج خود را با ديگران مقايسه كنيم در اين صورت بايستي طبقه بندي ما مطابق همان الگويي باشد كه زمينهء مقايسه ما است.
- تعداد طبقات نبايستي آنقدر كم باشد كـه بعضـي نتايج در آن گم شود . نه آنقـدر زيـاد كه تجزيه و تحليل را مشكل سازد.
- طبقه بندي متغير بايستي جامع و مانع باشد يعني هر مورد تحت مطالعه ، جايي براي خود داشته باشد و هر رقم در بيش از يك گروه نيايد.

تصوير و نمودار : هنگامي كه تفهيم اطلاعات بخاطر گستردگي، تنوع و يا برخي از ويژگيها(مثلاً روند تغييرات) توسط جدول مشكل باشد، نمودار به كمك ما مي آيد. قبل از انتخاب نمودار بايستي به اطلاعات نگاه كرد و نوع آنها را تشخيص داد و سپس مناسب ترين روش نمايش را انتخاب كرد.

قسمت5- مناقشه و نتيجه گيري كلي و پيشنهادات:

بحث و نتيجه گيري: در اين مبحث نتايج ارائه شده در قسمت قبل را مورد بحث قرار مى دهيم. از زياد يا كم بودن يك عامل در يك دسته بيماران چه نتيجه اي مي گيريم؟ چگونه آن را توجيه مي كنيم؟ تا چه حد در اثبات فرضيه (فرضيات)خود موفق بوده ايم؟ وجوه تشابه و تناقض يافته هاي ما با ساير مطالعات انجام شده در اين زمينه چه مي باشد و چگونه آنرا توجيه مي كنيم؟ با توجه به مجموعهء شواهد به چه نتيجهء كلي دست يافته ايم؟

نتيجه گيريها و بحثهاي ما مي تواند بر حسب گستردگي موضوع و تعداد متغيرهاي مورد بررسي بسيار مفصل يا محدود و مختصر باشد. به هر حال در اينجاست كه اطلاعات خود را درباره موضوع مورد تحقيق و مهارت خود را در تأمين ارتباط بين عوامل و تعميم نتايج به نمايش مي گذاريم.

در تدوين اين مبحث به نكات زير توجه فرماييد:

- تنها نتايجي مورد بحث قرار مي گيرند كه در قسمت يافته ها به آن اشاره شده است.
- مقايسه يافته ها با ساير مطالعات انجام شده و تعميم آنها به جامعه هدف با توجه به روش مطالعه و طراحي آن امكان پذير است.

پيشنهادات: اين قسمت را با توجه به نتايجي كه گرفته ايد در قالب اجزاي زير تدوين می نماييم.

- پيشنهادات در رابطه با بكارگيري يافته هاي تحقيق.
- پيشنهادات بر اساس زمينه هاي جديدي كه براي تحقيقات بعدي ايجاد شده است.

درمورد حجم کمی رساله ماستری، اصل اینست که مسأله مورد تحقیق بخوبی حل شده وحق موضوع به درستی اداء شود، ولی باز هم برخی پوهنتونها علاوه از رعایت اصل فوق شرط میگذارند که تعداد صفحات رساله ماستری درعلوم اجتماعی نباید کمتر از 150صفحه معیاری ودرعلوم طبیعی نباید کمتر از100 صفحه معیاری باشد. (یک صفحه معیاری250 کلمه چهار حرفی میباشد، وعلائم ترقیم نیز یک حرف محاسبه میشود) دکتور احمد شیلبی درکتاب خود این ارقام را یاد آوری میکند: «.
ليس هناك قانون يتدخل في حجم الرسالة في أكثر الجامعات ، ولكنه يوجد في بعضها ؛ ففي جامعة كمبردج مثلا يجب ألا تزيد رسالة الدكتوراه في التاريخ أو الأدب عن ستين

ألف كلمة " حوالي ثلاثمائة صفحة " .

ويختلف حجم الرسالة اختلافا واضحا باختلاف المادة التي كتبت فيها ؛ فالرسائل التي تعالج مشكلة علمية ، أو نظرية رياضية يطلب أن تكون صغيرة نسبيا، والعرف فيها أن يستكمل البحث ، عناصره وتجاربه وأدلته وأن ينتج رسالة في حجم مناسب بحيث لا تكون إلى المقال أقرب منها إلى الرسالة ، أما في الرسائل الأدبية فقد وضع العرف لها حدا تقريبيا ؛ فرسالة الماجستير يحسن أن تكون حوالي مائتي صفحة " أربعين ألف كلمة " ، ورسالة الدكتوراه يحسن أن تكون حوالي ثلاثمائة صفحة " ستين ألف كلمة " من الحجم المعروف في الرسائل.

والحجم فقط هو الذي يفرق بين الرسالة وبين المقال العلمي القديم الذي ينشر في مجلة علمية ، فكلاهما إنتاج رفيع ، ومساهمة ثقافية ، ومرجع يمكن أن يعتمد عليه الباحثون ، ولكن المقال العلمي لا ينظر إلى حجمه في حين يلاحظ الحجم إلى حد ما في الرسائل.

وقد لاحظت في الفترة الأخيرة تسابق الطلاب بمصر في مجال زيادة صفحات الرسائل ، وأشارت الصحف يوما إلى إحدى الرسائل بأنها تقع في ستمائة وخمسين صفحة ؛ وليس من الفخر في شيء أن تصبح الرسائل كمًّا ، فليرجع الطلاب إلى الحجم المناسب ، وليجعلوا تنافسهم في العمق والابتكار لا في الجمع والحشد ، وليتذكروا قول القائل وقد كتب لصديقه رسالة مسهبة : " كتبت إليك كل شيء مفصلا ؛ إذ ليس عندي وقت للاختصار " فمن الواضح أنك في الاختصار تحتاج إلى عمق وفكر بحيث تختبر كل شيء ، فلا تحشد كل ما يقابلك ، ولا تدع شيئا يتسرب للرسالة إلا إذا كان عميق الصلة بها ، وفي الوقت نفسه لا يفلت منك شيء مهم للرسالة ، وبودِّي أن يقف الأساتذة موقفا حازما يمنعون به هذا التضخم الذي لا يعني إلا عدم قدرة الطالب على حسن الاختبار والاختيار.

وهناك مقياس نضعه للطالب ؛ ليزن به عمله ؛ فالمعلومات الضرورية توضع في صلب الرسالة ، والمعلومات غير الضرورية تنحى عنها ، والمعلومات التي يتردد الطالب في

كونها ضرورية أو غير ضرورية توضع في الملاحق " آخر الرسالة " ، وحذار أن يرى الطالب كل شيء ضروريا ، فهو بذلك لا يجد النقد والاختيار».

فهرست مآخذ: ذکر مآخذ علاوه بر اعتبار بخشیدن به تحقیق انجام شده، نشانگر رعایت اخلاق تحقیق نیز مي باشد.

ضمائم:

درین قسمت تمام ضمایم اگر لازم دیده شود آورده میشود، مانند ضمیمه توضیح اصطلاحات، ضمیمه آیات قرآنی، ضمیمه احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم، اعلام، اماکن وغیره» (4).

ضرورت رعایت علامه گذاری در نوشتن گزارش تحقیق:

برای تهیه گزارش تحقیق لازم است تا در وقت نوشتن متن آن جمیع مقررات و اصول تنقیط، ترقیم و علامه گذاری رعایت گردد در غیر آن کسی به خواندن آن علاقه نشان نخواهد داد، برای اینکه یک اثر علمی و یا هر نوشتهٔ دیگری به شکل درست خوانده شده و برای خواننده در وقت خواندن آن سهولت ایجاد گردیده باشد لازم است از گذاشتن برخی علامات در جاهای مناسب هر متن استفاده بعمل آید، این علامه گذاری را در زبان دری بنام نقطه گذاری یا نشانه گذاری یاد کرده اند و در زبان عربی بنام های ذیل یاد گردیده است: علامات الوقف، اصول الترقیم یا اصول التنقیط. اینک ما در ذیل بطور مختصر برخی علامات مشهور وقف و درست خوانی را ذکر میکنیم:

نقطه / الوقفة / full stop (.) :

با این علامه، وقف کامل صورت میگیرد یعنی زمانیکه جمله بطورکلی ختم میشود این علامه گذاشته میشود، بعد از مخففات وشماره بندی مطالب نیز این علامه را میگذارند؛ مانند: کابل پایتخت افغانستان است. در سال1389 هـ . ش . ،1.   2.   3.

ویرگول / الفاصلة اوالفارزة / Comma / virgule (،) :

این علامه برای سکته و وقفه کوتاه بکار برده میشود و موارد گذاشتن آن قرار ذیل است:

- عبارات و جمله های غیر مستقلی که در حکم یک جملهٔ کامل باشند؛ مثل: کسی که اجتهاد کرد و به حق پیوست، برای او دو اجر است. و کسی که اجتهاد کرد و به خطاء رفت، برای او یک اجر است.
- در جاییکه چند اسم و کلمه تحت یک حکم قرار داشته باشند؛ مثل: زید، بکر، احمد و محمود از صنف بیرون شدند.
- بعد از بلی و نخیر نیز استعمال شده میتواند.
- در صورتی که احتمال خواندن یک کلمه به کسره اضافت باشد از ویرگول استفاده

میشود؛ مثل: شعر خوب چون مروارید، گرانبهاست.

سیمی کولن / الفاصلة المنقوطة / Semi colon (؛) :

با این علامه هم وقف و مکث صورت میگیرد، اندازه این وقف و مکث درازتر از اندازه وقف ویرگول و کوتاتر از اندازه وقف نقطه میباشد و در بین جملاتی گذاشته میشود که وقفه در بین آنها از موارد ویرگول بیشتر باشد؛ مثل: حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) فردی از بشر است؛ خداوند (جل جلاله) او را از بین خلقش برگذید؛ تا حامل آخرین رسالت سماوی باشد. این علامه قبل از کلماتی؛ مانند: اما، اینکه، چراکه، لیکن، زیرا، بلکه، به حیث مثال، مانند، مثل، مثلاً، ازین قرار و ... نیز استعمال میشود.

دو نقطهٔ شارحه / النقطتان العمودیتان / colons (:) :

از این علامه برای تشریح یک مطلب استفاده میشود؛ مثلاً قبل از نقل قول مستقیم؛ به این شکل: حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: « مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند».

این علامه بعد از عناوین کوچک کنار صفحه، بعد از لغتی که معنای آن در کنارش ذکر گردد و برخی موارد دیگر نیز استعمال میشود.

سه نقطه / علامة الحذف / deletion (...) :

زمانیکه میخواهیم از ذکر برخی مطالب در متن خود صرف نظر کنیم، در پایان آن سه نقطه را که بنام علامه انصراف هم یاد میشود، میگذاریم.

فاصله / الشرطة / Hyphen / Dash (_) :

این علامه بعد از شماره ها و یا حروف مسلسل ذکر میگردد؛ بطور مثال:

1- و یا الف-

2- ب-

3- ج-

4- د-

و در ابتدای موضوعاتی از هم جدا نیز گذاشته میشود؛ بطور ذیل:

–

–

–

وبعضا برای توضیح وتفسیر یک موضوع هم گذاشته میشود؛ مثلا: حضرت امام ابوحنیفه رحمه الله- فقیه بزرگ جهان اسلام است.

ممیز / الشرطة المائلة /oblique (/) :

این علامه معمولاً برای جدا کردن سنه های هـ. ق. ، هـ. ش. ، و میلادی بکار برده میشود؛ مثلاً: ابن رشد در سال 520 هـ. ق./ 1126م تولد و در سال 595 هـ. ق. / 1198م وفات نموده است.

قوس های ناخنک / الشولتان المزدوجتان /Parenthesis (» «) :

از این علامه برای اقتباس مطالب و نقل قولهای مستقیم، برای نشان دادن نامهای خاص اشیاء، جاها، اشخاص و برخی موارد دیگراستفاده میشود. وقتی که جمله با ناخنکها خاتمه

یابد نقطه به طرف داخل ناخنک گذاشته میشود ولی برخی به این نظر اند که گذاشتن نقطه بعد از ناخنک مناسبتر بوده و ناخنک را معنی دار میسازد.

هلالها / الهلالان / القوسان / parenthesis (( )) :

این علامه برای توضیح بیشتر کلمه و یا عبارت بکار میرود.

قلاب / القوسان المرکنان اوالمعقوفتان / Brackets ([ ]) :

این علامه برای ذکر جملهٔ معترضه، ارائه ملاحظه محقق و نویسنده و نشان دادن دساتیر اجرایی در یک نمایشنامه بکار گرفته میشود.

سوالیه / علامة الاستفهام /Question mark (؟) :

این علامه چنانچه به همه واضح است بعد از جمله سوالیه گذاشته میشود.

ندائیه / علامة الانفعال او التأثر او التعجب /Exclamation (!) :

این علامه بعد از جمله هایی گذاشته میشود که از حالات و انفعالات نفسانی تعبیر کند؛ مانند: خوشی، غم، تأسف، تعجب، خواهش، تهدید، استغاثه، نداء وغیره.

ستاره / star/ (*) :

این علامه برای مراجعه به پاورقی ، ایجاد فاصله بین دو مصرع یک بیت، قبل از عبارتهایی؛ مانند: یاد آوری، نکته، تنبیه، تذکر، وتوضیح استفاده میشود.

زمانیکه تمام قسمتها و جوانب رساله بطور معیاری و منهجی آماده و در نظر گرفته شد درین وقت رساله مرحله مناقشه خود را طی خواهد نمود، در جلسه مناقشه و کمیته های ارزیابی سه جانب (شکلیات، چگونگی اعمال روشهای معیاری تحقیق، محتوی و یافته های علمی) عمده آن مورد بحث و ارزیابی قرار میگیرد، چنانچه دکتور احمد شیلبی آنرا اینطور بیان کرده است:«...تشمل المناقشة عناصر الرسالة الثلاثة وهي :

1- الناحية الشكلية.

2- الناحية المنهجية.

3- الناحية الموضوعية " العلمية " .

ولا يستطيع باحث أن يقلل من أهمية أي عنصر من هذه العناصر الثلاثة :
فلا نزاع أن وقوع أخطاء نحوية ، أو إملائية ، أو عدم مراعاة علامات الترقيم ، أو الفقرات ، أو نحو ذلك ، لَمِمَّا يضعف قيمة الرسالة ، وما يتيح للمتحنين فرصة للهجوم على الطالب والتقليل من قيمة جهوده.

أما الناحية المنهجية فخطيرة جدا ، وينظر الممتحنون إلىالرسالة التي كثرت فيها المادة بدون نظام ، وتَعَمّقَ البحثُ بدون ترتيب نظرتَهم إلى محل تجاري كثرت السلع فيه ولكنها لم تنظم ولم يحسن عرضها ، فإذا طلبت شيئا ضل صاحبه عن الوصول إليه ، وإذا حاولت الحصول على السكر عثرت عليه وقد اختلط بالملح أو أوشك أن يختلط به. فحسن اختيار الموضوع ، والبراعة في الخطة التي وضعت لدراسته ، والنجاح في اختيار العناوين القوية الدقيقة ، وترابط الأبواب والفصول ، وحسن العرض ، كل هذا له شأن كبير في تقدير الرسالة ، والفضل في أي نقطة من هذه النقاط يثير على الطالب حملة قد تكون شديدة.. .

أما الناحية العلمية فهي الهدف الأساسي في الرسالة ؛ فالعمق في البحث ، وحسن الإحاطة ، ودقة النقد والمقارنة ، ووفرة المصادر ، والإسهام بحق في النهضة العلمية بما في الرسالة من جديد مفيد ، كل هذا يقلل كثيرا من الهجوم على الطالب.

فشرده مطالب اين اثر برای تهيه گزارش تحقيق:

تعريف اثر علمی- تحقيقی:

چنانچه در اوائل اين رساله هم تذكر رفت اثر علمی تحقيقی عبارت از آن اثريست كه مطابق اصول و روشهای معياری تحرير يافته و در يک ساحه خاص علمی نتايج و در يافتهای جديدی را در سطح ملی و يا بين المللی بدست دهد .

در مورد اثر علمی- تحقیقی در بند دهم ماده دوم مقرره حق الزحمه فعالیتهای علمی- تحقیقی و نشراتی مصوب سال 3182 چنین میخواهیم: « اثر علمی – تحقیقی به اثری گفته میشود که در یک موضوع خاص نظری یا عملی مطابق روشهای معیاری نوشته شده و واجد شرایط ذیل باشد :

1: مفکوره و نظر جدید را در مقیاس کشور ارائه نماید.

2: سبک و نگارش آن معیاری بوده و از اغلاط املایی و انشایی عاری باشد .

3: در نگارش آن طور عمده از منابع و مآخذ معتبر علمی استفاده شده باشد .

4: مقدمهء اثر علمی- تحقیقی باید دارای اوصاف ذیل باشد:

- طرح موضوع بصورت واضح با بیان ضرورت و هدف تحقیق .

- مشخص ساختن ساحه و حدود تحقیق نظربه ایجاب رشته .

- توضیح مواد و روش تحقیق با ذکر اجمالی از محتوای اثر در صورت لزوم.

5: تهیه متن اثر در رشته های مربوطه مطابق روشهای معمول و معیاری با داشتن جدولها، ارقام و احصایه ها، گرافها و نقشه ها در صورت لزوم .

6- نتیجه گیری علمی و تحلیل از کار تحقیق با تعیین ساحه استفاده علمی یا عملی یا هردوی آن .

7: تهیه فهرست مآخذ، مطابق به معیارهای پذیرفته شده علمی معاصر .

8: موجودیت ضمایم مربوطه در اخیر اثر در صورت لزوم .

9: تعریف و توضیح اصطلاحات در جاهای مناسب و گنجایش فهرست اصطلاحات علمی در اخیر اثر در صورت لزوم » (12: ماده 2).

یک اثر علمی- تحقیقی انعکاس دهنده نتایج و دریافتهای جدید و بکر در یک ساحه علمی است که با اسلوب قبول شده و معیاری نگارش یافته باشد. شرط های اساسی یک تحقیق علمی وجدید، بکر بودن موضوع و تحریر معیاری آن میباشد.

اثر علمی- تحقیقی عمدتاً دارای سه بخش عمدهء ذیل است:

1: مقدمه

2: تهیه متن اثر ورفع یک کمبود معین

3: نتایج و مناقشات

و اگر این سه قسمت را تنظیم بهتر کنیم ساختار یک اثر علمی- تحقیقی به شکل ذیل در می آید: عنوان موضوع، خلاصه اثر، مقدمه که حاوی شرح موضوع تحقیق، هدف، مواد و روش کار میباشد، پیشینهء تاریخی موضوع و مرورِی بر مراجع، مواد و روش کار، نتایج و یافته های کار، مناقشه، نتیجه گیری، سفارشات و فهرست مآخذ (5).

علاوه از بخشهای اساسی ذکر شده در یک اثر علمی-تحقیقی که به شکل یک کتاب تحریر می یابد تنظیم بخشهای فرعی ذیل درآن نیز ضروری میباشد: پیشگفتار و فهرست مطالب که این دوبخش با خلاصه اثر با حروف ابجدی[2] نشاندهی میشود ودر صورت ضرورت ضمایم نیز در اخیر اثر علمی- تحقیقی علاوه شده میتواند.

---

1. حروف ابجد بر بنای ترتیب حروف عبری و الفبای اولیه خط فنیقی تنظیم شده، حروف عربی29 حرف بوده که همزه و الف هر یک در حروف ابجد دارای قیمت1 است پس حروف ابجد دارای28 حرف زبان عربی به ترتیب زیر میباشد: «الف، ب، ج، د، ه، و، ز، ح، ط، ی، ک، ل، م، ن، س، ع، ف، ص، ق، ر، ش، ت، ث، خ، ذ، ض، ظ، غ». هر حرف ابجد دارای یک قیمت و ارزش عددی خاصی است که در جدول ذیل ارائه میگردد:

الف	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
١	٢	٣	۴	۵	۶	٧	٨	٩	١٠	٢٠	٣٠	۴٠	۵٠	۶٠	٧٠	٨٠	٩٠	١٠٠	٢٠٠	٣٠٠	۴٠٠	۵٠٠	۶٠٠	٧٠٠	٨٠٠	٩٠٠	١٠٠٠

برای آسانی کار این حروف را در هشت کلمه که گفته میشود نامهای فرزندان یک پادشاه قدیمی است در آورده اند، و این کلمات عبارت اند از: «اَبْجَدْ – هَوَّزْ - حُطّی - کَلَمَنْ - سَعْفَصْ - قَرَشَتْ - ثَخَذْ - ضَظِغْ».

زمانیکه بخواهیم یک کلمه، نام و یا یک جمله را به اساس حروف ابجد به اعداد نشان دهیم ارزشهای عددی حروف آنها را باهم جمع کرده و عدد به دست آمده نمایانگر آن کلمه، نام و یا جمله مطلوب میباشد. چنانچه نام الله را به عدد66 و بسم الله الرحمن الرحیم را به عدد786 نشان میدهند. در محاسبه حروف ابجد حرف مشدد یک حرف به حساب رفته چنانچه همزه (أ) و الف (ا) هر یک را به عدد١ حساب میکنند، حساب کلماتی همچون اله و رحمن از روی صورت مکتوب است؛ نه ملفوظ (الاه و رحمان). چون حروف ابجد حروف عربی اند بنا برآن حروف مخصوص زبان پشتو و یا دری در وقت ارزشیابی به حروف عربی تعدیل میشوند، به عنوان مثال حروف پ، گ، چ، ژ، ړ، ډ، ښ، بالترتیب به حروف ذیل عربی تعدیل گردیده ومحاسبه میشوند: ب، ک، ج، ز، ر، د، س.

از حروف ابجد برای مقاصد زیادی استفاده میشود که یکی از آنها کاربرد این حروف در شماره گذاری صفحات قبل از مقدمه کتابها است، اگر این صفحات بیشتر از 9 صفحه باشند در شماره گذاری آنها اکثر مولفین دچار مشکل و اشتباه شده و متردد میشوند از کدام حروف باقیمانده ابجد استفاده کنند، به جا این خواهد بود که آنها زمانیکه از« الف» تا « ی» صفحات خود را شماره گذاری کردند بعد از آن ترتیب حروف ابجد را رها کرده وشماره گذاری صفحات خود را اینطور ادامه دهند: یا، یب، یج، ید، یه، یو، یز، یح، یط، ک، کا، کب، کج، کد، والخ، چه حرف ی مساوی به عدد10 است وحرف بعد از ی، ک میباشد و ک دارای ارزش عددی20 است نه11 که مطلوب ما میباشد، پس برای نشان دادن عدد11 باید از دوحرف «یا» ابجد استفاده صورت گیرد که ی مساوی به10 و الف مساوی به 1 است که جمعا11 شده و این شماره مطلوب ما میباشد، و قس علی هذا.

صفحات کتاب از مقدمه الی آخرین صفحه اثر به اعداد 1،2و...و... نشانی میشود بنابر آن تمام بخشهای اصلی و فرعی یک اثر علمی – تحقیقی که بصورت یک کتاب تحریر مییابد به ترتیب ذیل تنظیم میشود: صفحه عنوان، پیشگفتار، خلاصه اثر، فهرست مطالب، مقدمه، پیشینه تاریخی موضوع و مروری برمراجع ، مواد و روش کار، نتایج و یافته های کار، مناقشه، نتیجه گیری، سفارشات، فهرست مآخذ و آوردن ضمایم در صورت ضرورت.

توضیح مختصر هر بخش:

1- صفحه عنوان:

در صفحه عنوان یک اثر علمی- تحقیقی معمولاً رابطهء محقق و اثرتحقیقی با یک دیپارتمنت، پوهنځی، پوهنتون و غیره نشان داده میشود و هم عنوان اثر، اسم محقق یا محققین و تاریخ تحقیق ذکر میگردد. در صفحه عنوان دو موضوع یکی عنوان اثرعلمی- تحقیقی و دیگری ترتیب نامهای محققین کمی به توضیح ضرورت دارد:

عنوان یک اثر علمی- تحقیقی مانند عنوان هر اثر دیگر باید به بسیار دقت انتخاب شود، انتخاب یک عنوان خوب اهمیت کار شما را بلند برده خوانندگان و علاقمندان زیادی را به مطالعه آن جلب میکند. شاید تا حال شما عناوین جالب و زیبای زیادی را دیده باشید و اگر وقت مطالعه تمام اثر مربوط را هم نیافته اید ولی آن عنوان برای همیشه در ذهن شما شکل بسته و علاقه مطالعه آنرا همیشه در وجود شما زنده نگهداشته است. عناوینیکه با مهارت مسلکی انتخاب میشود اشخاص بسیارکم علاقه را هم بسوی خود می کشاند.

2

در انتخاب یک عنوان کوشش بعمل آید تا بسیار دراز و دارای کلمات اضافی نباشد، این مقوله عربی« خیرالکلام ماقل ودل » شاید درهرسخنی مورد تطبیق داشته باشد ولی به نظر بنده یکی از مصادیق بسیار خوب آن در عنوان نیز بوده میتواند. عنوان باید از کلمات مانوس وآشنا تالیف یافته وبا دقت، کلمات متناسب با بهترین وجه محتوای اثر را بیان کند، درعنوان اگر از آوردن مخففات، قوسها وکلمات مبهم جلوگیری شود به مرغوبیت، زیبایی و رسایی آن کمک بیشترمیکند، طبیعی است که این مشخصات نه تنها درعناوین آثارعلمی– تحقیقی باید رعایت شود بلکه رعایت آن در همه عناوین امر ضروری است، درسال 1367 بنابر لزوم دید مقامات صالحه وقت تصمیم بر این شد که پوهنځی شرعیات پوهنتون کابل به پوهنتون اسلامی ارتقاء یابد تا درعرصه علوم اسلامی یک نمونه کامل در سطح کشورهای منطقه باشد، اقدام بسیار نیک بود ومصارف هنگفتی هم صورت گرفت ولی نام این پوهنتون بدون مشوره استادان پوهنځی شرعیات از طرف مقامات غیرمسلکی بالا انتخاب ودر یک لوحه برقی طویل وعریض برپیشانی آن نصب گردید. عنوان اینطور بود: « پوهنتون (جامعه) تحصیلات و تحقیقات علوم اسلامی » شما خود قضاوت کنید که آیا آوردن کلمه جامعه در این عنوان که در زبان عربی به پوهنتون گفته میشود ولی در ادبیات ما به هیچ وجه چنین معنی را نمیرساند کاری بجا و مناسب است؟ و یا هم آوردن کلمات تحصیلات و تحقیقات؟ که بدون شک یک پوهنتون از این دو امر خالی بوده نمیتواند.
موضوع دیگر ترتیب نامهای محققین است که یک تعداد در این ترتیب درجه های اکادمیک وعلمی را اعتبار داده درحالیکه تعداد دیگری طرفدار این امراند که هر محققیکه سهم بیشتر در کار تحقیق مشترک داشته مستحق آنست تا نامش اول ذکر شود ولو اینکه درجه علمی واکادمیک بلندتر را نداشته باشد.

2- پیشگفتار :

چنانچه از نامش معلوم است محقق درین بخش از موضوعاتی یاد آور میشود که ارتباط بسیار مسلکی و اکادمیک با موضوع اثر علمی- تحقیق ندارد ولی یادآوری آنرا پیش از هر چیز دیگرضروری میداند.

3- خلاصه اثر:

خلاصه کردن اثرعلمی- تحقیقی در کشورما چندان معمول نیست صرف بعضاً در آثارعلمی- تحقیقی کوچک که به شکل یک مقاله در یک مجله نشر میشود دیده میشود بهر صورت خلاصه کردن اثر، کار معقول و بجا است و یکتعداد زیاد محققین علاقه دارند تا خلاصه را در آخیر اثر جابجا کنند اما کار مفید و مناسب این خواهد بود تا خواننده راهرچه زودتر با نتایج و ماحصل کارخودآشنا سازند و خلاصه اثر خود را در اولین صفحه کتاب و یا مقاله خود بعد از پیشگفتار وفهرست مطالب جابجا کنند. طبیعی است که خلاصه اثر باید عصاره ای از محتویات اثر باشد که در آن به جریان تاریخی، موجودیت فعلی کمبود ومشکل و راه حل ها تماس حاصل شده باشد.

4- فهرست مطالب:

در ترتیب فهرست مطالب کدام مشکل خاصی وجود ندارد، ذکرعناوین قبل از فهرست مطالب، ضروری نمیباشد، طبیعی است که فهرست مطالب باید بعد از ختم و تایپ اثر ترتیب شود تا مشکلی در رقم گذاری صفحات بوجود نیاید، گرچه حالا برای تنظیم صفحات عناوین درکمپیوتر به شکل معیاری در یک فایل سهولت وجود دارد، به این معنی که در یک فایل هم اوراق بدون حروف ابجد و ارقام شمارش و هم اوراق دارای حروف ابجد وهم اوراقی دارای ارقام شمارش تنظیم میگردد درحالیکه در گذشته اینگونه اوراق در سه فایل جداگانه جابجا میشد.

5- مقدمه :

مقدمهء اثر علمی- تحقیقی یکی ازمهمترین بخش های آنست، در مقدمه باید راجع به موضوع مورد تحقیق معلومات مختصر داده شود. راجع به کار پیشینیان در این عرصه یادآوری کند، شاید کاریک محقق در یک ساحه معین یگانه کار اول او در ین ساحه نباشد.

در مقدمه کمبود و مشکلیکه در یک ساحهء معین وجود دارد باید مشخص شود و هم آنچه که در مورد رفع و حل کمبود و مشکل توسط محقق در اثر حاضر انجام شده ذکر گردد. در مقدمه باید مواد و روش کار توضیح شود و هم اینکه چرا محقق از روشهای مختلف، این چنین روش کار را مناسب دیده است. اکثر محققین ترجیح میدهند تا نتایج و دست آورد های کار خود را در مقدمه ذکر کنند و خواننده را ترغیب نمایند تا از چگونگی بدست آوردن این دریافتهای جدید با روش انتخاب شده مطلع شود.

طبیعی است که در ضمن این مطالب محقق اهداف معین خود را که از این تحقیق در نظر دارد توضیح میدهد.

نا گفته نماند که در آثار علمی - تحقیقی خصوصاً در تحقیق عملی، محقق علاوه از مقدمه در متن اثر نیز مواد و روش کار خود را به تفصیل بیان میکند.

جهت توضیح منظم مطالب ذکر شده، مقدمه باید دو عنوان کلی ذیل را در بر داشته باشد:

1 -ضرورت و هدف این تحقیق.

2- مواد و روش کار.

بعد از این دو عنوان محتوی اثر بطور اجمالی ذکر میشود در حالیکه قبل از آن عناوین، محقق موضوع تحقیق را بطور علمی طرح و بیان داشته، ساحه و حدود تحقیق را نظر به ایجاب رشته معین نمود ه است (11: ماده اول).

6- پیشینه تاریخی و مروری بر مراجع:

این قسمت اثر در صورتیکه تحقیق به شکل یک کتاب در آورده شده باشد بطور جداگانه تحریر میگردد و حتی برخی محققین، پیشینه تاریخی موضوع را جدا و مروری بر مراجع را جدا طی دو عنوان مینویسند. ولی اگر اثر علمی – تحقیقی به شکل یک مقاله برای نشر در یک مجله علمی تهیه شده باشد در آنصورت این عنوان جزء محتویات مقدمه شده میتواند، در هر دو صورت هدف از ترتیب این عنوان توضیح کافی در مورد سابقه موضوع مورد تحقیق است، در این عنوان محقق علاوه از توضیح سابقه موضوع و از اینکه محققان گذشته در زمینه چه دست آورد های داشته و چه آثار علمی- تحقیقی ایجاد نموده اند باید ضرورت ادامه کار آنانرا نیز وضاحت دهد و اینکه در این ساحه چه مشکل و کمبود وجود دارد که محققان متقدم موفق به حل و رفع آن نشده اند و یا مشکل و کمبود به اساس تقاضای زمان مطرح شده ویا هم وسایل و امکانات جدید زمینه آنرا مساعد ساخته تا مشکل و کمبود باقیمانده حل و رفع گردد که در گذشته نسبت نبودن آن امکانات حل و رفع نشده بود، این مشکل و کمبود مشخص توسط این محقق در این تحقیق حاضر رفع و حل میشود.

7- مواد و روش کار:

موادو روش کار نظر به موضوع تحقیق فرق میکند. اگر موضوع تحقیق موضوع عملی است در آن طبعاً از موادی نام برده میشود که در عملیه تحقیق از آن استفاده شده است و هم اندازه ها، روش تهیه و خصوصیات مواد مورد استفاده ذکر میشود، اشیاییکه موضوع تحقیق قرار میگیرند مانند انسان، حیوان، نبات و جماد نیز از مواد تحقیق بحساب رفته که باید تمام خصوصیات و کیفیات آن ذکر شود.

در موضوعات تحقیق عملی روش های تحقیق نسبت به مو ضوعات نظری محض متفاوت است. در یک تحقیق عملی محقق از چگونگی طرقی گذارش تهیه میکند که در اجرای عملیه تحقیقی بکار گرفته شده، تجزیه و ترکیب چگونه صورت گرفته، مشاهده تغییرات در

موضوع تحقیق با کار گیری عوامل مختلف چگونه است، تجربه چگونه انجام و تکرار شده میتواند، ارقام و احصائیه ها چگونه به دست می آید وغیره.
اما در موضوعات نظری مواد و روش کار فرق میکند درین گونه موضوعات مجالی برای صحبت کردن از مواد کیمیاوی، منابع و خصوصیات آن وجود ندارد و تجربه عملی خاصی هم اکثرا درکار نیست، در موضوعات تحقیقی نظری علاوه از قلم، کاغذ، کمره عکاسی، نقشه، گراف، جدول، اشکال، وسایل سمعی و بصری وغیره خود نظریات با اینکه مادی نیستند ولی بحیث مواد تحقیق از آن کار گرفته میشود، این نظریات را میتوان از کتب کلکشن ها، قاموسها، دایرة المعارفها، سایتهای انترنت، مصاحبه ها وغیره دریافت و برای حل و رفع مشکل و کمبود موجود در یک ساحه علمی نظری از آن کار گرفت و با نظر داشت مقتضیات عصر و ایجابات زمان، ارزشهای دینی وملی، تحول و پیشرفت، تحقق مصالح اجتماعی و فردی، حل منازعات ملی و بین المللی، استقرار امن و صلح، و بالاخره رفاه و آسایش انسان آنها را با هم مقایسه وتحلیل نموده گزینش و یا ارائه طرح جدید را بدست داد.
نا گفته نماند که در مقدمه اثر نیز« مواد وروش کار» معمولاً یک عنوان فرعی است که بطور بسیار موجز به توضیح آن پرداخته میشود. ولی آنچه که تحت کلیشه « مواد وروش کار» بحیث یک عنوان اصلی و اساسی بحث وتحریر میشود درحقیقت همه محتوی و جان مطلب را خصوصاً در ساحه تحقیق عملی تشکیل میدهد.

8- نتایج کار:

این بخش اثر علمی- تحقیقی شاید کوتاه ترین بخش ها باشد ولی از لحاظ اهمیت ازمهمترین بخش ها بشمار میرود، هر محقق چه در یک موضوع علمی نظری ویا در یک موضوع علمی عملی، سعی میکند تا این بخش را قسمی تنظیم کند که با انتخاب کلمات روشن و آشنا، ترکیب و بافت کلمات بدون تعقید لفظی و معنوی بتواند تمام دریافتهای جدید وما حصل کار خود را آنگونه ایکه در مقدمهء اثر وعده نموده است به خوانندگان گذارش دهد.

نتایج کار بطور خیلی مختصر بدون آن جزئیاتیکه در عنوان « مواد و روش کار» بحث شده تحریر میگردد. در برخی موضوعات ایجاب میکند که نتایج کار طی یک جدول ویا جداول متعدد ارائه شود (9: 15-16).

9- مناقشه:

مباحثه توآم با مدارک و شواهد در مورد نتایج کار تحقیق را میتوان مناقشه نام گذاشت، در یک مناقشهء خوب رابطه نتایج کار با اصول متعارف در زمینه بیان میشود ولی نتایج عیناً تکرارنمیشود و هم دریک مناقشهء خوب از استثناءاتیکه به اصول متعارف وارد میشود ذکر گردیده و نتایج بدست آمده فعلی با نتایج قبلاًبدست آمده مقایسه میشود چنانچه مواردیکه به بحث و پژوهش بیشتر نیاز دارد نیز معین میگردد. ارائه دلایل موافقین و مخالفین در یک مورد با ذکر نظر مستدل محقق نیز جزء محتویات مناقشه شده میتواند. اگر ذکر تکراری نتایج کار درمناقشه، کار مناسب نیست ولی توضیح بیشتر آن نتایج یکی از اجزای تشکیل دهنده مناقشه به حساب میرود.

10- نتیجه گیری:

اگر تحقیق علمی طی یک مقاله ارائه شده باشد عنوان مستقل برای « نتیجه گیری » ضرورنیست بلکه در اخیر مناقشه مطالب آن ذکر میگردد. در « نتیجه گیری » چنانچه از نامش پیدا است با استفاده از مواد و روش کار، نتایج و مناقشات، آخرین استنباطات محقق بطور مستدل ارائه میشود.

11- پیشنهادات:

در مقالات علمی- تحقیقی آوردن عنوان مستقل « پیشنهادات » حتمی نیست ولی اگر تحقیق یک موضوع طی یک کتاب ارائه وگذارش شده باشد پیشنهادات محقق تحت عنوان جداگانه

تنظیم میشود. دراین عنوان بخاطر انکشاف بهتر موضوع و حل و رفع مشکل و کمبود طرح شده پیشنهادات معین به سایر محققین و دست اندر کاران طرح میگردد وهم برای دیپارتمنت، پوهنځی، پوهنتون مربوطه و سایر مقامات ذیصلاح پیشنهادات ارائه شده میتواند(6).

12- فهرست مآخذ:

برای ساختن فهرست مآخذ شیوه ها و طرق مختلفی بکار برده میشود، این شیوه ها چنانچه در سطح کشور های مختلف جهان مختلف است با تاثیر پذیری ازآن در سطح مجامع نشراتی و اکادمیک کشورما نیز یکسان نبوده است.

در مجموع سه- چهار روش ذیل در همه جا خیلی معروف است:

یکی از روشها در زمینه اینست که نویسنده متن در یک صفحه اثر خود بطور مثال در سه جای از سه کتاب مختلف استفاده میکند و در بین قوسها (1)، 2 و 3 را مینویسد ودر ذیل صفحه بعد ازکشیدن خط به ترتیب، خصوصیات آن مآخذ را درج میکند که در کمپیوتر نیز برای تنظیم این طریقه سهولت فراهم شده است که با تغییر دادن سایز حروف و فا صله خطوط جاهای تعیین شده فوت نوتها تغییر نمیکند، این کار در هر صفحه به عین شکل با شماره های 1،2،3 و... تکرار میشود. ویا هم شماره های مسلسل دریک فصل تنظیم میشود وپاورقیها درهر صفحه و یا در اخیر فصل آورده میشود و یاهم این شماره های مسلسل پاورقی درهمه کتاب در نظر گرفته میشود یعنی شماره بطور مسلسل تا اخیر کتاب ادامه پیدا میکند و مطالب پاورقی درهر صفحه ویا در اخیر کتاب ذخیریه میگردد، که دکتور احمد شیلبی هم درکتاب خود به آن اینطور اشاره میکند: [3]. در پایین صفحه، مآخذ به این شکل تحریرمیگردد:

---

[3]. وهناك طرق ثلاث للترقيم بالهامش :
1- أهم هذه الطرق وأسهلها وأكثرها شيوعا هو وضع أرقام مستقلة لكل صفحة على حدة ، وهي تبدأ من رقم "1" ، وتوضع في أسفل كل صفحة هوامشها ، وسهولة هذه الطريقة واضحة فكل صفحة مستقلة بأرقامها ومراجعها وكل ما يتصل بها ، ومن السهل في هذه الحالة أن تحذف رقما أو تضيف بها ، ومن السهل في هذه الحالة أن تحذف رقما أو تضيف آخر بدون احتياج إلى إحداث أي تغيير في هوامش الصفحات الأخرى.
2- إعطاء رقم مسلسل متصل لكل فصل على حدة ويبدأ أيضا من "1" ويستمر إلى نهاية الفصل ، وإحداث أي تغيير بالحذف أو بالإضافة في الأرقام يستلزم تغيير ما بعده حتى نهاية الفصل وتوضع في أسفل كل صفحة هوامشها أو تجمع الهوامش كلها لتوضع في نهاية الفصل.

1: سید نور الحق کاوش (1369 ش) منطق ارسطو. کابل: مطبعهء وزارت تحصیلات عالی و مسلکی. ص: 26. و در زیر آن مآخذ دوم و سوم.

و در اخیر اثر تمام مآخذ به اساس ترتیب الفبای ابتثی حرف اول نام اخیر مولف بدون درنظر داشت الف و لام تعریف ترتیب و تنظیم و صفحات مربوطه ذکر نمیشود. ودر مآخذ خارجی نیز ترتیب الفبائی در نظر گرفته میشود بدون اینکه شماره مسلسل داده شود. این طریقه فهرست نویسی از نظر بنده بهترین طریقه آنست.

شیوه دیگر اینست که نویسنده متن در تمام صفحات اثرخود مآخذ را به ارقام 3،2،1 و....و... به ترتیبیکه استفاده شده، نامگذاری میکند و بدون اینکه مآخذ در پایین صفحه ذکر شود در اخیر اثر تحت عنوان « فهرست مآخذ به ترتیب تذکار» به طریقه ایکه در پایین صفحه ذکر میشد، تحریر میگردد. در آثار مشرح رقم این شماره اکثراً به صدها میرسد که روی این ملحوظ از این روش صرف در مقالات و آثار کوتاه استفاده میشود و کار برد آن در کتب مطول تقریباً متروک شده است. نا گفته نماند که در این شیوه برخی نویسندگان لست مرتب به ترتیب الفباء را نیز درست نموده و به تعقیب لست قبلی جا بجا میکنند و شمارهء مسلسل نمیدهند.

روش دیگر در زمینه این است که برخی اوقات نویسندهء متن در پیشبرد کارش خود را مستقل و متکی به خود میداند و از مآخذیکه استفاده به عمل میاورد خیلی جزئی و نا چیز میباشد و یا از مطالعه مآخذ صرف یک مفکوره عمومی را که منسوب به یک صفحه معین بوده نمیتواند، دریافت مینماید. او در پایان کار خود یک لست مآخذ را ترتیب و تحریر نموده بدون اینکه صفحات آن مآخذ را مشخص کند چنانچه این روش در برخی آثار مرحوم علامه صلاح الدین سلجوقی دانشمند شهیرکشور ما نیز بکار برده شده است.

3- إعطاء رقم مسلسل متصل للرسالة كلها ويبدأ من "1" كذلك ويستمر إلى نهاية الرسالة ، وإحداث أي تغيير بالحذف أو بالإضافة في الأرقام هنا يستلزم تغيير ما بعده حتى نهاية الرسالة وتوضع في أسفل كل صفحة هوامشها ، أو تجمع الهوامش كلها لتوضع في نهاية الرسالة.

روش معروف دیگر اینست که نویسنده در جریان صفحه نام مولف و سال نگارش مآخذ را بجای صرف یک رقم مینویسد بطورمثال: « الطنطاوی (1970) » ودر اخیر اثر لست مآخذ را به ترتیب الفباء تنظیم و تحریر مینماید.

اما روشیکه دراین اواخر طرفداران زیادی پیداکرده روش شماره به ترتیب الفباء است. نویسنده در اخیر اثر خود لست مآخذ را به ترتیب الفباء حرف اول نام اخیر مولف تنظیم و صفحات استفاده شده را در هر ماخذ ذکر میکند وبه لست، شماره مسلسل میدهد و در جریان نوشتن اثر در ضمن صفحات صرف شماره مسلسل ماخذ مربوطه را تحریر میکند. برخی نویسندگان جهت رفع ابهام در تنظیم صفحات و اینکه کدام صفحه مأخذ در کدام صفحه اثر استفاده شده، صفحات استفاده شده مأخذ را بعد از رقم مربوطه مأخذ در صفحه مینویسند، به گونه مثال: (3: 46) که در این صورت صفحات در لست مآخذ تکرار نوشته نمیشود.

اگر آثار به زبان های مختلف در لست مآخذ وجود داشته باشد در این صورت ابتدا لست مآخذ زبانی به ترتیب الفباء و شماره درست میشود که تعداد مآخذ آن بیشتر باشد وبه تعقیب آن لست مآخذ زبانهای دیگر ملحق ساخته میشود بدون آنکه شماره آن از سر گرفته شود.

چند مثال از مآخذ مختلف برای نوشتن فهرست مآخذ:

اول- مآخذ بزبانهای داخلی:

1- کتاب به حیث مأخذ:

اول تخلص و یا نام فامیلی مولف نوشته میشود- بعد از آن ویرگل – بعد نام اصلی مولف- بعد سال نشر بین قوسین با تفکیک ش و یا ق در سنه هجری- بعد نام کتاب و زیر آن خط - بعد نقطه- بعد جلد – بعد نقطه- بعد مترجم- بعد نقطه – بعد نام مترجم به ترتیب عادی – بعد نقطه – بعد محل نشر- بعد شارحه – بعد بنگاه نشراتی – بعد نقطه -بعد صفحات استفاده شده (در صورتیکه در متن اثر ذکر نشده باشد) بعد نقطه.

مثال: دولاندلن، ش (1382 ش) تاریخ جهانی. ج اول. مترجم. احمد بهمنش. تهران: دانشگاه تهران. ص ص: 25-70،34،28-74.

الف- کتابیکه دو و یا سه مولف دارد:

صرف تخلص ویا نام فامیلی مولف اول در اول ذکر میشود- بعد ویرگل- بعد نام اصلی مولف اول تحریر میگردد- بعد ویرگل- بعد نام مولف دوم- بعد نام مولف سوم به ترتیب عادی نوشته میشود.

مثال: خرم، محمد علم، سخی احمد ناآرام و عباس قلی فهیم (1343ش) نیازمندی های جوامع در حال رشد. تهران: چاپخانه طوسی. ص:16 .

و اگر مولفین کتاب بیشتر ازسه نفر باشند دراین صورت تخلص ویا نام فامیلی مولف اول، در ابتدا ذکر میشود- بعد ویرگل – بعد نام اصلی مولف اول – بعد افاده (و دیگران) بکار برده میشود.

مثال: فدایی، ضیاء احمد و دیگران(1343ش) فیزیکل ساینس . کابل: موسسهء تعلیم و تربیه. ص ص : 14 ، 25 ، 40 ، 75- 79 .

ب- کتابیکه سال تالیف آن معلوم نباشد:

در این صورت بین قوسین مخففات عبارت (بدون تاریخ)تحریر میشود (ب ت).

مثال: البغدادی، ابومنصور عبدالقادر (ب ت) الفرق بین الفرق تهران. ص:25.

ج- کتابیکه مولف آن نا معلوم باشد:

در این صورت بجای نام مولف یک خط به طول یک انچ کشیده میشود.

مثال:---- (1336 ش) حدود العالم من المشرق الی المغرب. کابل : مطبعهء دولتی. ص: 41 .

هرگاه کتاب، چاپ دوم ، سوم و--- و--- داشته باشد در این صورت چاپ دوم یا چاپ سوم و... و... بعد از ذکر نام کتاب تحریر میشود.

هر گاه نام مولف غلط تحریر شده باشد و ذکر نام اصلی او مطلوب باشد، در این صورت اول نام غیر اصلی تحریر و بعد نام اصلی مولف دربین قوسین نوشته میشود.

مثال: نور گل (محمد کاظم) 1948. دهنشینان. پشاور: منور پرس. ص:19 (10: 114-115).

2- نشریه های موقوت بحیث مأخذ:

الف- مجله بحیث مأخذ:

مثال : ضیاء، عبدالواحد و محمد همایون رسولی (1385 اش) « پلانگذاری سیستم انرژی برق نظر به تقاضا » مجله علمی پوهنتون کابل شماره سوم. ص: 11.

ب- جریدهء رسمی بحیث مأخذ:

مثال : وزارت عدلیه (1355 ش) « قانون جزای افغانستان » جریدهء رسمی. شماره 13 . مواد: 123 ، 311، 240- 324 .

ج- روزنامه بحیث مأخذ:

مثال: سیرت، حسین (20 اسد 1386ش) برداشت متفاوت کرزی و شوکت عزیز از طالبا ن . روز نامه 8 صبح. شماره 68. ص: 2.

دوم- قرآن کریم و کتب منسوخهء سماوی بحیث مأخذ:

قرآن کریم بدون در نظر داشت ترتیب الفبائی احتراماً در شماره اول فهرست مآخذ جابجا میشود و هم در زیر آن خط کشیده نمیشود. از اینکه تنظیم سوره ها و آیات متبرکه آن در فهرست مآخذ مشکل است (خصوصا در آثار علمی- تحقیقی ایکه به پیمانه وسیع از آیات متبرکه استفاده صورت میگرد) بنابر آن در جریان متن اثر بعد از ختم آیه اینطور نوشته میشود: (1: الذاریات، آیه 5) یا (1: 51، 5) و با ارقام عربی نشان داده میشود. کتب منسوخه سماوی مانند تورات (عهد عتیق) و انجیل (عهد جدید) در رد یف «ع» جابجا میشود و اگر استفاده زیاد از آنها صورت گرفته باشد پس در متن اثر اینطور نشان داده

میشود : (؟: باب بیستم، سفر خروج) و شده میتواند بجای باب و سفر صحفه آن نشان داده شود بطورمثال به این شکل (؟ 17).

سوم- سایت انترنت بحیث مأخذ:

مثال :

Day, Robert A. Dec 10, 1998. How to write and publish a scientific paper. 5th edition.

http:// www.amazon.com/ How-write-publish-scientific paper/dp

چهارم- مآخذ متفرقه:

مصاحبه بحیث مأخذ :

1- مثال : محسنی، محمد آصف (12 سنبله1386ش) مصاحبه توسط محقق اثر.

2- تماس تیلیفونی بحیث مأخذ:

مثال : قرضاوی، یوسف (25 سنبله1386ش) تماس تلیفونی توسط محقق اثر.

خوبست سایتهای انترنت، مصاحبه ها وتماسهای تلیفونی در متن اثر بین قوسین گرفته شود واز ذکر آنها در فهرست مآخذ جلوگیری گردد.

3- قاموس بحیث مأ خذ:

مثال : الیسوعی، لویس معلوف (1937) المنجد. بیروت: المطبعة الکاثولیکیة. ص:214.

پنجم- مآخذ به زبان انگلیسی:

Kassis, Hanna E. 1983. A concordence of the Qur’an Berkeley. University of Clifornia Press. PP. 38-40.

Ani, Salman H. and Parkinson, Dilworth B. 1996. Arabic Linguistics bibliography. Indian University. PP. 93 -97.

Melton, J. Gordon, Lucas, Phillip Charles, and Stone, Jon R . 1997. Prime – time religion. Phoenix, AZ: Oryx Press. P. 34.

Bacharach, Jere L. 1996. A Near East studies hand book. REV. Seattle: University of Washington Press. P. 13.

Harvard University Library.1968. Catalogue of the Arabic, Persian, and Ottoman Turkish Books. P. 61.

13- ضمایم، صرف در صورت ضرورت:

درین بخش اگر ضرور باشد فهرست های متعددی ، ضمیمه اثر شده میتواند خصوصاً در آثار علمی –تحقیقی ایکه به شکل یک کتاب تحریر میگردد بطور مثال فهرست آیات قرآنی، فهرست احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم، فهرست اصطلاحات، فهرست اعلام، فهرست اماکن و غیره.

چگونگی ساختن و ترتیب ضمایم اثر:

شاید همه آثار علمی به ضمایم ضرورت نداشته باشد، صرف برخی آثار علمی نظر به لزوم دیر محقق و مولف به برخی ضمایم ضرورت خواهد داشت. اگر اثرعلمی شما هم به موجودیت برخی ضمایم ضرورت داشته باشد، شما این ضمایم را به شیوه ذیل ساخته و ترتیب دهید:

بعد از فهرست مآخذ، ضمیمه فهرست آیات قرآنی را در اول قرار داده و بعد ضمیمه فهرست احادیث، اصطلاحات، اعلام، کتب، اشعار، قواعد، اماکن و...و... را جابجا سازید.

ضمیمه فهرست آیات قرآنی:

در ضمیمه فهرست آیات کریمه سه شیوه میتواند وجود داشته باشد: یکی اینکه تمام آیات وارد شده در اثر علمی شما جمع آوری شده به ترتیب قرآنی در ضمیمه تنظیم گردد، مثلا اول آیات مربوط به سوره فاتحه، بعد سوره بقره، آل عمران، نساء، مائده و...و... آورده شود و در بین آیات یک سوره هم ترتیب مد نظر گرفته شود، و شده میتواند در عنوان ضمیمه هم به این شیوه اشاره گردد.

شیوه دوم اینکه آیات قرآنی را به حسب و ترتیب ورود در اثر تنظیم شود.

شیوه سوم اینکه آیات کریمه به اساس حروف اول آنها ترتیب داده شود، البته ترتیب حروف ابتثی و هجاء منظور است. در هر سه شیوه تحت ضمیمه، آیت، سوره، نمبر آیت و صفحه اثر ذکر میگردد، و در عنوان ضمیمه به شیوه استخدام شده اشاره شده میتواند، اما صفحات اثر علمی بطور مرتب ذکر میگردد، یعنی اگر یک آیت در چهار صفحه8، 5، 80 و 3 اثر شما ذکر شده باشد باید این صفحات در ضمیمه مرتب ذکر شود.

ضمیمه فهرست احادیث:

درین ضمیمه، احادیث به اساس ترتیب حروف اول آنها ذکر میگردد و بعد صفحات مربوطه اثر علمی بطور مرتب ذکر میشود.

در سایر ضمایم فهرستها هم خوبست تا ترتیب به حسب حروف اول اصطلاحات، اعلام، کتب، اشعار، قواعد، اماکن و...و... در نظر گرفته شود.

نوت: شده میتواند به جای ضمیمه فهرست آیات قرآنی، و...و... تنها به فهرست آیات قرآنی اکتفا شود یعنی کلمه ضمیمه ذکرنگردد. اما اگر ضمیمه اثر ما بطور مثال متن کامل قانون وکلای مدافع افغانستان است و یا ازین قبیل متون مفصل دیگر درین صورت خوبست از اصطلاح ضمیمه استفاده شود.

آوردن فهرست اصطلاحات در صورتی خوبست که اصطلاحات مهم و کاربردی در جاهای مختلف اثر ما توضیح شده باشد در غیر آن شاید آوردن آن ضروری نباشد.

فونتها، سایز عناوین وصفحات رساله های علمی- تحقیقی:

(اختیاری است)

الف: رساله به زبان عربی:

- سایز رساله: به سایز ورق A4
- حاشیه راست (مارجین): 2 سانتی متر
- حاشیه چپ (مارجین): 2 سانتی متر
- حاشیه بالا (مارجین): 2 سانتی متر
- حاشیه پایین (مارجین): 2 سانتی متر
- فاصله دوخت: 1/5 سانتی متر
- عنوان اول (Heading): فونت ابجد هوز - Bold - Andalusسایز 18
- عنوان دوم (Heading): فونت ابجد هوز Andalus - Bold - سایز 16
- عنوان سوم (Heading): فونت ابجد هوز Andalus - Bold - سایز 14
- متن عادی رساله: فونت Arabic transparentابجد هوز سایز 14
- فاصله بین خطوط (line Space): 1 سانتی متر

ب: رساله به زبان دری:

- سایز رساله: به سایز ورق A4
- حاشیه راست (مارجین): 2 سانتی متر
- حاشیه چپ (مارجین): 2 سانتی متر
- حاشیه بالا (مارجین): 2 سانتی متر
- حاشیه پایین (مارجین): 2 سانتی متر
- فاصله دوخت: 1/5 سانتی متر
- عنوان اول (Heading): فونت B Titr سایز 16
- عنوان دوم (Heading): فونت B Titr سایز 14
- عنوان سوم (Heading): فونت B Mitra -Bold- سایز 14
- متن عادی رساله: فونت B Mitra سایز 14
- فاصله بین خطوط (line Space): 1 سانتی متر

ج: رساله به زبان پشتو:

- سایز رساله: به سایز ورق A4
- حاشیه راست (مارجین): 2 سانتی متر
- حاشیه چپ (مارجین): 2 سانتی متر
- حاشیه بالا (مارجین): 2 سانتی متر
- حاشیه پایین (مارجین): 2 سانتی متر
- فاصله دوخت: 1/5 سانتی متر
- عنوان اول (Heading): فونت Pashto Narange سایز 16
- عنوان دوم (Heading): فونت Pashto Narange سایز 14

- عنوان سوم (Heading): فونت Pashto Aryob -Bold- سایز 14
- متن عادی رساله: فونت Pashto Aryob سایز 15
- فاصله بین خطوط(line Space): 1 سانتی متر

رهنمای تنظیم اوراق اول کتاب با همه محتویات در یک فایل:

اگر به هر کتابی که تحریر و تالیف میگردد دقت شود از لحاظ شکل و تنظیم اوراق به سه قسمت تقسیم میشود: قسمت اول که شامل صفحه عنوان، صفحه مشخصات کتاب، صفحه بسم الله و شاید برخی صفحات دیگر است نباید به ارقام و یا حروف ابجدی علامه گزاری شود. قسمت دوم که شامل پیشگفتار، خلاصه، فهرست مطالب و شاید برخی صفحات دیگر است باید با حروف ابجدی علامه گزاری شود.اما معیار اینست که صفحه عنوان، صفحه مشخصات کتاب و صفحه بسم الله هم در محاسبه حروف ابجدی شامل ساخته شود و حروف اول ابجد برای آن صفحات در نظر گرفته شود و به حروف بعدی ابجد صفحات پیشگفتار، خلاصه و فهرست مطالب نامگذاری گردند، چنانچه دکتور احمد شیلبی در کتاب خود به این موضوع اینطور اشاره میکند:
«...ترقیم الصفحات نظام ینبغي أن یلاحظ بدقة ، ویبتدئ الترقیم بالحروف الأبجدیة : " أ ب ج د هـ و ز ح ط ي ... " فیشمل ذلك صفحة العنوان " لا یوضع لها رقم ولكنها تحسب في الترقیم " ، ویشمل كذلك صفحة التقدیر والاعتراف والفهارس ، والمقدمة ، ثم تبدأ الأرقام العربیة "1 ، 2 ، 3 ، 4... " مع بدء الرسالة نفسها ، والورقة التي توضع قبل الباب الأول مباشرة ، ویكتب في وسطها عنوان الرسالة لا تحمل رقما ولا تحسب في الترقیم ، ومثل ذلك الورقة التي تضاف قبل كل باب ویكتب علیها رقم الباب " الباب الثالث مثلا " وعنوانه ، أما في حالة الطباعة فإن هذه الورقات تحسب في الترقیم وذلك بسبب نظام " الملازم " المستعمل في الطبع وكون الملزمة الأولى تحمل

أرقاما تبتدئ من 1 إلى 16 والثانية من 17 إلى 32 وهكذا... . وفي الرسائل يجوز وضع الرقم في منتصف الصفحة من أعلى أو من أسفل ، ولكن من الأفضل على كل حال أن يوضع الرقم في الطرف الأعلى للصفحة من جهة الشمال ، ولا توضع نقطة بعد الرقم ، كما أنه لا يحاط بالأقواس».

قسمت سوم كه از مقدمه شروع و تا آخر كتاب ادامه دارد بايد با ارقام1، 2، 3 و... علامه گزارى شود. اكثر نويسندگانى كه با مسايل كمپيوتر آشنايى بيشتر ندارند اين سه قسمت كتاب را در سه فايل جداگانه تنظيم ميكنند كه درين صورت آنها نميتوانند از يک فهرست معيارى مطالب با هيدنگ معيارى كمپيوتر استفاده كنند و بالنتيجه در صورت ورود تغيير در سايز، فونت، فاصله بين سطور و غيره مشخصات صفحه، ارقام صفحات فهرست مطالب نيز تغيير مينمايد و باعث يک درد سر كلان براى نويسنده ميشود و هم امكان براى ابديت صفحات وعناوين فهرست مطالب كتاب ميسر نميباشد.

بخاطر حل اين مشكل خوبست تا ما كتاب خود را در يک فايل تنظيم كنيم، براى تنظيم كتاب در يک فايل و تنظيم سه قسمت آن بطور معيارى ضرورت است تا مراحل ذيل را بپيماييم:
همه اوراق كتاب از صفحه عنوان تا اخير را يكجا ساخته بعد به صفحات كتاب ارقام ميدهيم و اين ضرور است، به اين ترتيب كه به انزرت رفته و بعد (پيج نمبر) را كليک كرده و سپس (فارمت پيج نمبر) را كليک و در آنجا ارقام را انتخاب و اوكى و بعد مثلا تاپ يا... را انتخاب و همه صفحات رقم زده ميشود.
بعد ميخواهيم مثلا چهار صفحه اول كتاب هيچ نمبر و حروف ابجد نداشته باشد كرسر را در اخير صفحه 4 گذاشته و بعد (پيج لى اوت) و (بركس) وبعد (نكست پيچ) را انتخاب ميكنيم كه كرسر خود بخود به صفحه بعدى ميرود وبعد بجاى و موقعيت هيدر كليک كرده كه بطور خود كار مينيوى ديزاين باز گرديده وبعد (لينک تو پريويوس) را كليک نماييم تا

سرخی آن از بین برود و عین کار در فوتر نیز انجام شده میتواند و حالا میتوانیم ارقام 4 صفحه اول را با کلیک هیدر و هایلات از بین ببریم و اینکه سکشن علیحده ساخته شد پس رقم 1 از صفحه 5 نشان داده خواهد شد، اگر نشان داده نشود و همان 5 ظاهر شود باید به پیج نمبر رفته و (ستارت آن 1) مشخص شود وهم کوشش گردد که بعد از بریک، کرسر از صفحه پایین به صفحه بالا که مطلوب است گذاشته شود تا به صفحات قبل موثر واقع شود نه به صفحات بعد.

و بعد بخاطر اینکه مثلا 7 صفحه بعدی را با حروف ابجد علامه گذاری کنیم کرسر را در اخیر صفحه 7 گذاشته یعنی صفحه مطلوب وبعد به (پیج لی اوت) رفته وبعد برکس وبعد (نکست پیج) را کلیک کنیم وبعد به هیدر یا فوتر دبل کلیک کرده و(لینک تو پریویوس) را آف یعنی غیر روشن میسازیم و بعد به انزرت رفته پیج نمبر و حروف ابجد را انتخاب میکنیم که درین وقت این سکشن دوم با ابجد علامه گزاری میشود. وسکشن سوم با ارقام 1و2 تا اخیر باقی میماند. توجه داشته باشیم که کرسر را همیشه در اخیر صفحه مطلوب بگزاریم نه در اول صفحه بعدی که شاید به صفحات بعدی موثر واقع شود که منظور ما نمیباشد.

ترتیب فهرست مطالب بطور معیاری:

برای ترتیب فهرست معیاری مطالب‌شرط است که هر سه قسمت کتاب و یا فهرست مطالب با کتاب در یک فایل تنظیم شده باشد.

در بالای صفحه هوم چندین هیدنگ وجود دارند، هیدنگ 1، 2 و... و... اما خوب است برای وضاحت کار ما به زبان فارسی عنوان 1، عنوان 2، عنوان 3 و... و... را به این شکل ایجاد کنیم: عنوان درجه 1 خود را در کتاب سیلیکت نموده و رایت کلیک میکنیم و هم در اخیر جدول ستایل را کلیک که در جدول سه سطره سطر دوم (سیو سلیکشن...) را کلیک ک به تعقیب یک وندو ظاهر میشود و در آن به فارسی عنوان 1 را نوشته و اوکی میکنیم، عنوان 1 در بالا هم ظاهر خواهد شد و درعین وقت که عنوان متن کتاب سلیکت

است سایز خط و رنگ خط را نیز تعیین میکنیم مثلا سایز 16 و رنگ سرخ برای عنوان 1 تعیین شد، بعد بخاطر اینکه این مشخصات در تمام عناوین درجه 1 عملی شود در همین عنوان سلیکت شده باز رایت کلیک کرده ستایل را کلیک و این بار سطر اول که در آن نوشته شده (ابدیت عنوان 1...) را نیز کلیک میکنیم که دراین وقت در بالا هم عنوان 1 با رنگ سرخ و سایز 16 در می آید و عنوان 1 ما برای این کتاب گویا آماده شد و بعد هر عنوان درجه 1 کتاب را سلیکت کرده و دربالا عنوان 1 را کلیک مینماییم آن عنوان با همان مشخصات قالب عنوان 1 عیار میگردد.

بعد این کار را برای عناوین درجه 2 و3 و 4 هم عملی میکنیم و گویا قالب هر 4 درجه عناوین را میسازیم وبعد هر عنوان کتاب را سلیکت کرده نظر به لزوم دید درجه آن، در بالا قالب عنوان مربوطه را کلیک و عنوان درآن قالب تنظیم میگردد.

وقتی همه عناوین کتاب سلیکت و در درجه های متفاوت قالب های عناوین مربوطه عیار گردید بعد بخاطر ساختن فهرست معیاری به صفحه مربوطه رفته زیر عنوان (فهرست مطالب) کرسر را گذاشته و میرویم به مینیوی ریفرینس و در کنج بالای نقطه (تبل آف کانتنتس) را کلیک کرده و در پایین (انزرت تبل آف کانتنتس) را انتخاب و در کنج در وندوی دیگر (شو لیولس) تعداد عناوین را به 4 یا 5 و... و... بلند برده وبعد (آپشنز) را کلیک و وندوی دیگر باز میشود و درآن عناوین فارسی خود را پیدا میکنیم، فقط عنوان1 ، 2 ،3 و... و... را پیدا و بعد درمقابل هریک درجه مربوطه را مثلا1 درمقابل عنوان1 و 2 در مقابل عنوان 2 و... و... مینویسیم وبعد اوکی مینماییم (اما اگر درمقابل نمبرهرعنوان نمبر آن زده نشود وهمه به نمبر 1 باقی بماند پس همه عناوین کتاب به یک سایز خواهد آمد وحتی عناوینی که هنوز آنها را در قالب های مربوطه شان کلیک هم نکرده اید ظاهر خواهد شد که به این شکل، نادرست است و هم قبل از اوکی بسیار خوب است که در وندوهای مربوطه مودیفای ها را حتما کلیک کرده و فارمت آنها را طبق ذوق خود عیار کنیم ازقبیل فاصله خطوط، سایز خط و... و...) و بعد باز اوکی دیگر و درین وقت تمام عناوین کتاب با

مشخصات قبلا تعیین شده در صفحه فهرست مطالب ظاهر خواهد شد صرف شاید از چپ به راست باشد وما آنرا بطور درست سلیکت کرده بعد در مینوی هوم علامه مربوطه راست به طرف چپ را انتخاب میکنیم با این کار فهرست از راست به چپ با ارقام صفحات مربوطه تنظیم میگردد و معلوم میشود که عناوین درجه 1 برآمده و عناوین دیگر در داخل رفته موقعیت خواهند داشت.

ولی کوشش شود در وقت سلکت عنوان متن کتاب کرسر در پهلوی عنوان باشد در غیر آن نیمی از صفحه هم به حیث عنوان تظاهر خواهد نمود.

در آینده اگر در داخل کتاب صفحات تغییر میکنند باید بعد از تغییر به صفحه فهرست مطالب کلیک شود وبعد رایت کلیک و گزینه (ابدیت فیلد) را کلیک و در وندوی دیگر گزینه (ابدیت پیج نمبر) انتخاب و اوکی گردد. ودر آن صفحه نباید گزینه (ابدیت انتایر تبل) انتخاب شود که آن برای تغییر عناوین است زیرا اگر عنوان را میخواهیم تغییر دهیم در خود فهرست آنرا اصلاح وبعد در متن کتاب رفته درآنجا هم اصلاح میکنیم و این طریقه خوب است ولی آسان اینست که در کتاب عنوان را اصلاح کنیم و بعد به فهرست رفته وسلکت کنیم و (ابدیت انتایر تبل) را انتخاب کنیم که همه عناوین طبق مطلوب تغییر میکند.

برای صفحه مشخصات کتاب باید صفحه سفید بعد از صفحه عنوان گذاشته شود با کنترول و انتر و یا تنها انتر. وهم بعد از صفحه بسم الله... یک صفحه سفید. وهم بعد از هر عنوان فصل که در صفحه علیحده قرار داده میشود باید صفحه سفید گذاشته شود.

صفحه (کور پیج) کتاب اگر علیحده در دو صفحه فارسی و انگلیسی ساخته شود و در فایل جدا برای طبع داده شود خوب خواهد بود.

تغییر دادن نمبرهای عربی وانگلیسی یک متن:

اگر بخواهیم در همه کتاب خود صرف نمبرهای عربی داشته باشیم ویا صرف انگلیسی برای این کار به (آفیس بتن) که در کنج چپ سکرین کمپیوتر ما قرار دارد رفته و در زیر

(وورد آفشن) را کلیک و بعد (ادوانسید) را کلیک و بعد (نمرل) را پیدا و مثلث را از عربی به هندی تغییر دهیم که همه ارقام کتاب ما به فارسی تبدیل میشود و اگر عربی را انتخاب کنیم باز ارقام به انگلیسی تبدیل میشود. و دراین صفحه (وورد آفشن) چیزهای مهم دیگر نیز قابل تغییر میباشد که موضوع را نباید فراموش کرد.

سورت و ترتیب لستها:

برای سورت و ترتیب یک لست، مانند لست مآخذ و...و... به ترتیب الفبای ابتثی، در مینیوی هوم درسطر بالا، مربع ای- زیت را پیدا کرده کلیک میکنیم وبعد به اساس نمبر وتکست و تاریخ لیستها را مرتب ساخته میتوانیم که الف ولام تعریف را در نظر نمیگیرد، قرآن کریم را در اول نوشته نمیکنیم، سورت و ترتیب را انجام میدهیم و بعد قرآن کریم را مینویسیم و به مآخذ نمبر میدهیم.

خلاصه :

تدوین، تصنیف، تالیف و ترجمه موضوعات علمی از لحاظ شکل و محتوی کار خیلی مشکل به نظر نمیرسد ولی اجرای یک تحقیق معیاری و تحریر یک اثر علمی – تحقیقی هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ محتوی کاری است که تعداد زیادی از محققین جوان در آن بامشکلات زیادی مواجه میشوند، بیشترین مشکلات از ناحیه محتوی است که اکثر محققین جوان هنوز متوجه نمیباشند که تحقیق عبارت ازجمع آوری تحقیقات دیگران نیست بلکه کار جدید توصیفی یا استنباطی است که برای حل یک مشکل انجام میگردد، کاریکه تاهنوزکسی به این شیوه وبا این نتائج انجام نداده است. وهم از لحاظ شکلیات، ترتیب و تنظیم قسمتهای مهم و ضروری یک اثر علمی – تحقیقی مشکلات زیادی نزد محققین جوان وجود دارد، باوجودیکه در سالهای اخیربرخی از کتب و رهنمود ها در این زمینه اقبال چاپ یافته ولی نسبت مشرح بودن آنها و یا اینکه نسخه های مطبوع آن نایاب گردیده کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.

با درک این ضرورت اثر حاضر تهیه و در مورد طی مراحل مختلف اجرای تحقیق، ترتیب و تنظیم قسمتهای اصلی و فرعی گزارش تحقیق معلومات مختصر و شفاف با عبارات ساده ارائه شده که در نتیجه مطالعه این اثریک محقق جوان به آسانی درک میکند که یک اثر علمی- تحقیقی چیست؟ و یک تحقیق معیاری چگونه اجراء میشود؟ و در تحریر گزارش آن، ترتیب موضوعات و عناوین چگونه مراعات میگردد؟ مستند سازی یک اثر علمی- تحقیقی با چه شیوه یا شیوه ها انجام می یابد و ضمایم آن چگونه است**پایان**

مآخذ:

1. **القرآن الکریم.**

2. Anderson, Greg. 1994. How to write a paper in scientific Jurnal.
http:// abacus.bates.edu/~ganderso/ biology/ resources/ writing/ HTWsections.html-4k .

3. Day,Robert A. Dec 10, 1998. How to write and publish a scientific paper : 5th Edition .
http:// www. amazon.com/how-write-publish-scientific-paper/dp

4. Kamali, K. http://www.mkamali.com/research/goal.htm

5. Lewenstein, Protessor Bruce. How to write a scientific paper.
http://www.birds.cornell.edu/schoolyard/research/write-scientific paper.html

6. Moradi, Ahmad+ Gerhard Furrer. 2 Feb 2007. 33 question to be answered when you write a scientific paper .
http://www.ibp.ethz.ch/people/gerhardf/33questions

7. Tebyan.
http://www.tebyan.net

8. ستره محکمه. 1989 « قانون موسسات تحصیلات عالی ملکی » مجله قضاء. شماره 8.

9. رشیق، محمد حسن (1384 ش) طرز نگارش اثرعلمی- تحقیقی. کابل: پوهنتون کابل.

10. رحیمی، ولی محمد (1362 ش) اساسات نگارش رساله ها... کابل: پوهنتون کابل.

شلبی. کیف تکتب بحثا او رسالة.

11. عزت الله نادری، مریم سیف نراقی و فرنگیس شاهپوریان (1369 هـ ش) رهنمای عملی فرهم سازی طرح تحقیق. تهران: بدر.

فضل الله، مهدی. اصول کتابة البحث و قواعد التحقیق. بیروت: دار الطباعة، 1998.

12. وزارت عدلیه (1382 ش) « مقررهء فعالیتهای علمی - تحقیقی و نشراتی موسسات علمی – تحقیقی » جریده رسمی . شماره 815





وزارت تحصیلات عالی افغانستان
پوهنتون کابل
پوهنحی شرعیات

سوانح مختصر، آثارعلمی، فعالیتهای تعلیمی وتربیتی پوه اند محمد ابراهیم ابراهیمی

پوهاند محمد ابراهیم ابراهیمی در سال 1338هـ ش در ولسوالی سید آباد ولایت وردک دریک خانواده علم پرور متولد شده وبعد از فراغت از دارالعلوم عربی کابل پوهنحی شرعیات پوهنتون کابل را به پایان رسانیده وبه حیث استاد دراین پوهنحی مقرر گردیده است. موصوف در رشته فقه وقانون ماستری داشته وبرخی تعلیمات خود را درحقوق مقائسوی درایالات متحده امریکا درپوهنتون واشنگتن ستیت تکمیل نموده است. موصوف بمنظور اجرای برخی وظائف تعلیمی و تربیتی، علمی، تحقیقی واکادمیک به کشورهای مختلف چون ازبکستان، ترکمنستان، ایران، تاجکستان، هندوستان، مالیزیا، ایالات مختلف امریکا ، اندونیزیا و کشورهای دیگر سفرهای رسمی نموده است.
موصوف 30 سال میشود (تا 1392 ش) که به تدریس وتحقیق علوم اسلامی درپوهنحی شرعیات پوهنتون کابل مصروف خدمت میباشد.
او مدتی معاون پوهنحی فقه وقانون پوهنتون علوم اسلامی وبرای مدت ده سال آمر دیپارتمنت عقیده وفلسفه پوهنحی شرعیات میباشد.
او بیشتر از 18 کتاب درسی، علمی وتحقیقی را برای پوهنتون کابل، پوهنتونهای ولایات ودارالمعلمین های کشورتالیف وترجمه نموده و اضافه تر از شصت مقاله علمی- تحقیقی را به زبانهای پشتو، دری وعربی به نشر رسانیده که لست برخی ازاین آثار ذیلا ارائه خواهد شد.
موصوف در پهلوی تدریس، بیشتر از دوصدو بیست تن ازاستادان جوان پوهنحی شرعیات پوهنتون کابل، استادان جوان سایرپوهنحی های شرعیات کشور، استادان جوان اکادمی علوم افغانستان، استادان جوان دار المعلمینهای ولایات مختلف وسایر نهادهای اکادمیک کشور را در امر تحقیقات علمی، تعلیم و تربیه رهنمایی وهمکاری نموده است.
او در کمیته های تسوید برخی قوانین و لوائح نافذه کشور عضویت داشته است.

او درجریان وظیفه، عضویت ده ها کمیته علمی و اکادمیک را درداخل پوهنحی وپوهنتون کابل وهم خارج از پوهنتون داشته که بطورنمونه میتوان از کمیته ترفیعات علمی پوهنتون کابل، کمیته نصاب درسی پوهنتون کابل، کمیته نصاب و سلیبس درسی پوهنحیهای شرعیات کشور، کمیته نصاب درسی پوهنحی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل، کمیته نصاب درسی وزارت تحصیلات عالی، کمیته نصاب و سیلیبس درسی رشته علوم اسلامی دارالمعلمینهای کشور، کمیته بورد ماستری پوهنتون کابل، کمیته هیات تحریرمجله علمی پوهنتون کابل، کمیته هیات تحریرمجله علمی حیرنه پوهنتون کابل، کمیته هیات تحریرمجله علمی پوهنحی هنرهای زیبای پوهنتون کابل، کمیته هیات تحریر مجله علمی پوهنحی شرعیات، شورای علمی پوهنحی شرعیات، کمیته نصاب وسلیبس درسی ماستری و بورد ماستری پوهنحی شرعیات وبرخی کمیته های دیگر نام برد.

موصوف علاوه ازآمریت دیپارتمنت عقیده وفلسفه، مسئولیت مرکز تحصیلات عالی ماستری پوهنحی شرعیات پوهنتون کابل را نیز به عهده داشته است.

او با وجود مشکلات فراوان صحی که در اثر تدریس دوامدار عاید حالش گردیده هنوز هم تدریس میکند، کتاب درسی تالیف میکند، تحقیق علمی مینماید، در کمیته های مهم علمی و اکادمیک پوهنحی و پوهنتون حضور به هم میرساند، به آثار علمی – تحقیقی و کتب درسی استادان رسما تقریظ ارائه میکند، ده ها تن از استادان پوهنتونها، محققان اکادمی علوم افغانستان، استادان دارالمعلمینهای کشور و استادان سایر نهادهای علمی و اکادمیک کشور را رسما رهنمایی مینماید و ده ها فعالیت تعلیمی و تربیتی دیگر.

فهرست برخی کتب تالیف شده توسط پوهاند محمد ابراهیم ابراهیمی که از سوی پوهنتون کابل، نشرات سعید، بنگاه نشراتی هندی Repro India Ltd و بانک جهانی به نشر رسیده است:

شماره	عنوان اثر	نوعیت اثر
1.	فلسفه حقوق	تیزس ماستری
2.	ترجمه کتاب المدارس الفلسفیۀ	اثر اصلی رتبه علمی پوهنمل
3.	اساسی ترین معتقدات ادیان بزرگ جهان کتاب درسی فاکولته های شرعیات کشور.	اثر اصلی رتبه علمی پوهندوی و فعلا
4.	الهیات درعلم کلام اسلامی کتاب درسی فاکولته های شرعیات کشور.	اثر اصلی رتبه علمی پوهنوال و فعلا
5.	عقاید اسلامی- بخش نبوات کتاب درسی فاکولته های شرعیات کشور.	اثر اصلی رتبه علمی پوهاند و فعلا
6.	فلسفه معاصر	کتاب درسی
7.	عقاید شریف- بخش الهیات	کتاب درسی برای دارالمعلمین های کشور
8.	عقاید شریف- بخش نبوات وسمعیات	کتاب درسی برای دارالمعلمین های کشور

9. منطق (صوری وتطبیقی) **کتاب درسی برای دارالمعلمین های کشور**

10. ثقافت اسلامی 1 و2 **کتاب درسی برای دار المعلمین های کشور**

11. شناخت ادیان **کتاب درسی برای دارالمعلمین های کشور**

12. میتود تدریس علوم دینی **کتاب درسی برای دارالمعلمین های کشور**

13. ترجمه تجوید 1 **کتاب درسی برای دارالمعلمین های کشور**

14. ترجمه تجوید 2 **کتاب درسی برای دارالمعلمین های کشور**

15.ترجمه منطق (صوری و تطبیقی) **کتاب درسی برای دارالمعلمین های کشور**

16.روش تحقیق و طرح عملی آن (قاعة البحث) **کتاب درسی پروگرام ماستری فقه و قانون پوهنتون کابل**

17.اصول دعوت و فن خطابه **کتاب درسی پوهنحی شرعیات پوهنتون کابل**

18.تدوین رهنمای پوهنحی شرعیات

فهرست برخی مقالات علمی– تحقیقی نشر شده موصوف در مجلات معتبر، به زبانهای پشتو، دری وعربی:

1- **اعظم مصادرالفلسفة فی الملة الاسلامية یونانی:** العددالثالث.السنة الثانية. عام 1989 مجلة الجامعة الاسلامية بکابل.

2- **اهم تفاسیر القران الکریم المتداولة فی افغانستان:** العدد الخامس.السنة الثالثة. عام 1990 .مجلة الجامعة الاسلامية بکابل.

3- **ماهی العقیدة؟:** العدد الثانی. السنة الاولی.عام 1990 .مجلة الجامعة الاسلامية بکابل.

4- **اجتهاد وتقلید درعلم کلام اسلامی :** مجله علمی پوهنتون کابل. شماره دوم وسوم . سال .1384

5- **عدل خداوندی:** مجله علمی پوهنتون کابل. شماره اول. سال .1384

6- **بحث مقائسوی پیرامون شخصیت حقوقی وتاریخی زن :** مجله علمی پوهنتون بلخ. شماره چهارم . سال 1384.
7- **دشکلا سره دانشتین د نسبیت د تیوری اریکه :** مجله علمی هنرهای زیبای پوهنتون کابل.
8 - **تجربه های من درزمینه های آزمون وآموزش :** قسمت اول درشماره 9و10 . سال 1361. مجله عرفان ارگان نشراتی وزارت معارف.
9- **تجربه های من درزمینه های آزمون وآموزش:** قسمت دوم درشماره 11و12 . سال 1361. مجله عرفان ارگان نشراتی وزارت معارف.
10- **حالات سقوط مجازات درفقه اسلامی :** شماره 6 سال 1369 . مجله پیام حق.
11- **دفاع مشروع درشریعت وقانون :** شماره 3 . سال 1369 . مجله پیام حق.
12- **حضرت محمد ص ازمیلاد تا ازدواج:** شماره 4 . سال1369 . مجله پیام حق.
13- **مقام حقوقی زن درشریعت اسلامی :** شماره 12 . سال 1369 .مجله قضا ارگان نشراتی ستره محکمه
14- **تیوری مسئولیت مدنی درفقه وقوانین وضعی:** شماره 2 . سال1370 . مجله قضا.
15- **پیرامون روزه ماه مبارک رمضان:** شماره فوق العاده سال 1362 . مجله پیام حق.
16- **میلاد وگوشه هائی از زندگی حضرت محمد ص:** شماره فوق العاده سال 1362 . مجله پیام حق.
17- **نظام مالی درصدر اسلام :** شماره 2 سال 1370 . مجله پیام حق.
18- **مسئولیت درطبابت ومسابقات سپورتی ازنظرشریعت وقانون:** شماره 1 سال1370 . مجله پیام حق.
19- **ملکیت زمین در فقه اسلامی:** شماره 2 .سال 1374 .مجله پیام حق.
20- **جزاهای مالی درشریعت وقانون ومقارنه آن با جزای حبس :** شماره 2 سال1369 . مجله پیام حق.
21- **بحثی پیرامون حق مولف :** شماره 3 .سال 1370 . مجله حقوق وزندگی ارگان نشراتی اتحادیه حقوقدانان افغانستان.
22- **انسان ، ژوند اوحان پیژندنه :** شماره 9 . سال 1362 . مجله عرفان .
23- **نظرشریعت در مورد قیودیکه بر حق ملکیت وارد میشود :** شماره11 و12 .مجله قضا.

24. **رعایت اصول جنگ و اسیر گیری در شریعت اسلامی .** مجله علمی پوهنتون کابل. شماره سوم. 1385
25. **میتود های مختلف تدریس علوم اسلامی در افغانستان .** مجله علمی پوهنتون کابل. شماره چهارم. 1385ش.
26. **تعلیم و تربیه از دیدگاه شریعت اسلامی .** مجله علمی پوهنتون کابل. شماره دوم 1386ش. 27. **جبر و اختیار به مثابه دو مشکل در مساله قدر و قضا.** مجله علمی پوهنتون کابل. شماره سوم. 1386ش.
28. **تصوف و چگونگی آن در افغانستان .** مجله علمی پوهنتون کابل. شماره چهارم 1386 ش
29. **نقد منطق ارسطو.** مجله علمی پوهنتون کابل. شماره اول. 1387 ش .
30. **بررسی وضع دینی افغانستان قبل ازاسلام .** مجله علمی پوهنحی شرعیات پوهنتون کابل. 1390ش.

وآثار عدیده دیگر